

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۳

بخش اول

(فروردین تا شهریور)

پژوهشگاه شورای نگهبان

سرشناسه: جمعی از پژوهشگران
عنوان و نام پدیدآور: مشروح مذاکرات شورای نگهبان، سال ۱۳۹۳، بخش اول (فروردین تا شهریور) /
تحقیق و تنقیح جمعی از پژوهشگران.
مشخصات ناشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.
۸۴۳ ص.؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: نمایه.
موضوع: شورای نگهبان -- صورت مذاکرات
موضوع: Shoraye negahban -- Publication of proceeding
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۹م ش/ KMH۲۵۱۲
رده بندی دیویی: ۳۴۹/۵۵۰۵

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۳

بخش اول (فروردین تا شهریور)

تحقیق و تنقیح: جمعی از پژوهشگران به ترتیب حروف الفبا:

عمار امیری آرانی، حسین امینی پزوه، محمدحسن باقری، علی تقی نژاد، محمدبرزگر خسروی، عباس حسنخانی، سید احمد
حسینی پور اردکانی، حمیدرضا صادقیان، حسین فاتحی زاده کلخوران، کاظم کوهی اصفهانی، محمد مهاجری، محمد میثم نداف پور
پیاده سازی و تنظیم: محسن بیات، سید حامد چاوشی، علیرضا صحت قول نیکی، یاسر مجاهد، رضا نادى زاده و سعید همت یار

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: بهار ۱۳۹۷ - تیراژ: ۵۰۰ جلد - قیمت: ۹۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۲۲-۸

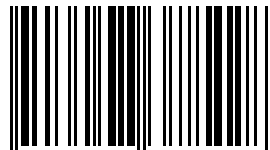
تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir



9 786008 378228

مشروح مذاکرات جلسه ۱۳۹۳/۴/۱۱

مشمول بر موضوعات زیر:

- ۱) نطق پیش از دستور
- ۲) طرح بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار (اعاده شده از شورای نگهبان)
- ۳) طرح اصلاح مواد (۱)، (۶) و (۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی (اعاده شده از شورای نگهبان)
- ۴) طرح تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری
- ۵) طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور

تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله مجید

نطق پیش از دستور

آقای علیزاده - بسم الله الرحمن الرحيم. فرا رسیدن ماه مبارک رمضان را خدمت همه‌ی سروران تبریک عرض می‌کنم. ان‌شاءالله که همه از فیوضات این ماه بهره‌مند هستید و ان‌شاءالله به حق این ماه مبارک طاعات و عبادات همگی قبول باشد و همه‌ی آقایان سالم باشند. خداوند ان‌شاءالله همه‌ی مریض‌ها را هم شفا بدهد. دستور کار را شروع بفرمایید.

طرح بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار (اعاده شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - دستور اول، «طرح بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار (اعاده شده از شورای نگهبان)»^۱ است. ایراد

۱. طرح یک‌فوریته بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۴ به تصویب نمایندگان رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۵۶/۶۳۱۰۶ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۰ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، تا پایان سال ۱۳۹۳، در مجموع در هفت مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۱ و ۱۳۹۰/۱۰/۲۸، در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۲/۴، در مرحله‌ی سوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۳/۳، در مرحله‌ی چهارم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۴/۲۸ و در مرحله‌ی پنجم در جلسات مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۱ (غیر رسمی) و ۱۳۹۱/۷/۲۶ بررسی کرد و نظر خود ←

اول شورای نگهبان به این مصوبه، [در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۰۸۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰] این بوده است: «در تبصره (۳) ماده (۲۶)، علاوه بر اینکه ظاهراً به نظریه مجمع تشخیص مصلحت نظام توجه نشده است، علی‌رغم حذف فصل دوم، با عنایت به اضافه شدن عبارت «واجدان شرایط بیمه بیکاری» در این تبصره به عنوان جایگزین عبارت «مشمولان موضوع ماده

→

مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی و نیز وجود ابهام در موادی از این مصوبه را طی نامه‌های شماره ۹۰/۳۰/۴۵۳۲۶ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۸، ۹۱/۳۰/۴۶۴۴۲ مورخ ۱۳۹۱/۲/۴، ۹۱/۳۰/۴۶۸۱۰ مورخ ۱۳۹۱/۳/۳، ۹۱/۳۰/۴۷۴۱۲ مورخ ۱۳۹۱/۴/۲۸ و ۹۱/۳۰/۴۸۳۷۳ مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۶ به رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصرار مجلس شورای اسلامی بر ماده (۱۱) مصوبه‌ی خود، این مصوبه بر اساس اصل (۱۱۲) قانون اساسی برای حل اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان، به موجب نامه‌ی شماره ۱۴/۷۴۵۳۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۷ به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد. بررسی این مصوبه در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ در دستور بررسی مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت و «مقرر گردید برای رفع ایراد شورای نگهبان در خصوص اصل (۷۵) قانون اساسی، به مجلس شورای اسلامی ارجاع شود تا دولت و مجلس با تفاهم یکدیگر نسبت به تأمین منابع بار مالی اقدام نمایند». با بازگشت این مصوبه به مجلس، مجدداً مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۲۸ به اصلاح این مصوبه اقدام کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۴/۱۲۷۶۷ مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۰ به شورای نگهبان ارسال کرد. این مصوبه، در این مقطع نیز دو مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشت. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی ششم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰ و در مرحله‌ی هفتم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۱ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی را طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۱۰۸۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰ و ۹۳/۱۰۲/۱۳۷۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۴ به رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. خاطر نشان می‌گردد مجلس شورای اسلامی بعد از این مراحل، مصوبه‌ی کمیسیون اجتماعی را به صورت غیر رسمی به شورای نگهبان ارسال کرد که شورای نگهبان در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵، این مصوبه را نیز بررسی کرد و همچنان ایراد مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی را به این مصوبه‌ی اصلاحی وارد دانست.

۲. تبصره (۳) ماده (۲۶) طرح بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۴ مجلس شورای اسلامی: «۳- مشمولان موضوع ماده (۱۶) این قانون که مدت بیمه بیکاری آنان منقضی شده است، در صورت داشتن شرایط برابر مقررات این فصل مورد حمایت قرار می‌گیرند.»

طرح بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی: «در تبصره (۳) ماده (۲۶)، عبارت «واجدان شرایط بیمه بیکاری»، جایگزین عبارت «مشمولان موضوع ماده (۱۶) این قانون» می‌شود.»

است؟ قانون که نگذاشته است؛ فقط گفته است که مجلس و دولت بروند و با هم بنشینند و مشکل را حل کنند.

آقای علیزاده - ببینید؛ اگر اختلافی بین مجلس و شورای نگهبان بوده است، مجمع تشخیص باید رفع اختلاف می‌کرد؛ در آن صورت، مجمع تشخیص نمی‌توانست به مجلس و دولت بگوید که بروید و با هم تفاهم کنید.

آقای رهپیک - نظر مجمع تشخیص حکم الزامی نبوده است دیگر.

آقای علیزاده - نبوده است؟! خیلی خب، منظور من این است که موضوع روشن شود؛ وگرنه مجمع تشخیص که اصولاً نمی‌تواند مصوبه را به مجلس برگرداند.

آقای رهپیک - یعنی مجمع تشخیص اصلاً به این مسئله ورود نکرده است که بخواهد تصمیم بگیرد.

آقای علیزاده - [در موارد حل اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان، قاعدتاً] مجمع تشخیص یا باید می‌گفت نظر شورای نگهبان قبول می‌شود، یا اینکه به نظر مجلس باید عمل بشود یا یک راه حل سومی ارائه می‌کرد؛ یعنی باید در همان مجمع تشخیص، قانون را تمام می‌کرد.

آقای رهپیک - اصلاً مجمع تشخیص به این مصوبه، ورود ماهوی نکرده است، بلکه توصیه کرده است که مجلس و دولت بروند و با هم مشکل را رفع کنند.

آقای علیزاده - بله، حالا بالاخره غیر از این ایراد، اشکال رفع شده است. آقایان اگر اشکال دیگری دارند، بگویند.

آقای رهپیک - حالا به ماده‌ی بعدی که برسیم، آنجا دوباره بار مالی مصوبه، بحث دارد.

آقای علیزاده - خیلی خب، این ایراد الآن رفع شده است.

آقای رهپیک - بله، این ایراد، رفع شده است.

آقای علیزاده - پس در خصوص اولین ایراد شورا، غیر از آن مطلب مجمع تشخیص که آقایان توضیح دادند که به آن عمل نشده است، بقیه‌ی ایراد اول شورای نگهبان رفع شده است.

منشی جلسه - [ایراد دوم شورای نگهبان در نظر شماره ۱۰۸۳/۱۰۲/۱۰۲۰ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰]: «با توجه به اینکه منابع مورد نظر طرح به موجب مواد مختلف از جمله ماده (۳۲)^۲ برای سال

(۱۶) این قانون» و عبارت «بیکار مشمول بیمه بیکاری» به عنوان جایگزین عبارت «بیکار موضوع فصل دوم این قانون» در ماده (۲)،^۱ ایراد سابق این شورا کماکان به قوت خود باقی است.» مجلس برای رفع این ایراد گفته است: «تبصره (۳) ماده (۲۶) (۶) جدید) حذف می‌شود و شماره تبصره (۴) به تبصره (۳) تغییر می‌یابد.» مجلس تبصره (۳) را حذف کرده است.

آقای مؤمن - مجلس موضوع ایراد اول را حذف کرده است. ماده (۲) را هم حذف کرده است.

آقای علیزاده - فقط یک ایراد مانده است. آقایانی که در مجمع تشخیص مصلحت نظام تشریف داشتند شاهدند که آنجا این مصوبه بحث شد. خود اعضای مجمع تشخیص به کل این قانون، ایراد داشتند؛ می‌گفتند این مصوبه، بار مالی دارد. مجمع تشخیص آمده است و قانون را به مجلس برگردانده است و گفته است که دولت و مجلس با هم راه حلی پیدا کنند.

آقای رهپیک - بله، باید راه حلی پیدا کنند.

آقای علیزاده - به آن راه حلی که مجمع تشخیص گفته بوده، عمل نشده است. برای همین است که ما در ایرادمان به مصوبه‌ی سابق نوشتیم که ظاهراً به نظریه‌ی مجمع تشخیص مصلحت عمل نشده است. اصلاً دولت نه در آن مورد پیشنهادی داده است، نه کاری کرده است و نه اصلاً پیشنهادی از سوی دولت به مجلس رفته است.

منشی جلسه - در اصلاحیه‌ی فعلی، قبل از حذف تبصره (۳) ماده (۲۶)، ماده (۲) هم کاملاً حذف شده است.

آقای علیزاده - بله.

آقای رهپیک - حالا به جز ایراد عمل نکردن به نظر مجمع تشخیص، ظاهراً قسمت اول ایراد شورای نگهبان رفع شده است.

آقای علیزاده - بله، اما به راه حلی که مجمع تشخیص ارائه کرده بود، عمل نشده است.

آقای مدرسی یزدی - مگر مجمع تشخیص چه توصیه‌ای کرده

۱. ماده (۲) طرح بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۴ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲- بیکار موضوع فصل دوم این قانون بیمه‌شده‌ای است که رابطه کاری وی با کارفرما بدون میل و اراده او قطع شده و خود، متقاضی کار است.»

ماده (۲) اصلاحی طرح بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی: «در ماده (۲)، عبارت «بیکار مشمول بیمه بیکاری»، جایگزین عبارت «بیکار موضوع فصل دوم این قانون» می‌شود.»

۲. ماده (۳۲) طرح بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۴ مجلس شورای اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۱/۱/۲۲): «ماده ۳۲- منابع مورد نیاز اجرای فصل سوم این قانون، در سال (۱۳۹۱) از محل دو درصد (۲٪) اعتبارات بودجه عمومی موضوع ماده (۱۸۰) قانون برنامه

همچنین نود درصد (۹۰٪) درآمد حاصل از دریافت خسارات و جریمه‌های ناشی از اشتغال اتباع خارجی بدون مجوز و کودکان و نوجوانان کمتر از پانزده سال و کمک‌های مردمی و سازمان‌های حمایتی داخلی و خارجی مانند بانک جهانی برای این منظور اختصاص می‌یابد.

تبصره- دولت مکلف است ترتیبی اتخاذ نماید که در سال ۱۳۹۳ به تناسب منابع پیش‌بینی شده در جزء (۴) بند (ب) تبصره (۲۱) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور،^۲ بیکاران متقاضی کار در کشور بر اساس اولویت‌های زیر، از بالاترین امتیاز تحت پوشش قرار گیرند و به تدریج در صورت پیش‌بینی در قوانین بودجه سال‌های بعد، اجرای مقررات این قانون به کلیه افراد واجد شرایط تعمیم یابد. پرداخت کمک‌هزینه بیکاری با در نظر گرفتن اولویت‌های زیر آغاز می‌شود و سپس به سایر بیکاران تسری می‌یابد.»

آقای علیزاده - تبصره‌ی ماده (۳۲) می‌گوید: بیکاران متقاضی کار از بالاترین امتیاز، تحت پوشش قرار گیرند؛ یعنی آنهایی که بالاترین امتیاز را دارند، ابتدا آنها تحت پوشش قرار می‌گیرند.

→

ب- اجراء نظام جامع تأمین اجتماعی برای جامعه هدف از قبیل:
 ۱- گسترش و تأمین بیمه‌های اجتماعی، خدمات درمانی، تأمین و ارتقاء سلامت جامعه و پوشش دارویی و درمانی بیماران خاص و صعب‌العلاج.
 ۲- کمک به تأمین هزینه مسکن، مقاوم‌سازی مسکن و اشتغال.
 ۳- توانمندسازی و اجراء برنامه‌های حمایت اجتماعی...
 ۴. تبصره (۲۱) قانون بودجه سال (۱۳۹۳) کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۶ مجلس شورای اسلامی: «تبصره ۲۱-
 در اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ به دولت اجازه داده می‌شود در سال (۱۳۹۳) منابع مالی حاصل از اصلاح قیمت کالاها و خدمات موضوع قانون مذکور و منابع یارانه‌ای آن را با استفاده از انواع روش‌های پرداخت نقدی و غیرنقدی و خدمات بیمه‌ای بین خانوارهای هدف و نیازمند توزیع و با اولویت بخش تولید، به شرح زیر اجراء نماید:

الف- درآمد حاصل از اجرای قانون مذکور در سال (۱۳۹۳) تا مبلغ چهارصد و هشتاد هزار میلیارد (۴۸۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل اصلاح قیمت کالاها و خدمات موضوع مواد (۱) و (۳) همان قانون تعیین می‌گردد.

ب- منابع مندرج در بند (الف) و منابع مربوط به یارانه نان، برق و سایر کالاها و خدمات مندرج در این قانون به شرح زیر هزینه می‌گردد:

۱- ...

۴- مبلغ بیست هزار میلیارد (۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار موضوع ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها در مورد پوشش‌های بیمه‌ای و حمایت‌های اجتماعی اختصاص می‌یابد.»

(۱۳۹۱) و سال‌های پس از آن پیش‌بینی گردیده و مصوبه فعلی در سال ۱۳۹۳ تصویب شده است، زمان اجرای طرح و نسبت آن با منابع و بودجه سال ۱۳۹۳ و سال‌های پس از آن ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» مجلس برای رفع این ایراد شورای نگهبان گفته است: «ماده (۳۲) (۱۲ جدید) و تبصره (۱) آن به شرح زیر اصلاح و تبصره (۲) آن حذف می‌شود و جدول امتیازات و بندهای (الف) و (ب) ذیل آن ابقاء می‌گردد.

ماده ۳۲- منابع مورد نیاز اجرای این قانون، با پیش‌بینی در قوانین بودجه از محل پنجاه درصد (۵۰٪) درآمدهای موضوع ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ تأمین می‌شود.

→

پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ که در اختیار معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور قرار دارد تأمین و پرداخت می‌شود. در سال‌های بعد با پیش‌بینی در قوانین بودجه از محل پنجاه درصد (۵۰٪) درآمدهای موضوع ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ تأمین می‌شود. همچنین نود درصد (۹۰٪) درآمد حاصل از دریافت خسارات و جریمه‌های ناشی از اشتغال اتباع خارجی بدون مجوز و کودکان و نوجوانان کمتر از پانزده سال و کمک‌های مردمی و سازمان‌های حمایتی داخلی و خارجی مانند بانک جهانی برای این منظور اختصاص می‌یابد.

تبصره ۱- دولت مکلف است ترتیبی اتخاذ نماید که در سال اول اجرای قانون، حداقل بیست درصد (۲۰٪) بیکاران متقاضی کار در کشور بر اساس اولویت‌های زیر از بالاترین امتیاز تحت پوشش قرار گیرند و به تدریج با اجرای مقررات این قانون ظرف سه سال به کلیه افراد واجد شرایط تعمیم یابد. پرداخت کمک‌هزینه بیکاری با در نظر گرفتن اولویت‌های زیر آغاز می‌شود و سپس به سایر بیکاران تسری می‌یابد.
 تبصره ۲- تأمین منابع مذکور در این ماده از آغاز اجراء از محل موضوع ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ با پیش‌بینی در بودجه سنواتی بلا مانع است.

...

الف- کلیه مشمولان این قانون مکلفند در صورت تشخیص واحد تعاون، کار و رفاه اجتماعی، جهت ارتقاء سطح مهارت که با تأیید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تعیین می‌شود شرکت کنند و گواهی آن را هر دو ماه یک بار به شعب صندوق ارائه نمایند.

ب- امتیاز ایثارگری برای کلیه دارندگان حداقل شش ماه سابقه حضور در جبهه و یا اسارت و یا جانبازی با حداقل پنج درصد (۵٪) جانبازی با اعلام بنیاد شهید و امور ایثارگران محل لحاظ می‌شود.»

۱. ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷- دولت مجاز است حداکثر تا پنجاه درصد (۵۰٪) خالص وجوه حاصل از اجراء این قانون را در قالب بندهای زیر هزینه نماید:

الف- یارانه در قالب پرداخت نقدی و غیر نقدی با لحاظ میزان درآمد خانوار نسبت به کلیه خانوارهای کشور به سرپرست خانوار پرداخت شود.

←

آقای مدرس یزدی - خب مجلس با این تعیین تکلیف، منابع این مصوبه را نشان داده است.

آقای ره‌پیک - بله دیگر؛ می‌گوید از این منبعی که دولت طبق قانون مجاز شده بود که در این موارد مصرف کند، شما بیمه‌ی بیکاری را نیز باید از این محل تأمین کنید. حالا یک اشکال عملی که حتی در سال ۱۳۹۳ نیز وجود دارد، این است که تمام درآمدی که الان دولت از حامل‌های انرژی درمی‌آورد، صرف یارانه‌ی نقدی می‌کند؛ دولت برای پرداخت یارانه‌ی نقدی کم هم می‌آورد. الان مجلس بیست هزار میلیارد (۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، یعنی دو هزار میلیارد (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) تومان برای بیمه‌ی بیکاری در قانون بودجه سال ۱۳۹۳ تصویب کرده است که حالا در تبصره گفته است از این منبع استفاده شود. الان خود دولت نامه داده^۲ و اعلام کرده است که ما این دو هزار میلیارد (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) تومان را صرف پرداخت یارانه نقدی کرده‌ایم؛ یعنی دولت از تمام همان منابع، در مورد بند (الف) ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، برای یارانه‌ی نقدی استفاده کرده است و کم هم آورده است. الان این مصوبه می‌گوید بیمه‌ی بیکاری برای سال‌های بعد هم، از این منابع

→

انشعاب‌های مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی احداث‌شده توسط خیران مصوب ۱۳۹۱/۸/۳ مجلس شورای اسلامی بدین شرح بود: «ماده واحده- از ابتدای سال (۱۳۹۲) عوارض شهرداری‌ها و تمام هزینه‌های مربوط به حق انشعاب آب، برق، گاز و فاضلاب کلیه مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی وزارت آموزش و پرورش که حداقل سی درصد (۳۰٪) هزینه ساخت آن با تأیید سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور یا ادارات کل نوسازی مدارس استان‌ها و مجامع خیران مدرسه‌ساز توسط خیران مدرسه‌ساز تأمین می‌شود، از محل اعتبارات پیش‌بینی شده در قوانین بودجه سالانه برای وزارت آموزش و پرورش پرداخت می‌شود.»

۲. «... ثانیاً تأمین مبلغ (۲۰,۰۰۰) میلیارد ریال پیش‌بینی شده در جزء (۴) بند (ب) تبصره (۲۱) قانون بودجه سال جاری با توجه به مشکلات اجرای هدفمندی یارانه‌ها مشکوک‌الوصول است و بر فرض وصول، تنها بخشی از هزینه‌ها را تأمین خواهد کرد. ثانیاً با توجه به احکام قانونی مربوط به هدفمندی یارانه‌ها (سهم پرداخت نقدی، تولید و صنعت، سلامت و ...) و نیز بند (۴) از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی «استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی» امکان تخصیص این حجم عظیم از منابع هدفمندی به بیمه بیکاری وجود ندارد ...». نامه‌ی معاون اول رئیس جمهور به شورای نگهبان در خصوص طرح بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی، شماره ۲۲۸۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۳.

آقای اسماعیلی - این عبارت، چیز قشنگی است؛ «... در صورت پیش‌بینی در قوانین بودجه سال‌های بعد، اجرای مقررات این قانون به کلیه افراد واجد شرایط تعمیم یابد. ...»
آقای ره‌پیک - بله دیگر، هزار تا قید زده‌اند که ایراد نداشته باشد.

آقای علیزاده - آن قسمت اول ماده (۳۲)، اشکال دارد.

آقای ره‌پیک - بله، قسمت اول این ماده، اشکال دارد.

آقای علیزاده - آن قسمت اول این ماده، منابع جدیدی، ایجاد نکرده است.

آقای ره‌پیک - بله، در این ماده (۳۲) و تبصره‌اش، منابعی را هم برای سال ۱۳۹۳ و هم برای آینده مطرح کرده است. در اصل، در ماده (۳۲)، عبارات به گونه‌ای است که منابع را برای آینده دارد پیش‌بینی می‌کند. ...

آقای علیزاده - بله دیگر، این اشکال دارد.

آقای ره‌پیک - ... بر اساس قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، از محل افزایش حامل‌های انرژی، یک درآمدی حاصل می‌شود. ماده (۷) این قانون گفته است که (۵۰٪) منابع حاصل از هدفمندی یارانه‌ها، در دو جهت مصرف بشود: یکی یارانه‌ی نقدی است، یکی هم اجرای نظام تأمین اجتماعی. خود تأمین اجتماعی شامل بیمه و غیره می‌شود که این موارد ده بند است. این حکم، در قانون هدفمندکردن یارانه‌ها آمده است. این ماده گفته است که در سال‌های بعد بیایند و منابع اجرای این بیمه‌ی بیکاری را بر اساس آن (۵۰٪) منابعی که گفتیم که در آن جهات مصرف شود، در بودجه‌های سنواتی ببینند و لحاظ کنند. حالا معلوم نیست که اصلاً این منابع، حاصل می‌شود یا نمی‌شود. به علاوه، این ماده آن مشکل همیشگی را دارد که دارد برای بودجه‌ی آینده‌ی دولت، تعیین تکلیف می‌کند.^۱

۱. شورای نگهبان تاکنون در موارد متعدد، تعیین تکلیف دولت به پیش‌بینی اعتبارات خاص در بودجه سالانه را مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی تشخیص داده است. به عنوان نمونه، در نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۸۶۶۷ مورخ ۱۳۹۱/۸/۲۴ شورای نگهبان در خصوص طرح چگونگی تأمین عوارض شهرداری و هزینه انشعاب‌های مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی احداث‌شده توسط خیران مصوب ۱۳۹۱/۸/۳ مجلس شورای اسلامی آمده است: «طرح چگونگی تأمین عوارض شهرداری و هزینه انشعاب‌های مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی احداث‌شده توسط خیران مصوب جلسه مورخ سوم آبان‌ماه یکهزار و سیصد و نود و یک مجلس شورای اسلامی در شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر اصول (۵۲) و (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.» متن ماده واحده طرح چگونگی تأمین عوارض شهرداری و هزینه

←

سازمان‌های حمایتی داخلی و خارجی مانند بانک جهانی برای این منظور اختصاص یابد...».

آقای مدرس‌یزدی - این یعنی چه؟ این یعنی مجلس دارد محل تأمین هزینه‌ها را تعیین می‌کند.

آقای رهپیک - ماده (۳۲) می‌گوید دولت موظف است این قسمت بودجه را این‌طوری تعیین کند.

آقای مدرس‌یزدی - چه عیبی دارد؟

آقای علیزاده - این قسمت اول منابع بیان‌شده در ماده (۳۲) را توضیح فرمودند. آن قسمت دوم را ببینید؛ گفته است: «... همچنین نود درصد (۹۰٪) درآمد حاصل از دریافت خسارات و ... برای این منظور اختصاص یابد...»؛ این، یک درآمد جدید نیست که مجلس بخواهد به عنوان منبع تأمین هزینه، آن را تعیین کند.

آقای رهپیک - این، اشکال بعدی است.

آقای علیزاده - حالا در این قسمت، اشکال باقی است.

آقای رهپیک - نه، غیر از این اشکال منبع دوم، این منبع اول، یعنی (۵۰٪) درآمدهای موضوع ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها هم اشکال دارد.

آقای علیزاده - اشکال اول مربوط به آن (۵۰٪) است؛ اشکال دوم هم مربوط به آن (۹۰٪) است. اگر مجلس باز هزینه‌ی جدیدی ایجاد بکند و خرج جدیدی بترشد، باید محل تأمین آن را هم ایجاد بکند. به خاطر این است که قسمت دوم این ماده، حتماً اشکال دارد.

آقای رهپیک - منابع مذکور در این ماده، قسمت سوم هم دارد که گفته است کمک‌های مردمی و این چیزها، که آنها هم اصلاً هیچ چیزی نیست و جزء منابع نمی‌تواند به حساب آید.

آقای علیزاده - پس معلوم است که حتی اگر قسمت اول منابع تعیین‌شده، وجود هم داشته باشد، کفایت نمی‌کند. چون خود مجلس هم می‌داند که این منبع کفایت نمی‌کند، برای همین، آمده است و دو تا منبع دیگر هم برای تأمین بار مالی اضافه کرده است. این اضافه کردن دو تا منبع دیگر دلیل بر این است که منبع اول کافی نیست. بنابراین، بار مالی این مصوبه تأمین نشده است. این مشخص است دیگر؛ ما چرا در مورد قسمت اول منابع بحث می‌کنیم؟ قسمت اول منابع تعیین‌شده، مشکوک است که حاصل می‌شود یا نمی‌شود.

آقای رهپیک - حاصل نمی‌شود؛ مشکوک‌الوصول است.

آقای علیزاده - اگر کل همه‌ی منبع قسمت اول هم حاصل

ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها تأمین بشود.

آقای مدرس‌یزدی - دولت [تا به حال طبق ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها] عمل می‌کرده است. حالا هم اگر دولت درآمد داشته باشد، [به مفاد این مصوبه عمل می‌کند].

آقای رهپیک - دولت می‌گوید درآمد ندارد.

آقای مدرس‌یزدی - «ندارد» یعنی چه؟ اینکه می‌فرمایید دولت درآمد ندارد، یعنی از سوء مدیریت دولت است یا اینکه اصلاً امکان تأمین این منابع نیست و یا امکان تأمینش نامعقول است؟ یک وقت هست که اجرای این مصوبه معقول است، [ولی فعلاً علمی نیست].

آقای رهپیک - به هر حال، این منابع، مشکوک الوصول است دیگر. علی‌ای حال، الان این ماده (۳۲) دارد برای دولت، تکلیف درست می‌کند؛ می‌گوید دولت حتماً باید در سال آینده از این ردیف برای بیمه‌ی بیکاری استفاده کند.

آقای علیزاده - در سال‌های آینده.

آقای رهپیک - بله، در سال‌های آینده، نه یک سال؛ می‌گوید دولت در پیش‌بینی قوانین بودجه در سال‌های آینده، این کار را باید انجام بدهد.

آقای ابراهیمیان - این ماده گفته است، «در صورت پیش‌بینی در قوانین بودجه سال‌های بعد اجرای مقررات این قانون به کلیه افراد واجد شرایط تعمیم یابد...»؛ نه اینکه حتماً باید در بودجه سال‌های بعد بیاورند.

آقای رهپیک - نه، آن تبصره‌ی ماده (۳۲) است. خود اصل این ماده، منجز است.

آقای یزدی - در بودجه، ما یک بحثی که داشتیم این بود که دادن اختیار همان تعیین تکلیف است. این ماده از این جهت که تعیین منبع کرده است، اشکالی ندارد؛ منتها اینکه بگوید در بودجه‌ی سال‌های بعد بیاورد، اشکال دارد.

آقای رهپیک - این ماده، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی نیست؛ مغایر با اصل (۵۲) در خصوص اختیار دولت در تنظیم بودجه است.

آقای علیزاده - این ماده گفته است: «منابع مورد نیاز اجرای این قانون از محل (۵۰٪) [درآمدهای موضوع ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ تأمین بشود. همچنین نود درصد (۹۰٪) درآمد حاصل از دریافت خسارات و جریمه‌های ناشی از اشتغال اتباع خارجی بدون مجوز و کودکان و نوجوانان کمتر از پانزده سال و کمک‌های مردمی و

مصرف می‌شد].

آقای ره‌پیک - بله، این (۹۰٪) این درآمدها به خزانه واریز می‌شود و صرف مصارف عمومی می‌شود.

آقای علیزاده - الان این ماده می‌گوید این (۹۰٪) درآمدها که قبلاً به خزانه واریز می‌شد، در مورد بیمه‌ی بیکاری مصرف کنید؛ نمی‌تواند این را بگوید. باید درآمد جدید تعریف کند. اگر دولت قبلاً این (۹۰٪) را نمی‌گرفت و مجلس می‌گفت از الان این جرائم را بگیرد و به بیمه‌ی بیکاری بدهد، رفع اشکال می‌کرد، اما دولت این (۹۰٪) را از سابق می‌گرفته است و برای آن مصارفی هم دارد. این ماده، چیزی به درآمد دولت اضافه نکرده است؛ می‌گوید همان درآمد موجود را در بیمه‌ی بیکاری خرج کنید. خوب، این ماده، بار مالی دارد. ما همیشه این ایراد را می‌گرفتیم.^۲

آقای شب‌زنده‌دار - این درآمد موجود، اضافه بر آن هزینه‌های قانونی است. این چه اشکالی دارد؟ این درآمد موجود، مازاد بر مصرف است. این چه اشکالی دارد؟

آقای علیزاده - نه، این درآمد موجود، مازاد بر مصرف نیست.

آقای شب‌زنده‌دار - حالا شما این ادعا را می‌کنید که مازاد بر مصرف نیست.

آقای علیزاده - نه، ما درآمد موجود مازاد بر مصرف که نداریم.

آقای ره‌پیک - این (۹۰٪) درآمدها را طبق سنوات قبل، به

۲. شورای نگهبان تاکنون در موارد متعدد، تأمین بار مالی مصوبه‌ی مجلس از منابع موجود را مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی تشخیص داده است. به عنوان نمونه، در نظر ۸۷/۳۰/۳۱۷۰۸ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۲ شورای نگهبان در خصوص طرح بیمه کارگزاران مخابرات روستایی مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۲۷ مجلس شورای اسلامی آمده است: «نظر به اینکه ماده واحده به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد و طریق پیش‌بینی شده در تبصره یک آن جبران هزینه مذکور را نمی‌نماید، بنابراین ماده واحده، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشد.» متن ماده واحده در خصوص طرح بیمه کارگزاران مخابرات روستایی مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۲۷ مجلس شورای اسلامی بدین شرح بود: «ماده واحده- شرکت مخابرات ایران مکلف است بر اساس قوانین تأمین اجتماعی و ضوابط و شرایط مقرر در قانون کار، حق بیمه تمام کارگزاران مخابرات روستایی اعم از شاغل و کارگرانی که به پیمانکار مخابرات روستایی تبدیل شده‌اند پرداخت نماید.»

تبصره ۱- منابع مالی حق بیمه جهت مصارف موضوع ماده فوق‌الذکر از محل منابع داخلی شرکت مذکور تأمین و در بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌گردد.

تبصره ۲- میزان و چگونگی پرداخت حق بیمه و نحوه احتساب سنوات گذشته بر اساس آیین‌نامه‌ای به پیشنهاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و تصویب هیئت وزیران خواهد بود.»

بشود، باز خود مجلس هم قبول دارد که این منبع به تنهایی برای تأمین بار مالی این مصوبه کافی نیست. قسمت دوم و سوم منابع تعیین‌شده در این ماده هم درآمدهای جدیدی نیستند، بلکه این درآمدها چیزهایی است که الان هم وجود دارند.^۱ این ماده می‌گوید که از این منابع، تأمین بار مالی این مصوبه بشود. ولی دولت از این درآمدها دارد یک هزینه‌هایی را تأمین می‌کند. پس معلوم است که این مصوبه، بار مالی دارد [و منابع پیش‌بینی شده، بار مالی این مصوبه را تأمین نمی‌کند].

آقای مدرس‌ی یزدی - اگر این منابع و درآمدها، درآمدهای موجود باشد، اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - این اشکال، روشن است؛ مجلس نمی‌تواند منابع موجود [که محل مصرف مشخص دارد] را برای هزینه‌ی جدید به عنوان محل تأمین هزینه، مشخص کند.

آقای مدرس‌ی یزدی - چرا؟

آقای علیزاده - چون از اول، این منابع، معلوم بوده‌اند و به خزانه ریخته می‌شده‌اند. منظور من آن (۹۰٪) درآمدها است که به خزانه می‌رفت. من این قسمت اخیر را می‌گویم. قبلاً آن (۹۰٪) آن درآمدها این‌گونه نبوده است که برای بیمه‌ی بیکاری بدهند؛ بلکه به خزانه واریز می‌شد [و در محل‌های مشخصی،

۱. بند (ج) ماده (۷۹) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷): «ج) به منظور جلوگیری از حضور نیروی کار غیرمجاز خارجی در بازار کار کشور، وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی مکلف است کارفرمایانی که اتباع خارجی فاقد پروانه را به کار می‌گیرند، بابت هر روز اشتغال غیر مجاز هر کارگر خارجی، معادل پنج برابر حداقل دستمزد روزانه جریمه نماید. در صورت تکرار تخلف، این جریمه دو برابر خواهد شد. درآمد حاصله به درآمد عمومی (نزد خزانه داری کل) واریز خواهد شد. ...»

ماده (۷۹) قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام:

«ماده ۷۹ - به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است»

ماده (۱۷۶) قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام (اصلاحی ۱۳۹۰/۴/۸): «ماده ۱۷۶ - متخلفان از هر یک از موارد مذکور در مواد (۵۲) - (۶۱) - (۷۵) - (۷۷) - (۷۹) - (۸۳) - (۸۴) و (۹۱) برای هر مورد تخلف حسب مورد علاوه بر رفع تخلف یا تأدیه حقوق کارگر یا هر دو در مهلتی که دادگاه با کسب نظر نماینده وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تعیین خواهد کرد، به ازای هر کارگر به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد:

- ۱- برای تا (۱۰) نفر، (۲۰۰) تا (۵۰۰) برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر.
- ۲- برای تا (۱۰۰) نفر نسبت به مازاد (۱۰) نفر، (۲۰) تا (۵۰) برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر.
- ۳- برای بالاتر از (۱۰۰) نفر نسبت به مازاد (۱۰۰) نفر، (۱۰) تا (۲۰) برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر.»

اشکال دارد، اما با توجه به این تبصره‌ای که برای ماده (۳۲) هست، فکر می‌کنم نتیجه‌گیری که پژوهشکده برای این مسئله کرده است، نتیجه‌گیری صحیحی باشد؛ یعنی اینکه اینجا در گزارش پژوهشکده این‌طور توضیح داده شده است که: «... بیست هزار میلیارد (۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال برای بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار موضوع ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها در مورد پوشش‌های بیمه‌ای و حمایت‌های اجتماعی برای سال ۱۳۹۳ اختصاص می‌یابد...»؛ یعنی در سال ۱۳۹۳ که این طرح مصوب می‌خواهد برای آن منظور به اجرا گذاشته شود، ما یک بودجه‌ی بیست هزار میلیاردی (۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) داریم. این بودجه، قاعدتاً تکافوی هزینه‌های اجرای این مصوبه توسط دولت می‌شود؛ ضمن اینکه این تبصره‌ی ماده (۳۲)، مواردی را هم پیش‌بینی کرده است که به نظر می‌رسد دولت ملزم نیست یک‌جا نسبت به تأمین بودجه برای کل بیمه‌ی بیکاری عمل کند، بلکه به تدریج و با توجه به اولویت‌هایی که در این جداول آمده است، این مصوبه را اجرا می‌کند.

آقای ره‌پیک - آن بودجه‌ی بیست هزار میلیاردی (۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) برای سال ۱۳۹۳ است، ولی اصل ماده، برای سال‌های بعد است.

آقای سوادکوهی - آنچه من عرض کردم این است که این مصوبه با حفظ آن اشکالی که به اصل ماده (۳۲) وارد است، در ارتباط با آنچه که مربوط به اجرای این مصوبه در سال ۱۳۹۳ است که ما نگران بودجه‌ی سال ۱۳۹۳ و تأمین مالی این مصوبه هستیم، ایرادی ندارد.

آقای ره‌پیک - بله، برای سال ۱۳۹۳، مشکلی ندارد.

آقای سوادکوهی - می‌خواهم عرض کنم برای سال ۱۳۹۳، این ماده مشکلی از حیث داشتن بار مالی ندارد. در تأیید این حرف، نظر مثبت داریم.



متقاضی کار موضوع ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها در مورد پوشش‌های بیمه‌ای و حمایت‌های اجتماعی اختصاص می‌یابد. لذا با توجه به تبصره (۱) اصلاحی که مقرر داشته دولت مکلف است ترتیبی اتخاذ نماید که در سال (۱۳۹۳) به تناسب منابع پیش‌بینی شده، بیکاران متقاضی کار تحت پوشش قرار بگیرند و محل مزبور نیز به همین منظور در جزء (۴) بند (ب) تبصره (۲۱) قانون بودجه سال (۱۳۹۳) کل کشور پیش‌بینی شده است، فاقد ایراد به نظر می‌رسد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۵ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، صص ۷-۸، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/NSIL6

خزانه می‌ریزند و استفاده‌ی عمومی می‌کنند. این درآمدها که برای بیمه‌ی بیکاری نبوده است.

آقای یزدی - آقای عزیزاده، من اشکال شما را متوجه می‌شوم، ولی (۹۰٪) از این درآمدها [برای این کار معین شده است].

آقای عزیزاده - مجلس از این درآمدی که الآن هست، تأمین بار مالی کرده است.

آقای یزدی - [طبق اصل (۵۳) قانون اساسی] هر درآمدی باید به خزانه برود.

آقای عزیزاده - بله، باید به خزانه برود.

آقای یزدی - درست است که هر درآمدی باید به خزانه برود، ولی این ماده می‌گوید (۹۰٪) از این درآمدها به این کار اختصاص داده بشود.

آقای ره‌پیک - برای سال‌های بعد.

آقای عزیزاده - این ایراد را از سابق همیشه می‌گفتیم؛ ما می‌گوییم که این کار، تعیین منبع از منبع موجود است. اینکه مجلس از منبع موجود و درآمدی که موجود است، بگوید از اینجا منابع را بگیرد، این تعیین منبع نیست.

آقای مدرسی یزدی - ما هم می‌گفتیم که این کار عیبی ندارد.

آقای عزیزاده - ولی مجلس باید یک‌جایی را به عنوان منبع جدید تأمین کند. از سابق حرف ما این بود که مجلس باید یک منبعی تأمین کند، نه اینکه بگوید برو و هزینه‌ی جدید را از خزانه بگیر یا آنچه را که قبلاً به عنوان درآمد می‌گرفتی، این هزینه‌ی جدید را از آن منبع پرداخت کن. چون مجلس اگر به دولت بگوید هزینه‌ات را از آن درآمدی که قبلاً می‌گرفتی پرداخت کن، درآمد جدیدی نیست که بخواهد هزینه‌های جدید را از آنجا پرداخت کند. اگر مجلس بگوید من این جریمه را این قدر بالا می‌برم تا از این بالا بردن جریمه‌ها شما بیاپید و این هزینه‌های جدید را بدهید، این کار تأمین هزینه‌ی جدید است و ما آن را قبول داریم.

آقای سوادکوهی - بسم الله الرحمن الرحيم. من آنچه که از گزارش [مجمع مشورتی حقوقی] پژوهشکده‌ی شورای نگهبان می‌بینم، این است که در صفحه‌ی هفت این گزارش به جزء (۴) بند (ب) تبصره (۲۱) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ اشاره کرده است.^۱ البته به نظر من، قطع نظر از اینکه خود این ماده (۳۲)

۱. «... لازم به توضیح است که بر اساس جزء (۴) بند (ب) تبصره (۲۱) قانون بودجه سال (۱۳۹۳) کل کشور، مبلغ بیست هزار میلیارد (۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران



آقای علیزاده - شما مبنایان با آن مبنای ما که در نظرات سابق شورا هم آمده، فرق دارد.

آقای مدرسی یزدی - بله، وقتی که شما می‌فرمایید ما قبلاً در نظرات خود می‌گفتیم، من می‌خواهم بگویم که همه آن نظر را قائل نبوده‌اند. حالا اگر نظر بنده، در اقلیت هم بوده است، بالاخره یک اقلیت مقابلی وجود داشته است و ما هم این نظر را عرض می‌کردیم. اما اینکه واقعاً از لحاظ صغروی چطور این درآمد موجود کفاف می‌دهد یا نه، یک مقدار باید اینجا عدد و رقم در کار بیاید. یعنی اگر مجمع مشورتی حقوقی این زحمت را کشیده بود، [این مسئله مشخص می‌شد]. حالا البته من نمی‌دانم مجمع مشورتی این کار را کرده است یا نه؛ چون من نتوانستم همه‌ی گزارش مجمع را بخوانم.

آقای رهپیک - دولت [در نامه‌ی ارسالی خود به شورای نگهبان] اعلام کرده است که همه‌ی درآمدهای موضوع ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، برای یارانه‌ی نقدی خرج شده است.

آقای مدرسی یزدی - نه، اینکه همه‌ی منابع رفته است، [حرف درستی نیست]. من این را عرض کردم. یک وقت می‌گوییم که عملاً تمام این منابع برای یارانه‌ها خرج شده است؛ خوب ممکن است دولت - حالا دولت قبلی یا این دولت یا هر دولت دیگری - یک سوء مدیریت داشته است، ولی این منبع به طور طبیعی، می‌توانسته است که جوابگو باشد.

آقای رهپیک - نه، می‌دانید مشکل از چه چیزی ناشی شده است؟ دولت فکر می‌کرد که این ثبت نامی که امسال برای انصراف از دریافت یارانه‌ها شد، [تعداد زیادی از مردم از دریافت یارانه انصراف می‌دهند].

آقای مدرسی یزدی - خوب، این فکر اشتباهی بوده است دیگر. **آقای رهپیک** - به هر حال، الآن محل (۵۰٪) درآمدهای موضوع ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها جواب هزینه‌های جدید را نمی‌دهد دیگر.

آقای علیزاده - تازه خود مجلس هم، منابع دیگری برای این مصوبه ذکر کرده است.

آقای سوادکوهی - اینها دلیل بر این مسئله نیست.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال ما باید ببینیم که این محاسبه‌ای که دولت کرده است، آیا محاسبه‌ی درستی است؟ البته من یادم می‌آید هر چه طرح با بار مالی تصویب می‌شد، مجلس در موارد متعدد می‌گفت از همان محل ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها استفاده نکنند. خوب، ممکن است یک وقت چشمان را

آقای رهپیک - ما هم به این مصوبه، نسبت به سال ۱۳۹۳، اشکالی نداریم، اما این ماده برای سال‌های بعد، اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - بسم الله الرحمن الرحیم. ما همیشه یک بحث کلی خدمت دوستان داشتیم؛ اینکه آقایان فرمودند اگر یک طرحی، هزینه دارد، حتماً باید درآمد جدید نیز داشته باشد، به این معنا که آن درآمد، مسبوق به سابقه نباشد، من از اول تا حالا وجه و دلیل این ادعا را نفهمیده‌ام. به خاطر اینکه، تأمین بار مالی اعم از این است که مجلس آن درآمدی را که موجود است و دولت اجازه ندارد که از آن بردارد اجازه‌ی برداشت بدهد یا اینکه درآمد جدید ایجاد نکند. حالا فرض بکنید که در خزانه یک مقدار پول، اضافی است؛ می‌فرمایید نمی‌شود این پول را خرج کرد؟!

آقای علیزاده - این طور که شما می‌گویید، اصلاً اصل (۷۵) قانون اساسی معنایی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - یک مقدار زیادی پول در خزانه هست؛ فراوان در خزانه گذاشته شده است. مجلس می‌خواهد یک طرح بدهد؛ می‌گوید این پولی که در خزانه هست، این را بردارید و صرف این طرح بکنید. این کجایش خلاف قانون اساسی است؟! مجلس با این کار، بار مالی طرحش را تأمین کرده است.

آقای علیزاده - البته یک چنین چیزی وجود ندارد.

آقای مدرسی یزدی - چرا دیگر، معنای تأمین این است؛ حالا البته اگر چنین پولی باشد. این بحث، یک بحث کبروی است. ما یک بحث کبروی داریم و یک بحث صغروی. یک وقت می‌فرمایید که پولی نیست؛ آن یک بحث دیگری است. ولی ما فرض بکنیم حالا این ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها گفته است که (۵۰٪) درآمدهای این قانون در اختیار دولت [برای اجرای نظام جامع تأمین اجتماعی برای جامعه‌ی هدف] باشد.

آقای علیزاده - خود مجلس قبول دارد که این درآمدهای موضوع ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها کفایت نمی‌کند.

آقای مدرسی یزدی - الآن اگر ما ضرب و تقسیم بکنیم و محاسبه بکنیم، به فرض یک مقدار پول زیادی در خزانه باقی مانده است. بعد، طرحی از سوی مجلس می‌آید و می‌گوید این پولی که در خزانه باقی مانده است و فعلاً راکد است، شمای دولت بردار و برای این هزینه‌ها صرف بکن. در اینجا ما نمی‌توانیم بگوییم که این مصوبه‌ی مجلس خلاف اصل (۷۵) است.

امسال، بلکه کلاً برای سال‌های بعد می‌گوید که دولت موظف است برای بیمه‌ی بیکاری از این محل استفاده کند.

آقای مدرس‌ی یزدی - خب حالا با این مصوبه، برداشت از این منبع برای بیمه‌ی بیکاری الزامی می‌شود و برداشت برای بقیه‌ی هزینه‌ها الزامی نیست؛ آن وقت چطور می‌شود؟

آقای ره‌پیک - چه چیزی الزامی نمی‌شود؟

آقای مدرس‌ی یزدی - یعنی هزینه کردن از این محل برای بیمه‌ی بیکاری الزامی می‌شود. اما دولت برای بقیه‌ی مصارف از محل آن درآمدها مجاز بوده است؛ پس از این به بعد، از این محل برای بقیه‌ی هزینه‌ها نباید استفاده کند.

آقای مؤمن - بسم الله الرحمن الرحيم. در ماده (۳۲) این مصوبه، سه جا را به عنوان منبع گفته است: یکی (۵۰٪) درآمدهای موضوع ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها؛ یکی، نود درصد (۹۰٪) آن درآمدها؛ سومی هم، کمک‌های مردمی و سازمان‌های حمایتی داخلی و خارجی. متن این ماده (۳۲) را که نگاه کنیم، معنایش این است که تمام منابع مورد نیاز این مصوبه با پیش‌بینی در قوانین بودجه، از همان درآمدهای موضوع ماده (۷) تأمین می‌شود. خب اگر این هزینه‌ها از این محل کاملاً تأمین می‌شود که دیگر بقیه‌ای برای هزینه‌ها باقی نمی‌ماند که احتیاج داشته باشد تا از جاهای دیگر تأمین شود. این ماده نگفته است که از این منابع، برای این هزینه‌ی بیمه‌ی بیکاری کمک می‌شود. دقت بفرمایید.

آقای علیزاده - خود مجلس می‌داند که آن (۵۰٪) کفایت نمی‌کند.

آقای مؤمن - این ماده (۳۲)، غلط عبارتی دارد؛ می‌گوید: «منابع مورد نیاز اجرای این قانون با پیش‌بینی در قوانین بودجه از محل پنجاه درصد (۵۰٪) درآمدهای موضوع ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ تأمین می‌شود...»، پس تمام شد دیگر؛ هر چه مورد نیاز برای اجرای این مصوبه است، از آن منبع تأمین می‌شود.

آقای مدرس‌ی یزدی - ماده (۳۲)، عبارت «همچنین» هم دارد.

آقای مؤمن - نه؛ خب عبارت، غلط است. وقتی این ماده می‌گوید که منابع مورد نیاز از اینجا تأمین می‌شود، یعنی هر چه که این مصوبه احتیاج دارد برای اینکه بیمه‌ی این بیکاران یا کم‌کاران را تأمین بکند، این منابع را از این محل (۵۰٪) می‌دهند. خب، اگر منابع را از اینجا دادند، نباید اصلاً جای دیگری را ذکر بکند. من می‌خواهم عرض کنم قاعده‌اش این

باز کنیم، ببینیم مجلس یک برف‌انباری درست کرده است و یک دنیا هزینه برای آن درست کرده است. اسمش هم هست که ماده (۷)، در صورتی که صرفاً محلی است برای اینکه بگویند از فلان جا تأمین بار مالی می‌شود.

آقای علیزاده - البته که این ماده (۷)، گنجایش این هزینه‌های جدید را ندارد. درآمدهای این ماده (۷) را قبلاً خرج کرده‌اند.

آقای مدرس‌ی یزدی - واقعیت این است که باید هم آقایان مجلسی‌ها ببینند و از لحاظ عدد و ارقام حرف بزنند، کاملاً چرتکه بیندازند و هم آقایان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ببینند و حرفشان را بزنند تا ما بتوانیم یک تصمیمی بگیریم و گرنه یک چنین اظهار نظری، «رمی فی الظلام»^۱ می‌شود.

آقای ره‌پیک - نه دیگر؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، به شورای نگهبان در این زمینه نامه داده است.

آقای مدرس‌ی یزدی - خب، مجلس چه جوابی می‌دهد؟

آقای ره‌پیک - مجلس، جوابی نمی‌دهد.

آقای مدرس‌ی یزدی - خب همین را بگوییم؛ بگوییم که مجلس با آن آقایان دولتی، در این مورد مذاکره کنند.

آقای ره‌پیک - شما ببینید؛ برای همین است که مجلس در این مصوبه، چند تا منبع تعیین کرده است. یعنی گفته است آن (۵۰٪) درآمدها که قرار است در ده جا مصرف بشود، برای بیمه‌ی بیکاری هم تخصیص پیدا کند. یک رقم بزرگ آن هزینه‌ها، یارانه است؛ یک رقمش هم، تأمین اجتماعی است که مربوط به سلامت آدم‌های زنده، بازنشسته و بیکار است؛ حالا به علاوه‌ی آن هزینه‌ها، (۹۰٪) آن درآمدها و کمک‌ها برای تأمین این هزینه اختصاص پیدا کند.

آقای مدرس‌ی یزدی - این بیمه‌ی بیکاری هم جزء بیمه است دیگر؛ بیمه‌ی تأمین اجتماعی هم یکی دیگر از مصادیق نظام جامع تأمین اجتماعی است.

آقای ره‌پیک - بیمه‌ی بیکاری یک قلم از تأمین اجتماعی است.

آقای مدرس‌ی یزدی - خب، بله.

آقای ره‌پیک - طبق ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، دولت مجاز بوده است که این درآمدها را در این مصارف هزینه کند. الآن دولت پول کم آورده است؛ چون همه‌ی آن (۵۰٪) خالص وجوه حاصل از اجرای آن قانون را برداشته است و به یارانه داده است؛ چون دولت مجاز بوده است. الآن مجلس دارد با این مصوبه به دولت تکلیف می‌کند، نه برای

بود که اگر این طوری که شماها می‌فرمایید که این ماده آمده است و گفته است از این (۵۰٪) برای بیمه‌ی این مشمولین بیمه‌ی بیکاری بدهند، اگر این طور بود، خوب، نباید دوباره این طور باشد که منابع دیگری هم بیاورند.

آقای علیزاده - خود دولت گفته است که این (۵۰٪) کافی نیست.

آقای مؤمن - آخر، عبارت این ماده که این مفهوم را ندارد.

آقای علیزاده - من می‌گویم که عبارت همین طور است.

آقای مؤمن - عبارت ماده (۳۲) دارد می‌گوید که منابع مورد نیاز را از این محل (۵۰٪) تأمین بکنید.

آقای علیزاده - ما هم می‌گوییم که این غلط است.

آقای مؤمن - دیگر بعد از این محل (۵۰٪)، جایی باقی نمی‌ماند؛ یعنی هزینه‌ی دیگری باقی نمی‌ماند که به آن منبع احتیاج داشته باشد تا اینکه از منابع دیگر استفاده کند. بعد، آن وقت عبارت این ماده می‌گوید که همچنین (۹۰٪) آن درآمدها را به این بیمه‌ی بیکاری می‌دهم. خوب مجلس که گفت همه‌ی هزینه‌ها را از اینجا [= درآمدهای موضوع ماده (۷)] برمی‌دارد، آن وقت آن (۹۰٪) را باز به این هزینه‌ها می‌دهد؟!

آقای مدرسی بزدی - این معلوم است.

آقای مؤمن - آخر ببینید عبارت ماده (۳۲) غلط گفته است. من اشکال عبارتی نمی‌کنم. می‌گوید: «منابع مورد نیاز اجرای این قانون، با پیش‌بینی در قوانین بودجه از محل پنجاه درصد (۵۰٪) درآمدهای موضوع ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ تأمین می‌شود...»، خوب تمام شد دیگر. این عبارت، غلط است. اینکه، عبارت نوشتن نیست. باید گفته شود که از محل آن (۵۰٪) برای تأمین بیمه‌ی بیکاری استفاده می‌شود و اگر آن منابع کمبود داشت، باید چه کار بکنیم.

آقای علیزاده - نه، ماده (۳۲)، کم بودن (۵۰٪) را برای تأمین هزینه‌های اجرای این مصوبه، مسلم گرفته است. برای همین، کلمه‌ی «همچنین» را گفته است دیگر.

آقای مؤمن - مجلس (۹۰٪) آن درآمدها را به این بیمه‌ی بیکاری می‌دهد، در حالی که این منبع اضافه است.

آقای علیزاده - می‌دانم؛ حالا عبارت این گونه است، ولی در واقع، آن (۹۰٪) را هم می‌خواهند برای این هزینه‌ی بیمه‌ی بیکاری بدهند.

آقای مؤمن - نه آخر، عبارت این طور است که اصلاً همه‌ی منابعی را که مورد نیاز است، از محل (۵۰٪) بردارند؛ همچنین

(۹۰٪) آن درآمدها را هم برای بیمه‌ی بیکاری بدهند.

آقای علیزاده - باز اگر (۹۰٪) آن درآمدها را هم بیاورند، کفایت این هزینه‌ها را نمی‌کند.

آقای مؤمن - همچنین منابع پیش‌بینی شده در جزء (۴) بند (ب) تبصره (۲۱) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ را هم بیاورند و برای تأمین هزینه‌های بیمه‌ی بیکاری بدهند؛ اصلاً این عبارت درستی نیست. اصلاً عبارت، عبارت غلطی است. این نوع عبارت نوشتن که بخواهند سه جا را برای تأمین بیمه‌ی بیکاری در نظر بگیرند، اشتباه است. حالا غیر از آن اشکالی که جناب آقای مدرسی می‌فرمایند که پول در خزانه هست، خوب بله، پول هست، ولی لازم است که مجلس برای بیمه‌ی بیکاری، تأمین بودجه بکند. حالا شما فرض کنید از آن جهت این مسئله هم بگذریم؛ مجلس در این ماده نگفته است که برای یک قسمتی از هزینه‌ی این بیمه‌ی بیکاری از این درآمد (۵۰٪) استفاده می‌شود و یک قسمت دیگری را هم از آن درآمد حاصل از دریافت جرائم برمی‌دارند. آخر این طور عبارت نوشتن، درست نیست.

آقای علیزاده - بله، من می‌گویم دیگر.

آقای مؤمن - اصلاً این عبارت از نظر قانونی، عبارت غلطی است؛ این حرف من است.

آقای بزدی - بحث اینکه این عبارت، غلط یا درست است، یک بحث است؛ یک بحث این است که بالاخره این عبارات چه می‌خواهد بگوید. اگر شما تأمین بار مالی را اعم بگیرید، [ایرادی وجود ندارد]. اینکه مجلس یک منبع جدیدی معین کند، تأمین بار مالی است، ولی آیا اگر مجلس یک منبعی که الآن یک مصرفی برایش معین کرده‌اند، به عنوان منبع اضافه بکند و یک مصرف دیگری را به مصارف قبلی‌اش اضافه بکند، این هم تأمین بار مالی است؟ این، یک بحث مبنایی است. اگر ما این را قبول کردیم، این مسئله (۹۰٪) هم بلاشکال است، ولی اگر ما این مبنا را قبول نکردیم، البته این عبارت اشکال دارد. ولی من این مبنا را قبول دارم؛ اما به هر حال، این عبارت دارد می‌گوید که این دو منبعی که از این راه‌ها تهیه می‌شود، هزینه‌ی این بیمه‌ی بیکاری را هم مثل سایر مصارفی که قبلاً معین کرده بودید، از این منابع بدهید؛ منتهی به شرطی که تأمین به معنای اعم از این باشد که منبع جدیدی ایجاد شود یا از طریق اضافه کردن به همان منابع موجودی که یک مصارفی دارد تأمین بار مالی شود؛ یعنی این هزینه را هم به آن هزینه‌های قبلی این منبع اضافه می‌کنند.

را تغییر بدهید و مثلاً اگر قرار بود (۲۰٪) قیمت این حامل‌ها را زیاد کنید، سال بعد (۲۵٪) آن قیمت‌ها را زیاد کنید و آن (۵٪) بقیه را به این هزینه‌ی جدید اختصاص بدهید. به نظرم این محل‌هایی که معین شده است، مشکل بار مالی را حل نمی‌کند و این ایراد کماکان در این مصوبه باقی است.

آقای مدرسی بزدی - مجلس قانون هدفمندکردن یارانه‌ها را از اول طوری تنظیم کرده است که خودش [= منابع حاصل از اجرای این قانون] به صورت اتوماتیک اضافه می‌شود.^۱ پس، منابع هست. یک فرمایشی آقای شب‌زنده‌دار دارند بفرمایند.

آقای شب‌زنده‌دار - بسم الله الرحمن الرحيم. بالاخره این عبارت تبصره چه می‌خواهد بگوید؟ این تبصره می‌گوید: «... و به تدریج در صورت پیش‌بینی در قوانین بودجه سال‌های بعد، اجرای مقررات این قانون به کلیه افراد واجد شرایط تعمیم یابد».

آقای ره‌پیک - آن تبصره، یک بحث دیگر است؛ الآن، اصل ماده، محل بحث است.

آقای شب‌زنده‌دار - می‌دانم؛ ما که نباید ماده را از تبصره‌اش جدا کنیم.

آقای ره‌پیک - چرا، بحث آن تبصره جدا است.

آقای شب‌زنده‌دار - تبصره‌ی ماده، ناظر به همان ماده است. باید مجموع ماده و تبصره را ببینیم دیگر. باید ببینیم که ماحصل ماده و تبصره با هم چه می‌شود؟ برای سال ۱۳۹۳ که مشکلی

آقای علیزاده - تا الآن، اکثریت ما در شورای نگهبان، تأمین را به این معنای اعم نمی‌گرفتیم، بلکه می‌گفتیم باید تأمین منبع جدید بشود.

آقای ابراهیمیان - بسم الله الرحمن الرحيم. اگر ما در مورد اینکه چطور منابع مالی تأمین شود، یک‌بار رویه‌ی خودمان را از اول ببینیم، بد نیست. حالا خواهش من این است که دوستانی که در مرکز تحقیقات [= پژوهشکده‌ی شورای نگهبان] هستند، یک‌بار رویه‌ی ما را از اول ببینند.

آقای علیزاده - رویه، همین است که تأمین، یعنی ایجاد درآمد جدید برای هزینه‌ی جدید.

آقای ابراهیمیان - ما باید ببینیم که با این نغبی که ما می‌کنیم، اصلاً چه راه‌هایی می‌ماند؟ چه راه‌هایی قابل تصور است برای اینکه یک طرحی مطرح شود و مجلس در آن طرح بیاید و منابع مالی‌اش را تعیین بکند. الآن در اینجا، من به نظرم می‌رسد که اگر مجلس می‌گفت دولت بیاید و از سال بعد در بودجه‌اش هزینه‌ی این بیمه بیکاری را پیش‌بینی بکند، ما ایراد می‌گرفتیم؛ چون می‌گفتیم اینکه مجلس برای دولت تعیین تکلیف کرده است که دخل و خرجش را در قالب لایحه‌ی بودجه به این نحو بیاورد، بر اساس رویه‌ی موجود ایراد دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - این کار، اشکال اصل (۵۲) قانون اساسی دارد.

آقای ابراهیمیان - حالا در این مصوبه، مجلس یک چیزی را اضافه کرده است؛ گفته است وقتی شما در آینده محاسبه می‌کنید، بیاید از محل آن درآمدهای مربوط به یارانه‌ها و افزایش حامل‌های سوختِ قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، این هزینه را پرداخت بکنید. خوب، عرضم این است که ما قبلاً یک‌بار معدنی را، یعنی چیزی را به اسم بحث هدفمندکردن یارانه‌ها کشف کرده‌ایم؛ بنابراین، قبلاً این درآمد به وجود آمده است و هر سال هم بر اساس نیازهای همان سال، برای آن درآمد فرمول نوشته می‌شود. اگر قرار باشد که ما امروز این مصوبه را تأیید بکنیم، فردا دو یا سه طرح مصوب دیگر هم بیاید و بگوید از همان محل، هزینه‌های آن مصوبات هم تأمین بشود، آن وقت ما کی می‌توانیم بگوییم که بس است دیگر؛ در آن محل، چیزی نیست و معدن ته کشیده است! به نظر می‌رسد که ما باید آن معدن را به مجلس نشان بدهیم، نه اینکه در میزان آن مناقشه کنیم؛ بگوییم کم است یا زیاد. ما باید یک معدن جدید کشف کنیم یا اینکه بگوییم شما قیمت حامل‌های انرژی

۱. ماده (۱) قانون قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۱/۲/۱۷): «ماده ۱- دولت مکلف است با رعایت این قانون قیمت حامل‌های انرژی را اصلاح کند:

الف- قیمت فروش داخلی بنزین، نفت گاز، نفت کوره، نفت سفید و گاز مایع و سایر مشتقات نفت، با لحاظ کیفیت حامل‌ها و با احتساب هزینه‌های مترتب (شامل حمل و نقل، توزیع، مالیات و عوارض قانونی) به تدریج تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران کمتر از نود درصد (۹۰٪) قیمت و بیشتر از قیمت تحویل روی کشتی (فوب) در خلیج فارس نباشد. تبصره- قیمت فروش نفت خام و میعانات گازی به پالایشگاه‌های داخلی نود و پنج درصد (۹۵٪) قیمت تحویل روی کشتی (فوب) خلیج فارس تعیین می‌شود و قیمت خرید فرآورده‌ها متناسب با قیمت مذکور تعیین می‌گردد.

ب- میانگین قیمت فروش داخلی گاز طبیعی به گونه‌ای تعیین شود که به تدریج تا پایان برنامه پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، معادل حداقل هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) و حداکثر معادل متوسط قیمت گاز طبیعی صادراتی پس از کسر هزینه‌های انتقال، مالیات و عوارض شود.»

آقای علیزاده - کجا گفته است که اگر داشتی، سال‌های بعد بده؟! تبصره می‌گوید اجرای این قانون به تدریج به کل افراد بیکار تعمیم یابد.

آقای شب‌زنده‌دار - عبارت «در صورت پیش بینی» در تبصره آمده است.

آقای ره‌پیک - تبصره، مربوط به بودجه‌ی سنواتی است.

آقای علیزاده - تبصره می‌گوید امسال، آن مقداری را که می‌دانید [به نحوی که در بودجه پیش‌بینی شده است] به تدریج بده، اما بعداً طوری در بودجه بیاور که به همه‌ی افراد بیکار تعمیم پیدا نکند؛ معنای تبصره این است.

آقای شب‌زنده‌دار - نه.

آقای علیزاده - این مصوبه نمی‌خواهد بگوید که اگر دولت توانست، منابع بیمه‌ی بیکاری را تأمین کند، بلکه الزام به تأمین می‌کند. به نظر ما، تبصره هم اشکال دارد، ولی الآن بحث ما خود ماده است.

آقای ره‌پیک - اصل ماده، دارد به صورت منجز می‌گوید.

آقای مدرس‌ی زدی - درست است، اما مقدار ندارد.

آقای ره‌پیک - نه، ببینید این ماده، دو تا اشکال دارد: یکی اشکال مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی است و یکی اشکال مغایرت با اصل (۵۲) است. شما در خصوص اشکال مغایرت با اصل (۵۲) - که دائماً بر چنین احکامی گرفته‌اید - می‌گویید که نمایندگان با طرح نمی‌توانند بگویند که دولت چه بودجه‌ای بنویسد. الآن این مصوبه، «طرح» است.

آقای اسماعیلی - این، توصیه است.

آقای ره‌پیک - نه، بحث من در مورد اصل ماده است، نه تبصره.

آقای سوادکوهی - اصل ماده هم توصیه است.

آقای ره‌پیک - نه، صدر ماده می‌گوید «تأمین می‌شود»؛ این که توصیه نیست. این ماده می‌گوید شما برای تمام سال‌های بعد در قوانین بودجه‌ای که دولت باید آن را سالانه بنویسد، برای بیمه‌ی بیکاری از محل (۵۰٪) باید تأمین بودجه کنید. خوب این حکم، اشکال مغایرت با اصل (۵۲) دارد. اصل ماده، اشکال دارد؛ ما با مقدارش کاری نداریم؛ اصل ماده اشکال دارد. مکرر در شورای نگهبان به چنین حکم‌هایی، ایراد گرفته شده است.

آقای علیزاده - بله.

آقای ره‌پیک - بعد، بحث تأمین محل هزینه‌ی بیمه‌ی بیکاری است که آن یک بحث جداگانه‌ای است.

مطرح نیست؛ چون تبصره می‌گوید هر مقداری بودجه دارید، این طوری طبق امتیازات مصرف کنید. خوب، اگر دولت دید بودجه دارد، انجام می‌دهد و اگر بودجه‌ای ندارد، انجام نمی‌دهد. این تبصره برای سال‌های بعد هم دارد می‌گوید که اگر دولت در بودجه پیش‌بینی کرد، [اجرای این قانون تعمیم می‌یابد]. خوب، دولت ببیند که آیا می‌تواند در بودجه‌اش چنین چیزی را پیش‌بینی کند یا نه؟

آقای علیزاده - در تبصره، کلمه‌ی «اگر» نیامده است، بلکه به دولت می‌گوید در بودجه پیش‌بینی بکن.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، تبصره نگفته است که پیش‌بینی کن؛ گفته است: «... در صورت پیش‌بینی در قوانین بودجه سال‌های بعد، اجرای مقررات این قانون به کلیه افراد واجد شرایط تعمیم یابد...».

آقای ره‌پیک - ما به تبصره اشکالی نداریم.

آقای شب‌زنده‌دار - تبصره نگفته است که پیش‌بینی بکن؛ امر نکرده است؛ عبارت «در صورت پیش‌بینی» را گفته است.

آقای اسماعیلی - حرف درستی است.

آقای ره‌پیک - ما به تبصره اشکالی نداریم.

آقای شب‌زنده‌دار - «در صورت پیش‌بینی»، یعنی چه؟

آقای مدرس‌ی زدی - جمع بین ماده (۳۲) و تبصره‌اش این است که دولت حتماً پیش‌بینی بکند تا یک مقداری، [اجرای بیمه‌ی بیکاری عملی شود].

آقای ره‌پیک - نه، [مجلس نسبت به این نکته] بی‌توجه بوده است.

آقای مدرس‌ی زدی - به قول و تعبیر خود ایشان، هر چه جیب دولت جواب می‌دهد، بیمه‌ی بیکاری را اجرا کند.

آقای علیزاده - نه، تبصره می‌گوید: «... و به تدریج در صورت پیش‌بینی در قوانین بودجه سال‌های بعد، اجرای مقررات این قانون، به کلیه افراد واجد شرایط تعمیم یابد...»؛ نگفته است که اگر می‌توانی تأمین کنی، بگیر و برای بیمه‌ی بیکاری بده. بالای تبصره نوشته است [که دولت مکلف است چنین ترتیبی را اتخاذ نماید]. در تبصره گفته شده است که اجرای این قانون باید تعمیم یابد؛ یعنی بیمه‌ی بیکاری به همه برسد.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، تبصره گفته است که «... به تدریج در صورت پیش‌بینی در قوانین بودجه سال‌های بعد اجرای مقررات این قانون، به کلیه افراد واجد شرایط تعمیم یابد...» حالا اگر دولت در بودجه پیش‌بینی نکرد یا اگر کم پیش‌بینی کرد، چه؟

آقای سوادکوهی - هیچ مشکلی نیست.

آقای عزیززاده - آقایانی که می‌گویند صدر این ماده، ایراد دارد رأی بدهند. ایراد آن از جهت این است که گفته است هزینه‌ی مالی این مصوبه، از این محل‌ها تأمین می‌شود، ولی با این همه، باز بار مالی این مصوبه، تأمین شدنی نیست و اشکال به قوت خودش باقی است. قبلاً [در مرحله‌ی قبل] گفتیم که ماده (۳۲) ابهام دارد؛ الآن می‌گوییم که این مصوبه اشکال بار مالی دارد.

منشی جلسه - چهار نفر رأی دارد.

آقای عزیززاده - آقای دکتر سوادکوهی شما که مثل ما استدلال کرده بودید!

آقای سوادکوهی - من این اشکال را وارد می‌دانم، اما در شرایط فعلی با وجود تبصره ...

آقای عزیززاده - شما اشکال را وارد می‌دانید، پس چه می‌فرمایید؟ خوب، این ایراد، شش تا رأی دارد.

منشی جلسه - پنج تا رأی دارد.

آقای رهپیک - اشکال مغایرت با اصل (۵۲) قانون اساسی چه؟
آقای مؤمن - خوب، آن صدر ماده (۳۲) می‌گوید منابع مورد نیاز را از اینجا [= محل‌های سه‌گانه] بدهند.

آقای عزیززاده - آن منابع، کفایت نمی‌کند.

آقای مؤمن - این ماده که نگفته است که این محل‌ها کفایت نمی‌کند؟

آقای عزیززاده - می‌دانم؛ ما می‌گوییم که کفایت نمی‌کند.

آقای مؤمن - شما این‌طور می‌فرمایید، ولی خود ماده (۳۲) این‌طور نگفته است؛ خود این ماده دارد می‌گوید منابع مورد نیاز را از اینجا [= محل (۵۰٪)] بدهید. خوب، اگر گفته است که از اینجا بدهید، پس چرا دیگر آن (۹۰٪) را هم گفته است که به این موضوع اختصاص بدهید.

آقای مدرسی یزدی - واقعاً این (۹۰٪) را جای دیگر مصرف نکرده‌اند؟

آقای رهپیک - چرا دیگر، امسال هم برای آن در بودجه، هزینه تعریف شده است. این درآمد، به خزانه می‌رود.^۲

آقای ابراهیمیان - اگر برای امسال بودجه‌اش را درست کنند که خوب، درست می‌شود، ولی برای سال‌های بعد چطور این منابع را تخصیص می‌دهند؟

آقای رهپیک - آقای عزیززاده، من یک چیزی را در حاشیه عرض کنم. حاج آقا ببینید؛ درستش همان چیزی است که در تبصره گفته شده است؛ در هر سال یک رقمی تعیین می‌شود و دولت هر مقداری که آنجا پول داشت، خرج می‌کند. برای سال‌های بعد که نمی‌شود گفت در بودجه پیش‌بینی بکنند، بلکه اینجا هم مثل بقیه‌ی موارد [باید سالانه در لایحه‌ی بودجه ارائه شود]. همین الآن با اینکه این مصوبه، هنوز تأیید نهایی نشده است، مشکل درست کرده است؛ توقع ایجاد کرده است و مردم برای گرفتن بیمه‌ی بیکاری مراجعه می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - این، یک حرف دیگری است.

آقای رهپیک - اینها حاشیه‌ی این بحث است. راه درست همان چیزی است که در تبصره گفته شده است که منابع اجرای بیمه‌ی بیکاری را در بودجه‌های سنواتی ببینند. مثل امسال که بیست هزار میلیارد (۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال دیده‌اند. قانون هدفمندکردن پارانه‌ها هم گفته است که در بودجه‌های سالانه ببینند.^۱ هر سال باید ببینند در بودجه‌ی سالانه ببینند و به میزان لازم مصرف کنند، نه اینکه برای سال‌های بعد هم تکلیف ایجاد کنند.

آقای ابراهیمیان - امسال که مشکل تأمین بار مالی این مصوبه حل بشود، همین که یک‌بار این بیمه‌ی بیکاری داده شود، دیگر خود دولت مجبور می‌شود هر سال در بودجه هزینه‌ی اجرای این مصوبه را پیش‌بینی بکند. ظاهراً ایراد بار مالی را برای امسال حل کرده‌اند ...

آقای عزیززاده - دولت که ملزم نیست [چنین چیزی را در بودجه‌های سنواتی پیش‌بینی کند].

آقای ابراهیمیان - ... بنابراین اگر بخواهیم ایراد بگیریم، باید به اصل ماده (۳۲) ایراد بگیریم، نه به تبصره‌اش.

۲. بر اساس بند (ج) ماده (۷۹) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸، «به منظور جلوگیری از حضور نیروی کار غیرمجاز خارجی در بازار کار کشور، وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است کارفرمایانی که اتباع خارجی فاقد پروانه را به کار می‌گیرند، بابت هر روز اشتغال غیر مجاز هر کارگر خارجی، معادل پنج برابر حداقل دستمزد روزانه جریمه نماید. در صورت تکرار تخلف، این جریمه دو برابر خواهد شد. درآمد حاصله به درآمد عمومی (نزد خزانه داری کل) واریز خواهد شد. ...»

۱. ماده (۱۲) قانون هدفمندکردن پارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۲- دولت مکلف است تمام منابع حاصل از اجرای این قانون را به حساب خاصی به نام هدفمندسازی پارانه‌ها نزد خزانه‌داری کل واریز کند. صد درصد (۱۰۰٪) وجوه واریزی در قالب قوانین بودجه سنواتی برای موارد پیش‌بینی شده در مواد (۷)، (۸) و (۱۱) این قانون اختصاص خواهد یافت. تبصره ۱- دولت مکلف است اعتبارات منابع و مصارف موضوع مواد مذکور را در چهار ردیف مستقل در لایحه بودجه سنواتی درج کند. ...»

آقای ابراهیمیان - یعنی عملاً شما نمی‌توانید هیچ‌زمانی ایراد اصل (۷۵) قانون اساسی را مطرح کنید.

آقای علیزاده - شما قبلاً در نظریه‌ی تفسیری خود گفته‌اید که نمی‌شود تأمین بار مالی را از پیش‌بینی در بودجه‌های سالانه تأمین کرد.^۱ ما همین یک سال و خورده‌ای پیش همین‌جا در شورای نگهبان اصل (۷۵) را تفسیر کردیم و گفتیم اگر بگویید که باید منابع آن به تدریج یا کامل در بودجه‌ی سالانه پیش‌بینی شود، این تأمین بار مالی نیست. در شورای نگهبان این اصل را به این صورت تفسیر کردیم.

آقای مدرسی یزدی - بله، آن تفسیر درست است، در صورتی که محل و منبعی در طرح نیامده باشد، ایراد دارد؛ اما اگر منبعی مشخص شده باشد، ایرادی ندارد.

آقای ره‌پیک - چه منبعی برای این مصوبه آمده است؟

آقای علیزاده - اگر مجلس آمد و به دولت گفت یک کاری کنید تا هزینه‌های اجرای این طرح تأمین بیاید، آن‌وقت درست است که ما در شورای نگهبان بگوییم که بار مالی این طرح تأمین شده است؟!

آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای علیزاده - همین‌جا در شورای نگهبان، اصل (۷۵) را تفسیر کردیم و گفتیم که اگر مجلس بگوید بودجه‌ی این طرح با پیش‌بینی در بودجه‌های سال بعد تأمین می‌شود، چنین کاری، تأمین منبع محسوب نمی‌شود.

آقای مؤمن - ببینید؛ من می‌گویم دو سه خط اول ماده را چطور معنا می‌کنید. صدر این ماده می‌گوید منابع مورد نیاز را از اینجا تأمین کنند. خوب دیگر، تمام شد. بعد از این، وجهی ندارد که آن (۹۰٪) را بگویند؛ چون خرجی دیگر باقی نمانده است.

آقای علیزاده - خود مجلس فهمیده است که آن (۵۰٪) کفایت نمی‌کند.

آقای مؤمن - توجه کنید؛ عبارت این‌طور است. مجلس به اشتباه منابع دیگری را آورده است.

آقای مدرسی یزدی - خوب، این را هم رأی‌گیری کنید.

آقای مدرسی یزدی - نه، اصلاً قانونی وجود ندارد که بقیه‌ی این (۹۰٪) درآمد را چکار می‌کنند؟

آقای ره‌پیک - این درآمد، مستقیم به خزانه می‌رود و برایش در قانون بودجه، هزینه‌ی عمومی تعریف می‌شود.

آقای مؤمن - مجلس در این ماده، به عبارت توجه نکرده است و مطلبش درست نیست.

آقای اسماعیلی - اگر ماده (۳۲) بدون تبصره بود، اشکال داشت، ولی این تبصره، اشکال را رفع کرده است.

آقای علیزاده - آقایان، تبصره هم نمی‌گوید [که دولت می‌تواند هزینه‌ی اجرای این مصوبه را در بودجه نیاورد]، بلکه تبصره می‌گوید تعمیم یابد؛ یعنی باید هزینه‌ی بیمه‌ی بیکاری را بدهند.

آقای مؤمن - نه.

آقای مدرسی یزدی - در صورتی که در قوانین بودجه پیش‌بینی بشود، تعمیم می‌یابد.

آقای علیزاده - کجا گفتند؟ تبصره نگفته است که اگر دولت نتوانست، به بیمه‌ی بیکاری بودجه ندهد.

آقای مؤمن - مگر این ماده نگفته است که منابع مورد نیاز را از آنجا [= (۵۰٪)] بده؟ دیگر چه کمبودی وجود داشته است که دو منبع درآمدی دیگر هم آورده است.

آقای سوادکوهی - تبصره، قید «به تدریج» را هم آورده است.

آقای علیزاده - بالاخره، [پیش‌بینی بودجه برای بیمه‌ی بیکاری در سال‌های بعد] اجباری است.

آقای سوادکوهی - نه، تبصره چنین چیزی را نگفته است.

آقای ابراهیمیان - نه، منابع اجرای این مصوبه برای سال ۱۳۹۳ خوب است.

آقای علیزاده - خیلی خوب، سراغ بحث بعدی برویم دیگر.

آقای ره‌پیک - این مصوبه اشکال مغایرت با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد؟! این ماده دارد برای سال‌های بعد می‌گوید که دولت در بودجه پیش‌بینی کند. شورای نگهبان به چنین احکامی، دائماً اشکال گرفته است.

آقای مدرسی یزدی - هر طرح مصوبی که هزینه دارد، همین‌طور است دیگر؛ دولت باید منابع اجرای آن طرح را در بودجه پیش‌بینی بکند.

آقای ره‌پیک - در این صورت، از این به بعد مجلس هر بار طرح بیاورد و به دولت بگوید از سال بعد، پول اجرای این طرح را در بودجه پیش‌بینی کنید، مشکلی ندارد!

۱. بند (۱) نظریه‌ی تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ شورای نگهبان: «۱- درج عبارت «از محل صرفه‌جویی»، به نحو مطلق و برای مدت نامحدود و بدون تعیین محل و همچنین درج عبارت «پیش‌بینی در بودجه سنواتی»، بدون تأمین منبع و نیز درج عبارت‌های «از محل اعتبارات مصوب مربوط» و «از محل اعتبارات مصوب دستگاه»، اگر مستلزم بار مالی جدید بوده، طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید مذکور در اصل (۷۵) قانون اساسی محسوب نمی‌گردد.»

(۷) قانون هدفمندکردن يارانه‌ها] كفايت نمي‌كرد. مجلس آمد و منابع ديگري اضافه كرد. مقصود مجلس اين است.

آقای مؤمن - توجه بفرمایید.

آقای ره‌پیک - من متوجه هستم که چه می‌فرمایید.

آقای مؤمن - اگر این ماده گفته بود که یک مقداری از آن منابع، از محل (۵۰٪) برای بیمه‌ی بیکاری بدهیم، همچنین یک مقدار هم از محل (۹۰٪) می‌دهیم، ایرادی نداشت؛ یعنی اگر سه تا منبع را کنار هم می‌گذاشت و هر سه‌ی این درآمدها را محل تأمین این هزینه‌ی بیمه‌ی بیکاری قرار می‌داد، ایرادی نداشت. البته آقای علیزاده می‌فرمایند این کار، تأمین بار مالی نیست.

آقای علیزاده - بله، واقعاً هم تأمین نیست.

آقای مؤمن - بله، ولی صرف نظر از آن جهت، اصلاً عبارت غلط است؛ چون این ماده دارد می‌گوید بیا و همه‌ی این هزینه‌ی بیمه‌ی بیکاری را از این (۵۰٪) بده.

آقای شب‌زنده‌دار - اگر مجلس این ماده را به تنهایی تصویب کرده بود [و تبصره‌ای وجود نداشت، اشکال عبارتی آقای مؤمن درست بود]. اما به قرینه‌ی ذیل ماده، معنای صدر ماده این است که بخشی از این هزینه‌ها از محل (۵۰٪) تأمین می‌شود و بخشی هم از آن محل (۹۰٪) آن درآمدها.

آقای ره‌پیک - آقای سوادکوهی به تبصره ایرادی ندارد، بلکه به اصل ماده، اشکال دارد.

آقای علیزاده - با توجه به اینکه ایراد اصل ماده (۳۲)، رأی آورد، این تذکر را هم در ایرادمان می‌نویسیم.

آقای مؤمن - آخر چه شد؟

آقای ره‌پیک - تبصره‌ی ماده بماند؛ اصل ماده به خاطر اینکه ایراد دارد، به مجلس برگشت داده شود دیگر.

آقای سوادکوهی - نه، یک تذکر داده شود.

آقای علیزاده - بله، صدر عبارت ماده (۳۲) ایراد دارد. عبارت این ماده هم عبارت صحیحی نیست.

آقای سوادکوهی - تذکر اصلاحی بدهیم.

آقای ره‌پیک - تبصره اشکالی ندارد؛ چون گفته است: «... در صورت پیش‌بینی در قوانین بودجه سال‌های بعد ... تعمیم می‌یابد». تبصره، اشکالی ندارد.

آقای سوادکوهی - قرار شد تذکر بدهیم.

آقای مؤمن - مگر نگفتم که تذکر بدهیم.

آقای علیزاده - چه تذکری آخر؟ تذکر که فایده‌ای ندارد. اگر این ماده می‌گوید که اینها سه منبع برای تأمین بار مالی است، این که ایرادی ندارد. چه تذکری بدهیم؟

آقای مؤمن - اجازه بفرمایید. اصلاً عبارت این ماده، غلط است. این ماده گفته است که منابع مورد نیاز برای اجرای این قانون را از کجا بدهم؟ خود ماده می‌گوید از آن محل (۵۰٪) بدهند. وقتی که چنین چیزی آمده است، [نیاز به منابع بعدی نیست].

آقای هاشمی شاهرودی - حالا عبارت ماده غلط باشد، چه ربطی به اصول قانون اساسی دارد؟ اگر اشکال قانون اساسی دارد، آن را ایراد بگیرید.

آقای علیزاده - اشکال قانون اساسی دارید؟ اگر اشکال قانون

اساسی بگیرید، ما این تذکر را می‌گوییم که این قسمت ماده، علاوه بر آن ایراد، این تذکر را هم دارد.

آقای مؤمن - اگر این [= تأمین بار مالی از محل (۵۰٪)] منظور باشد، اصلاً ذکر همه‌ی منابع دیگر بیخودی است. وقتی این‌طور باشد، نتیجه این می‌شود که این ماده گفته است که منابع مورد نیاز از آن محل (۵۰٪) بدهند. پس این مصوبه این را می‌گوید. وقتی این را گفت، نتیجه این می‌شود که گفتن کلمه‌ی «همچنین»، غلط است؛ همین‌طور باز از محل جزء (۴) بند (ب) تبصره (۲۱) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ گفتن، غلط است.

آقای علیزاده - خب می‌دانم، بعد چه می‌شود؟ نتیجه‌اش چه می‌شود؟

آقای مؤمن - این‌طور می‌شود که اصلاً نتیجه غلط است؛ عبارت مصوبه، غلط است.

آقای هاشمی شاهرودی - عبارت مصوبه غلط است!؟

آقای مؤمن - بله، چون فرض این مصوبه این است که از محل (۵۰٪) درآمدهای موضوع ماده (۷) قانون هدفمندکردن يارانه‌ها، هزینه‌های بیمه‌ی بیکاری تأمین شود. ببینید؛ این ماده می‌گوید از محل (۵۰٪) تأمین کن.

آقای هاشمی شاهرودی - فرمایش شما درست است، ولی حداکثر این است که باید تذکر بدهیم.

آقای مؤمن - خب، این ماده این‌طور گفته است دیگر؛ بعد از این معنا ندارد که بگوید که یک مقدار دیگر هم از محل‌های دیگر می‌دهیم؛ غلط است دیگر.

آقای ره‌پیک - شما به سابقه‌ی این مصوبه توجه بفرمایید. قبلاً این‌طور بود که این منابع [= (۵۰٪) درآمدهای موضوع ماده

آقای علیزاده - بررسی این مصوبه، تمام شد.^۱

طرح اصلاح مواد (۱)، (۶) و (۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی (اعاده‌شده از شورای نگهبان)

آقای علیزاده - «طرح اصلاح مواد (۱)، (۶) و (۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی (اعاده‌شده از شورای نگهبان)»^۲

اشکال سابق شورای نگهبان [در بند (۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۸۴۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴] این بود که: «۱- در تبصره (۳) ماده (۷) از آنجا که مشخص نیست تصمیم اعضای هیئت

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۷۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۴ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۱۴/۲۱۷۰۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۳ و پیرو نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۱۰۸۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰، طرح بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار که با اصلاحی در جلسه مورخ یکم تیرماه یکهزار و سیصد و نود و سه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده، نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

- صدر ماده (۳۲) اشکال عبارتی دارد؛ زیرا مفاد آن الفاء‌کننده این مطلب است که بار مالی مصوبه از محل پنجاه درصد (۵۰٪) درآمدهای موضوع ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها تأمین می‌گردد، علت اضافه نمودن عبارت همچنین نود درصد (۹۰٪) درآمد حاصل از دریافت خسارات ... روشن نمی‌باشد. به هر حال و علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، ماده مذکور مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.»

۲. طرح اصلاح مواد (۱)، (۶) و (۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی که در ابتدا با عنوان «طرح اصلاح موادی از قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» توسط عده‌ای از نمایندگان به مجلس ارائه شده بود، سرانجام با اصلاحاتی در عنوان و متن، در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۲۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۸۸/۱۱۷۴۱ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر غیر قابل اظهار نظر بودن این مصوبه به دلیل وجود ابهام در برخی از مواد آن را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۸۴۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۱ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۱ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۷۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۲ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۳. تبصره (۳) ماده (۷) طرح اصلاح مواد (۱)، (۶) و (۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب مجلس شورای اسلامی: «تبصره ۳- کلیه مراجعی که مجوز

←

مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» لازم‌الاجراء است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» زمانی که این اشکال در شورای نگهبان مطرح شد، بسیاری از آقایان اعضای شورای نگهبان معتقد بودند که تصمیم این هیئت، یک تصمیم اجرایی است. وقتی ماهیت تصمیم این هیئت، اجرایی است اعضای این هیئت هم باید نماینده‌ی دستگاه‌های ذی‌ربط باشند و مجلس باید بگوید که مصوبه‌ی هیئت مذکور باید به تصویب رئیس‌جمهور یا یک وزیر برسد تا اجرایی بشود. بنابراین این‌طوری [= بدون تصویب رئیس‌جمهور یا وزیر]، اجرایی نیست. حالا مجلس برای رفع این ایراد، آمده و در این قسمت بالا [= انتهای پاراگراف اول این تبصره] که گفته بود: «... تا صدور مجوز کسب و کار با حداقل هزینه و مراحل، به صورت غیرحضورى و در کمترین زمان ممکن صورت پذیرد.» این عبارت را اضافه کرده‌اند: «مصوبه هیئت مذکور پس از تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی لازم‌الاجراء می‌باشد.»

آقای هاشمی شاهرودی - خوب دیگر، با این اصلاح اشکال رفع شده است.

آقای ره‌پیک - نه، یک اشکالی پیدا می‌کند.

آقای علیزاده - هیچ اشکالی پیدا نمی‌کند.

آقای ره‌پیک - چرا، اجازه بدهید تا من یک توضیحی بدهم.

آقای علیزاده - اشکالتان را بفرمایید تا من بگویم اشکالی ندارد.

→

کسب و کار صادر می‌کنند موظفند نوع، شرایط و فرآیند صدور، تمدید و لغو مجوزهایی که صادر می‌کنند را به همراه مبانی قانونی مربوطه ظرف مدت یک ماه پس از ابلاغ این قانون، تهیه و به «هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار»، مستقر در وزارت امور اقتصادی و دارایی ارسال کنند. این هیئت به ریاست وزیر امور اقتصادی و دارایی با حضور نماینده تام‌الاختیار دادستان کل کشور، نماینده تام‌الاختیار رئیس سازمان بازرسی کل کشور، دو نماینده مجلس شورای اسلامی، نماینده اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، نماینده اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماینده اتاق اصناف کشور و حسب مورد نماینده دستگاه ذی‌ربط تشکیل می‌شود و موظف است حداکثر تا سه ماه پس از ابلاغ این قانون، شرایط و مراحل صدور مجوزهای کسب و کار در کشور جمهوری اسلامی ایران را به نحوی تسهیل و هزینه‌های آن را تقلیل دهد تا صدور مجوز کسب و کار با حداقل هزینه و مراحل، به صورت غیرحضورى و در کمترین زمان ممکن صورت پذیرد.

در صورتی که تحقق این اهداف به اصلاح قوانین، مقررات، بخشنامه‌ها، یا رویه‌های اجرایی نیاز داشته باشد، هیئت مذکور موظف است پیشنهادهاى لازم برای اصلاح قوانین، مقررات و رویه‌های اجرایی را تهیه و به مراجع مربوطه ارائه و اصلاح آنها را از مراجع بالاتر پیگیری کند.»

که این اصلاحیه، حتی قانونی را که مجلس تصویب می‌کند [به مدت شش ماه متوقف می‌کند]. قسمت دوم انتهای تبصره (۳) جواب اشکال شما را گفته است: «... در صورتی که تحقق این اهداف به اصلاح قوانین، مقررات، بخشنامه‌ها، یا رویه‌های اجرایی نیاز داشته باشد، هیئت مذکور موظف است پیشنهادهای لازم برای اصلاح قوانین، مقررات و رویه‌های اجرایی را تهیه و به مراجع مربوطه ارائه و اصلاح آنها را از مراجع بالاتر پیگیری کند.» پس آن پیشنهادها به جایی که نه اصلاح قانون است، نه مقررات، نه بخشنامه برمی‌گردد.

آقای رهپیک - نه خب، بگویند اینجا کجا است؛ این جایی که این هیئت پیشنهادش را به آنجا برای اصلاح می‌دهد کجا است؟ الان من این اشکال را توضیح می‌دهم.

آقای علیزاده - این مصوبه، دارد یک طرز کارها و یک رویه‌هایی را درست می‌کند.

آقای رهپیک - این مصوبه گفته است که این هیئت برای اصلاح رویه‌های جاری هم پیشنهادهای لازم را ارائه کند.

آقای مؤمن - نه ...

آقای رهپیک - برای اصلاح همه‌ی این موارد گفته است.

آقای علیزاده - پیشنهاد این هیئت، مربوط به امور اجرایی است؛ برای اصلاح رویه‌های اجرایی نیست.

آقای رهپیک - فرقی نمی‌کند.

آقای مؤمن - خب چرا نظر شورای نگهبان را نمی‌خوانید؟! چرا بند (۱) نظر شورا را نمی‌خوانید؟!

آقای علیزاده - بند (۱) را خواندیم دیگر.

آقای مؤمن - خب، ایراد بند (۱) را رفع کرده‌اند.

آقای رهپیک - من یک توضیح بدهم؟

آقای مؤمن - بند (۱) ایراد شورای نگهبان این بود: «۱- در تبصره (۳) ماده (۷)، از آنجا که مشخص نیست تصمیم اعضای «هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار»، لازم‌الاجراء است یا خیر، ابهام دارد. پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» مجلس برای رفع این ابهام، گفته است مصوبه‌ی این هیئت حتماً به تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی برسد.

آقای علیزاده - ما قبلاً در ایرادمان گفتیم اگر این هیئت تصمیم می‌گیرد، حداقل یکی از مقامات اجرایی باید تصمیم این هیئت را تأیید کند؛ چون بعضی از اعضای این هیئت، مقام اجرایی نیستند. مجلس آمد و تأیید وزیر امور اقتصادی را لازم دانست.

آقای رهپیک - ما باید ببینیم وظیفه‌ی این هیئت چیست؟ وظیفه‌ی این هیئت در همان تبصره (۳) آمده است و عبارت

آقای رهپیک - خیلی خب، ما هم به تبصره (۳) ایراد گرفتیم و هم به تبصره (۴).^۱

آقای علیزاده - همان زمان [= در هنگام بررسی مصوبه‌ی ابتدایی در شورا] هم، بسیاری از آقایان اعضای شورای نگهبان می‌گفتند که این تبصره‌ها، اشکالی ندارند و همان زمان، بعضی از آقایان اعضا به این اشکال رأی ندادند. دلیل آقایان اعضا هم این بود که می‌گفتند خود این [= ارائه‌ی پیشنهادهای لازم در پاراگراف دوم تبصره (۳)] دلیل بر این است که تصمیمات و اقدامات این هیئت، اجرایی نیست. برای همین ما به این تبصره ابهام گرفتیم و به مجلس گفتیم که به ما بگویند آیا تصمیمات و اقدامات این هیئت، اجرایی است یا نه؟ آقایان اعضا می‌گفتند اگر تصمیمات این هیئت، اجرایی است، این قسمت دوم [تبصره (۳)، بدین شکل مقرر نمی‌شد]. من آن ایرادی را که شما [= مجمع مشورتی حقوقی] به این مصوبه‌ی اصلاحی فعلی دارید^۲ خوانده‌ام. آن ایرادی که شما می‌گویید این است

۱. تبصره (۴) ماده (۷) طرح اصلاح مواد (۱)، (۶) و (۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۲ مجلس شورای اسلامی: «تبصره ۴- «هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» موضوع تبصره (۳) این ماده موظف است ظرف مدت حداکثر سه ماه پس از ابلاغ این قانون، شرایط صدور مجوزهای کسب و کار را به تفکیک هر کسب و کار در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب و کار منتشر کند. پس از راه‌اندازی «پایگاه اطلاع‌رسانی مذکور» تغییر در شرایط صدور یا تمدید مجوزهای کسب و کار، چنانچه در جهت تسهیل صدور و تمدید مجوزها باشد، بلافاصله به دستور رئیس هیئت در پایگاه اطلاع‌رسانی یادشده اعمال می‌شود و چنانچه تغییر، شامل افزایش مراحل یا مدارک مورد نیاز و به هر نحو، مشکل کردن صدور یا تمدید باشد، شرایط جدید باید از شش ماه قبل از اجراء، در این پایگاه اعلام شود ...»

۲. «... حال ابهامی که ایجاد می‌شود آن است که مصوبات این هیئت در مقام تسهیل شرایط و مراحل صدور مجوزهای کسب و کار و تقلیل هزینه‌های آن می‌تواند متعرض قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، مصوبات قوه قضائیه و حتی مصوبات مقامات اجرایی دیگر و هیئت وزیران شود و به نحو لازم‌الاجراء اقدام به تغییر و اصلاح شرایط و مراحل صدور مجوزهای کسب و کار و هزینه‌های مذکور در چنین مصوباتی نماید؟ لذا با اصلاح صورت‌گرفته در تبصره (۳) ماده (۷) اصلاحی، ابهام اولیه شورای نگهبان رفع شده است، لکن ابهام جدیدی از حیث معنای لازم‌الاجراء بودن مصوبات این هیئت نسبت به قوانین مصوب مجلس و مصوبات قوه قضائیه و مصوبات مقامات اجرایی دیگر و هیئت وزیران به وجود آمده است و حکم تبصره (۳) ماده (۷) اصلاحی از این حیث واجد ابهام است ...» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۵ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، ص ۱۱، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/3JtFW

موضوع کار این هیئت است. الان آقای علیزاده می‌گوید آن هیئت بنشیند و رویه‌های جمهوری اسلامی در کسب و کار را تسهیل بکند. ما می‌گوییم فرض کنید که اگر این هیئت تصمیم گرفت که این رویه را بردارد و یک رویه‌ی دیگری را با امضای وزیر جایگزین کند، [آیا می‌تواند چنین کاری کند؟]

آقای هاشمی شاهرودی - منظور، اصلاح رویه‌ها به نحوی است که خلاف قانون نیست.

آقای رهپیک - خب این تبصره، این را که نگفته است.

آقای علیزاده - چرا دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - گفته است.

آقای ابراهیمیان - در ذیل تبصره (۳) گفته است.

آقای رهپیک - ببینید؛ الان رویه‌ای که وجود دارد، یا بر اساس قانون است [یا بر اساس مقررات دیگر]. این تبصره گفته است این هیئت پیشنهاد اصلاح قوانین، مقررات و رویه‌ها را به مراجع ذی‌ربط ارائه دهد. ما غیر از اینها چیز دیگری داریم؟

آقای ابراهیمیان - بله.

آقای علیزاده - بله.

آقای رهپیک - چه چیزی داریم؟ بفرمایید. همین‌ها است دیگر.
آقای علیزاده - همان دستورالعمل. ذیل این تبصره گفته است که در صورتی که [تحقق این اهداف، نیاز به اصلاح قوانین و مقررات و غیره داشته باشد، این هیئت پیشنهادها را ارائه کند]؛ این پیشنهادها، به دو شکل است. اول این تبصره آمده است و گفته است این هیئت باید و رویه و مقررات مربوط به کسب و کار را تسهیل بکند.

آقای رهپیک - این پیشنهادها چیست؟

آقای علیزاده - هر چه که باشد.

آقای رهپیک - نه دیگر، بگویید این پیشنهادها، یا اصلاح قانون است یا اصلاح بخشنامه‌ی بر اساس قانون است یا اصلاح آیین‌نامه است.

آقای علیزاده - در این قسمت اول این تبصره، این موضوع آمده است. پیشنهاد این هیئت از دو صنف خارج نیست. تازه همین پیشنهادها با امضای این هیئت اجرایی نمی‌شود، بلکه آقای وزیر امور اقتصاد باید در مورد آن پیشنهادهایی که نیاز به اصلاح قانون دارد، بنویسد که این قانون نیاز به اصلاح دارد و به هیئت دولت بفرستد. آن پیشنهادی که مربوط به اصلاح آیین‌نامه و دستگاه‌هایی است که باید این کار را انجام بدهند، وزیر به آن دستگاه مربوطه می‌نویسد که این هیئت تشخیص

است از اینکه «... شرایط و مراحل صدور مجوزهای کسب و کار در کشور جمهوری اسلامی ایران را به نحوی تسهیل و هزینه‌های آن را تقلیل دهد تا صدور مجوز کسب و کار با حداقل هزینه و مراحل، به صورت غیرحضور و در کمترین زمان ممکن صورت پذیرد.» الان تمام این شرایط و رویه‌ها هست. حالا این هیئت تصمیم می‌گیرد رویه‌های موجود را که یا مبتنی بر قانون مصوب مجلس است یا مبتنی بر مصوبات دولت است و یا مبتنی بر بخشنامه‌ها است، اصلاح کند. حالا طبق این اصلاحیه، این هیئت می‌خواهد با امضای وزیر امور اقتصادی و دارایی این رویه‌ای که مبتنی بر قانون است را اصلاح کند؛ آیا این درست است؟

آقای مدرس‌ی بزدی - اگر خلاف قانون نباشد، اشکالی ندارد.

آقای رهپیک - اگر توجه داشته باشید، بحث ما در مورد اصلاح رویه‌های جاری بود.

آقای علیزاده - نه، بحث ما این نبوده است.

آقای رهپیک - بحث ما این بود که صدر و ذیل این تبصره‌ها با هم تناقض دارد. اشکال این بود که یک جا می‌گوید پیشنهادات این هیئت الزام‌آور است، بعد می‌گوید در صورتی که تحقق این اهداف به اصلاح قوانین، مقررات، بخشنامه‌ها یا رویه‌های اجرایی نیاز داشته باشد، هیئت مذکور برود و پیشنهادش را ارائه کند. اشکال ما این بود که این پیشنهاد چیست؟ آیا الزام‌آور است یا نیست؟ مجلس باید ماهیت این پیشنهاد را روشن کند؛ نه اینکه بنویسند مصوبات این هیئت الزامی است. ماهیت این پیشنهاد چیست؟ الان ما که بدون رویه نیستیم؛ یک سری رویه‌های موجودی داریم که این رویه‌ها یا مبتنی بر قانون مصوب مجلس است، یا مبتنی بر آیین‌نامه است یا مبتنی بر مصوبه‌ی دولت است. الان این تبصره می‌گوید این هیئت برود و این رویه‌ها را اصلاح کند. خب اگر [طبق تبصره (۳) اصلاحی قرار باشد] اصلاح این رویه‌ها با امضای وزیر لازم‌الاجرا باشد، اگر رویه‌های سابق، بر اساس قانون مصوب مجلس بود، آیا می‌شود با امضای وزیر برود و اصلاح شود؟

آقای علیزاده - انتهای این تبصره گفته است که تکلیفش را روشن کند.

آقای رهپیک - اصلاً این قسمت دوم تبصره (۳) امکان [عملی] ندارد.

آقای علیزاده - چرا.

آقای رهپیک - اصلاً این مصوبه برای همین است که این هیئت برای تحقق این هدف برود و پیشنهاد کند. خود این هدف،

دیگر.

آقای رهپیک - خیلی خوب، آنجایی که این تبصره می‌گوید مصوبات این هیئت لازم‌الاجرا است، در این خصوص چیزی نمی‌گوید.

آقای علیزاده - اگر این‌طور بود، آن ایراد سابق از جانب ما بیخود بود؛ اگر ما آن دفعه از این مصوبه، چنین برداشتی داشتیم ایراد اول ما به این مصوبه بیخود بود. ما از این مصوبه این را فهمیدیم که علاوه بر این مواردی که در ذیل تبصره گفته است، [این هیئت تصمیم اجرایی می‌گیرد]. همه‌ی آقایان اعضای شورای نگهبان گفتند که مقصود از آن عبارت صدر تبصره، آن چیزهایی نیست که در ذیل این تبصره آمده است. ما گفتیم اگر مقصود این چیزها نیست، این تصمیمات جنبه‌ی اجرایی دارد و باید به تصویب وزیر یا رئیس جمهور برسد. مجلس هم بر اساس ایراد ما، این تبصره را اصلاح کرده است.

آقای رهپیک - وزیر که نمی‌تواند بگوید آیین‌نامه را اصلاح کنید.

آقای ابراهیمیان - نگرانی ما نگرانی [مغایرت این مصوبه با] قانون اساسی است که قدرت قانون‌گذاری به غیر از آن افرادی داده شود که در قانون اساسی پیش‌بینی شده است. الآن قدرت قانون‌گذاری به این هیئت واگذار نشده است. آن عبارت زیر این تبصره، این مسئله را حل کرده است؛ بند ذیل این تبصره این نگرانی را برطرف کرده است. بحث ما مربوط به این است که غیر از کسانی که مقام اجرایی دارند، در اجرا دخالت نکنند. این اصلاحیه، این ایراد را با الزام به تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی حل کرده است.

آقای علیزاده - خیلی خوب، پس حالا دیگر بحثی نیست.

آقای ابراهیمیان - ما مشکل مغایرت با قانون اساسی را حل کردیم و تمام شد دیگر. والسلام. حالا آیا فروضی می‌ماند؟
آقای هاشمی شاهرودی - مقررات‌زدایی یک امر جدیدی است.

آقای رهپیک - در اینجا نگفته است که مقررات‌زدایی کنند؛ گفته است که این امور را تسهیل کنند.

آقای علیزاده - آقایانی که با اصلاح به عمل آمده، آن ابهام قبلی شورا به تبصره (۳) ماده (۷) را باقی می‌دانند یا ایراد جدیدی را متوجه این اصلاحیه می‌دانند رأی بدهند. خیلی خوب، رأی نیاورد.

[در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۸۴۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ نسبت به این

داده است که باید این موارد درست شود؛ شما این موارد را اصلاح بکنید، یا اینکه طبق قانون به وظیفه‌تان عمل بکنید. اگر این پیشنهادها برای اصلاح بخشنامه است [آنها هم به همین صورت عمل می‌شود]. این هیئت در دستگاه‌های دیگر مداخله نمی‌کند، بلکه پیشنهاد را به دستگاه‌های دیگر می‌دهد و می‌گوید به نظر ما این مسائل مانع [از روند تسهیل صدور مجوز کسب و کار است].

آقای رهپیک - نه، آنچه لازم‌الاجرا است، چیست؟

آقای علیزاده - شما بگذارید که ما تا آخر مسئله را بگوییم؛ اگر نگفتیم [اشکال وارد کنید].

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره به این هیئت می‌گوید اگر یک مانعی دیدی که نه مربوط به قانون است و نه مربوط به بخشنامه‌ی دولت است، خودت می‌توانی آن را لغو کنی.

آقای رهپیک - اگر مربوط به این موارد نیست، پس مربوط به چیست؟ این‌طور که نمی‌شود. الآن رویه‌ها یا بر اساس قانون است [یا بر اساس مقررات دیگر است].

آقای هاشمی شاهرودی - مثلاً دستگاهی، یک دستورالعملی داده است. این تبصره می‌گوید اگر خودت می‌توانی آن دستورالعمل را لغو کنی، لغو کن؛ اگر [نمی‌توانی پیشنهادهایت را به مرجع مربوطه ارائه بده].

آقای علیزاده - این تبصره می‌گوید به دستگاهی که دارد یک کارهایی را انجام می‌دهد، به آن دستگاه بگو شما این کارها را انجام نده، توجه فرمودید؟ مثلاً مسئول فلان دستگاه در فلان جا خودش آمده و یک مقرراتی گذاشته است، [این هیئت به این مسئول می‌گوید که این مقررات را لغو کن].

آقای هاشمی شاهرودی - امثال این موارد، خیلی زیاد است.

آقای علیزاده - بله، ما خیلی از این موارد را داریم.

آقای ابراهیمیان - مثلاً یک گیشه می‌گذارند و یک صف دو کیلومتری درست می‌شود. این یک مرحله مثل دستور موردی است؛ یعنی وقتی وزیر دستور بدهد [که این مانع برداشته شود]، دستورش برای آن دستگاه لازم‌الاجرا می‌شود.

آقای رهپیک - ببینید؛ ما می‌گوییم الآن این تکالیفی که برای مردم ایجاد شده است، بر اساس یک سری مقرراتی ایجاد شده است. طبقه‌بندی مقررات که ما می‌گوییم همین است دیگر؛ در طبقه‌بندی مقررات می‌گوییم این مقرر، یا «قانون» است یا «آیین‌نامه» است یا «بخشنامه» است.

آقای هاشمی شاهرودی - ذیل این تبصره طبقه‌بندی کرده است

تخلف از حکم این تبصره مشمول مجازات موضوع ماده (۶۰۰) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم: تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب سال ۱۳۷۵/۳/۲) است.^۳

آقای مدرسی یزدی - قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ که منسوخ شده است؛ چرا به آن ارجاع داده است؟!

آقای علیزاده - نه، منسوخ نشده است.

آقای ابراهیمیان - بخش تعزیرات آن قانون، منسوخ نشده است.

آقای علیزاده - ایرادی که آقایان [= اعضای مجمع مشورتی حقوقی] در مرکز [= پژوهشکده‌ی شورای نگهبان] به این تبصره دارند، این است که می‌گویند فرض کنید مجلس آمده و قانونی را تصویب کرده است. خب وقتی مجلس قانونی را تصویب کرد، طبق قانون مدنی، به طور کلی (۱۵) روز پس از انتشار لازم‌الاجرا می‌شود.^۴ آقایان اعضای این مجمع گفته‌اند که قانون مدنی گفته است که قانون (۱۵) روز بعد از انتشار لازم‌الاجرا است، اما این تبصره (۴) می‌گوید اگر تکالیف جدیدی برای مردم ایجاد شود، باید شش ماه قبل از اجرا روی پایگاه اطلاع‌رسانی بگذارند. پس این تبصره با آن قانونی که مجلس در آینده مصوب می‌کند، تعارض دارد.^۵ بنده می‌گویم

مصوبه، یک تذکری هم داده بودیم: [تذکر: در انتهای تبصره (۳) ماده (۷) واژه «ذی‌ربط» بعد از واژه «بالاتر» اضافه شود.» الان مجلس در این مصوبه‌ی اصلاحی، همین کار را کرده است.^۱

منشی جلسه - ایراد بند (۲) نظر [شماره ۹۳/۱۰۲/۸۴۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴] شورای نگهبان هم منوط به رفع ایراد بند قبلی بوده است.^۲

آقای علیزاده - بله، در بند (۲) هم گفتیم تا ابهام تبصره (۳) روشن نشود، معنای تبصره (۴) روشن نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - خب، الان باید نظر بدهیم.

آقای علیزاده - تبصره (۴) را بخوانید.

آقای ره‌پیک - الان شما باز همین تبصره (۴) را ببینید؛ می‌گوید اگر این هیئت مراحل یا مدارک اضافه‌ای را مصوب کرد، این تصمیم شش ماه بعد قابلیت اجرا دارد.

آقای علیزاده - بله، این تبصره را بخوانید تا من جواب این اشکال را بگویم.

منشی جلسه - «تبصره ۴- «هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» موضوع تبصره (۳) این ماده موظف است ظرف مدت حداکثر سه ماه پس از ابلاغ این قانون، شرایط صدور مجوزهای کسب و کار را به تفکیک هر کسب و کار در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب و کار منتشر کند.

پس از راه‌اندازی «پایگاه اطلاع‌رسانی مذکور» تغییر در شرایط صدور یا تمدید مجوزهای کسب و کار، چنانچه در جهت تسهیل صدور و تمدید مجوزها باشد، بلافاصله به دستور رئیس هیئت در پایگاه اطلاع‌رسانی یادشده اعمال می‌شود و چنانچه تغییر، شامل افزایش مراحل یا مدارک مورد نیاز و به هر نحو، مشکل کردن صدور یا تمدید باشد، شرایط جدید باید از شش ماه قبل از اجراء، در این پایگاه اعلام شود. مراجع صادرکننده مجوز کسب و کار حق ندارند حتی با توافق متقاضی مجوز، هیچ شرطی یا مدرکی یا هزینه‌ای بیش از آنچه در پایگاه اطلاع‌رسانی مربوطه تصریح شده، از متقاضی دریافت مجوز کسب و کار مطالبه کنند.

۳. ماده (۶۰۰) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم- تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۶۰۰- هر یک از مسئولین دولتی و مستخدمین و مأمورینی که مأمور تشخیص یا تعیین یا محاسبه یا وصول وجه یا مالی به نفع دولت است بر خلاف قانون یا زیاده بر مقررات قانونی اقدام و وجه یا مالی اخذ یا امر به اخذ آن نماید، به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. مجازات مذکور در این ماده در مورد مسئولین و مأمورین شهرداری نیز مجری است و در هر حال آنچه بر خلاف قانون و مقررات اخذ نموده است به ذی‌حق مسترد می‌گردد.»

۴. ماده (۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ مجلس شورای ملی (اصلاحی ۱۳۴۸/۸/۲۹): «ماده ۲- قوانین پانزده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم‌الاجرا است، مگر آنکه در خود قانون، ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد.»

۵. «در دومین بند از اظهار نظر شورای نگهبان در خصوص این مصوبه، با عطف به این نکته که «اظهار نظر در خصوص تبصره (۴) ماده (۷) منوط به رفع ابهام از تبصره (۳) ماده (۷) می‌باشد»، اظهار نظر در خصوص تبصره (۴) ماده (۷) اصلاحی موکول به تعیین تکلیف در مورد تبصره (۳) ماده (۷) اصلاحی شده بود. حال با توجه به اصلاح صورت گرفته در تبصره (۳) ماده (۷) اصلاحی که ابهام مورد نظر شورای نگهبان را رفع نموده، لکن با لازم‌الاجراء شمردن مصوبه «هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» با تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی، ابهام جدیدی در آن ایجاد کرده است و همچنین اینکه مجلس شورای

۱. ذیل اصلاحیه طرح اصلاح مواد (۱)، (۶) و (۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۹۳/۴/۱ مجلس شورای اسلامی: «در سطر پایانی تبصره (۳) ماده (۷) بعد از عبارت «مراجع»، عبارت «ذی‌ربط» اضافه می‌شود.»

۲. بند (۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۸۴۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ شورای نگهبان: «۲- اظهار نظر در خصوص تبصره (۴) ماده (۷)، منوط به رفع ابهام از تبصره (۳) ماده (۷) می‌باشد که پس از تعیین تکلیف در مورد آن، در این خصوص نیز اظهار نظر خواهد شد.»

گذشت شش ماه از زمان اعلام در پایگاه اطلاع‌رسانی، اجرای این تکالیف جدید لازم‌الاجرا شود. اما اگر قانون جدید حاکی از این بود که آن قانون باید بلافاصله اجرایی شود، آن قانون این تبصره (۴) را تخصیص می‌زند. بنابراین به نظر من، این تبصره هیچ مخالفتی با آن ماده از قانون مدنی ندارد و نه می‌تواند مخالفتی داشته باشد و نه با مصوبه‌ی بعدی مجلس مخالفتی دارد؛ چرا که آن قانون، تا حدی قابلیت اجرا پیدا کرده است و فقط در آن قسمتی که ایجاد تکلیف می‌کند، اجرای آن به شش ماه بعد موکول می‌شود. آن قسمت ایجادکننده‌ی تکلیف جدید هم با رفتن روی سایت لازم‌الاجرا شده است و دارد اجرا می‌شود، منتها برای اجرای آن تکالیف جدید، این مقدمات هم باید طی شود. الآن اگر یک قانونی وضع کنند و بگویند هر جا در یک قانونی تکلیف به وضع آیین‌نامه وجود داشته باشد، چنانچه آن آیین‌نامه ظرف فلان مدت تعیین نشود، آن قانون دیگر لازم‌الاجرا نیست، آیا چنین مصوبه‌ای اشکال دارد؟! بنابراین به نظر من این تبصره، اشکالی ندارد.

آقای ره‌پیک - ما باید به آن موضوع اصلی ایراد می‌گرفتیم که نگرفتیم. آن اشکال، اشکال اصلی بود.

آقای علیزاده - اشکالش چیست؟ بفرمایید.

آقای ره‌پیک - نسبت به آن ایرادی که ما گفتیم رأی نگرفتید دیگر؛ آن ایراد این است که اصلاً این عبارت لازم‌الاجرا، به چه معنا است و چه چیزی لازم‌الاجرا است؟

آقای مدرسی یزدی - من بقیه‌ی این مصوبه را یادم نیست. آیا بقیه‌ی مواد این مصوبه به نحوی است که بار مالی این مصوبه را تأمین بکند؟

آقای علیزاده - ایراد بار مالی که به این مصوبه نگرفته بودیم.

آقای مدرسی یزدی - چون چنین ایرادی نگرفته بودیم، اظهار نظری هم نکرده‌اند. به هر حال، اگر ایراد بار مالی دارد، باید ایرادش گفته شود.

آقای هاشمی شاهرودی - این مصوبه، بار مالی ندارد.

آقای علیزاده - آقایانی که تبصره (۴) این مصوبه را با توجه به اصلاحی که در تبصره (۳) به عمل آمده است، واجد ایراد می‌دانند، بفرمایند.

آقای ابراهیمیان - من یک سؤال دارم. عرض من این است که چطوری این رابطه‌ی بین لازم‌الاجرا شدن قانون و اعلام را با هم دیگر ترکیب کرده‌اند؟ ببینید؛ یک قانون تصویب می‌شود یا یک آیین‌نامه‌ای تصویب می‌شود و برای اینکه یک مجوزی

این تبصره، تعارضی ندارد. چرا تعارض ندارد؛ چون یک معنا از لازم‌الاجرا شدن قانون این است که (۱۵) روز بعد از انتشار [در روزنامه‌ی رسمی]، آن مصوبه لازم‌الاجرا می‌شود. منتها منظور از این لازم‌الاجرای که در این تبصره گفته، این است که [هر قانونی که به نحوی موجب مشکل‌تر شدن صدور یا تمدید مجوز کسب و کار می‌شود] آن قانون را باید بر روی سایت بگذارند تا بدین وسیله به مردم بگویند که ای مردم، شما مطلع باشید که از این به بعد، [برای تمدید یا صدور مجوز فلان کسب و کار] تکالیف شما از این قرار است. پس این تبصره، یک قانون را به طور کلی غیر لازم‌الاجرا نکرده است، بلکه این یک قانون کلی است که می‌گویند هر مصوبه‌ای که مجلس [در خصوص کسب و کار] تصویب بکند، من در این خصوص بر آن ماده (۲) قانون مدنی یک استثنا می‌زنم و می‌گویم آنجایی که برای مردم تکالیف جدید ایجاد می‌شود، بلافاصله همه‌ی مواردش قابل اجرا نیست، بلکه اول باید این تکالیف جدید روی سایت برود و به اطلاع عموم برسد و مردم آن تکالیف را بخوانند تا متوجه شوند که من قانون‌گذار دارم برای فلان کسب و کار ایجاد تکلیف جدید می‌کنم، تا بعد از آن [=

→

اسلامی هیچ تغییری در تبصره (۴) ماده (۷) اصلاحی صورت نداده است، به نظر می‌رسد حکم پاراگراف دوم تبصره (۴) ماده (۷) اصلاحی واجد ایراد باشد. توضیح آنکه بر اساس صدر این پاراگراف چنانچه تغییر در شرایط صدور یا تمدید مجوزهای کسب و کار در جهت تسهیل صدور و تمدید مجوزها باشد، «بلافاصله به دستور رئیس هیئت در پایگاه اطلاع‌رسانی یادشده اعمال می‌شود». اما بر اساس ذیل این پاراگراف، «چنانچه تغییر، شامل افزایش مراحل یا مدارک مورد نیاز و به هر نحو، مشکل کردن صدور یا تمدید باشد، شرایط جدید باید از شش ماه قبل از اجراء، در این پایگاه اعلام شود». حال ایرادی که ایجاد می‌شود آن است که آیا این امر می‌تواند به معنای متوقف نمودن اجرای قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی نیز باشد. چرا که ممکن است قانونی به تصویب مجلس برسد که «شامل افزایش مراحل یا مدارک مورد نیاز و به هر نحو، مشکل کردن صدور یا تمدید باشد» و علی‌القاعده این قانون پانزده (۱۵) روز پس از انتشار در روزنامه رسمی لازم‌الاجرا خواهد بود اما حکم ذیل پاراگراف دوم تبصره (۴) ماده (۷) اصلاحی می‌تواند با به تأخیر انداختن اجرای قانون موجب توقف موقتی اجرای آن شود، بدین ترتیب که شش ماه قبل از اجراء، ابتدا باید در پایگاه یادشده اعلام شود و بعد از گذشت شش ماه از اعلام، لازم‌الاجرا می‌گردد؛ لذا حکم پاراگراف دوم تبصره (۴) اصلاحی از حیث متوقف کردن یا نکردن اجرای قوانین مصوب مجلس مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی مبنی بر منع تفویض قانون‌گذاری است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۵ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، صص ۱۲-۱۳، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/3JtFW

آقای علیزاده - آیا این مصوبه‌ی فعلی می‌تواند ذیل همان ماده (۲) قانون مدنی قرار گیرد یا نه؟

آقای ابراهیمیان - سؤال من همین است.

آقای علیزاده - الآن اگر این تبصره (۴)، به عنوان تبصره‌ی ذیل ماده (۲) قانون مدنی به آن قانون اضافه شود و به عنوان یک تبصره‌ی منفصله به حساب آید، معنایش این می‌شود که در مورد ایجاد شرایط جدید کسب و کار، قانون (۱۵) روز بعد از انتشار لازم‌الاجرا نیست و بلکه باید برای لازم‌الاجرا شدن، این شرایط از شش ماه قبل روی سایت گذاشته شود و به مردم اعلام شود، آیا این کار، اشکال پیدا می‌کند؟! مگر ماده‌ی قانون مدنی، قانون اساسی است؟!

آقای ابراهیمیان - من موافقم.

آقای علیزاده - اگر موافقت کنید، پس چرا بحث می‌کنید؟

آقای ابراهیمیان - نه حاج‌آقا، من اتفاقاً طرفدار این هستم که در امور اقتصادی در مورد این شرایط، اعلام قبلی صورت بگیرد، ولی آیا این عبارت همین را می‌گوید؟ آیا این عبارت می‌گوید که شما علاوه بر انتشار قانون، شش ماه انتظار را هم به شرایط لازم‌الاجرا شدن این قانون اضافه کنید؟ من می‌خواهم بگویم که این عبارت در این خصوص، صراحت ندارد و ابهام دارد.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که با این اصلاح به عمل آمده در تبصره (۳)، نسبت به تبصره (۴) ایرادی دارند، بفرمایند. اگر آن را خلاف هر جایی از قانون اساسی می‌دانند، بفرمایند. پس این هم ایرادی نداشت.^۱

طرح تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون ثبت

اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری

منشی جلسه - دستور سوم، «طرح تمدید مهلت اجرای آزمایشی

برای یک فعالیتی صادر شود، شرایطی را پیش‌بینی می‌کند. پس یک مسئله مربوط به شرایط لازم‌الاجرا شدن قانون و آیین‌نامه‌ها است؛ مثل بحث انتشار یا امضا و تصویب آنها، و یک مسئله هم بحث اعلام آن شرایط در آن پایگاه اطلاع‌رسانی است. اینجا در این مصوبه می‌گوید که اگر در اعلام این شرایط در پایگاه اطلاع‌رسانی تخلف شد و آن شرایط به موقع در پایگاه اعلام نشد، چنانچه کسی بخواهد در آن زمینه مجوز بگیرد، شما حق ندارید چیزی از او مطالبه کنید. سؤال من این است که آیا حتی اگر در یک مصوبه‌ای، این موضوع به عنوان شرط قید شده باشد و این قانون (۱۵) روز پس از انتشار هم لازم‌الاجرا شده است، باز هم ما نباید آن شرایط مقرر در قانون را از آن شخص مطالبه کنیم؟! چون صرفاً یک کوتاهی در انتشار و اعلام آگهی در آن سایت و سامانه مربوطه شده است؟!

آقای علیزاده - حالا اگر ما این کار را بکنیم چه می‌شود؟ نقض قانون اساسی می‌شود؟

آقای ابراهیمیان - نه، عیبی ندارد؛ اشکالی ندارد. در خیلی از کشورها این‌طوری است؛ می‌گویند برای اینکه اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی قابل پیش‌بینی باشد، [باید تغییر شرایط از قبل اعلام شود].

آقای هاشمی شاهرودی - منظور این است که بعد از گذشت شش ماه، می‌توانید این شرایط را از متقاضیان مطالبه کنید. یعنی دولت می‌تواند هر شرطی را بعد از گذشت شش ماه از اعلام آن در سایت، مطالبه کند، نه قبل از شش ماه.

آقای ره‌پیک - نه حاج‌آقا، اشکال اصلی این تبصره، مبتنی بر اشکالی است که در تبصره (۳) وجود دارد.

آقای ابراهیمیان - نه، عیبی ندارد که ما این حرف را بزنیم. یعنی مجلس قانونی تصویب می‌کند و می‌گوید [داشتن این شرایط برای ارائه‌ی فلان مجوز کسب و کار لازم است و آن قانون هم بعد از گذشت (۱۵) روز از زمان انتشار] لازم‌الاجرا است. با این حال، می‌گوییم با اینکه این قانون لازم‌الاجرا است، ولی چون شما آن را در سایت اعلام نکرده‌اید، اثر آن قانون این است که برای شما تخلف است.

آقای علیزاده - قانون کجا گفته است که چنین قانونی لازم‌الاجرا است؟

آقای ابراهیمیان - ماده (۲) قانون مدنی می‌گوید که هر قانونی پس از (۱۵) روز از زمان انتشار لازم‌الاجرا است.

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۷۰ مورخ ۹۳/۱۲/۱۳۹۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۸۸/۲۱۷۰۵ مورخ ۱۳۹۳/۴/۳ و پیرو نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۸۴۱ مورخ ۹۳/۳/۴، طرح اصلاح مواد (۱)، (۶) و (۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم (۴۴) قانون اساسی که با اصلاحاتی در جلسه مورخ یکم تیرماه یکهزار و سیصد و نود و سه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده، معایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

آقای هاشمی شاهرودی - هنوز اجرای این کاداستر تمام نشده است؟!

آقای علیزاده - نه، هنوز تمام نشده است.

آقای ره‌پیک - از سال ۱۳۷۳ تا الان، یک صدم حدنگاری انجام شده است.

آقای علیزاده - بله، فقط یک صدم آن انجام شده است. البته خیلی از حدنگاری که مربوط به محدوده‌ی شهری بوده است، انجام شده است؛ اصل کارش انجام شده است.

منشی جلسه - «فصل اول- تعاریف

ماده ۱- در این قانون، اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌رود:

۱- حدنگار (کاداستر): فهرست مرتب‌شده اطلاعات مربوط به قطعات زمین است که مشخصه‌های زمین مانند اندازه، کاربری، مشخصات رقومی، ثبتی و یا حقوقی به نقشه بزرگ مقیاس اضافه شده است.

۲- حدنگاری (عملیات کاداستر): مجموعه فعالیت‌های مرتبط با حدنگار (کاداستر) است که شامل تهیه نقشه با استفاده از عکس‌ها و تصاویر زمینی، دریایی، هوایی، ماهواره‌ای، تبدیل رقومی عکس‌ها و تصاویر، عملیات زمینی نقشه‌برداری، ویرایش و تکمیل نقشه‌های زمینی و تطبیق نقشه با وضعیت واقعی و موجود املاک و اضافه کردن کلیه اطلاعات ثبتی، حقوقی و توصیفی و کنترل نهایی و به‌روزرسانی آن می‌باشد.

۳- نظام جامع: نظام جامع اطلاعات املاک و حدنگار (کاداستر) کشور و سامانه اطلاعات رایانه‌ای مکان‌محوری است که کلیه

→

پیش‌بینی‌شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۵/۲۳۰۳۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در چهار مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۱ و ۱۳۹۳/۴/۱۸، در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ و در مرحله‌ی سوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۶ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، ۱۳۹۳/۴/۱۸، ۹۳/۱۰۲/۲۰۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ و ۹۳/۱۰۲/۳۰۶۲ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۶ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی چهارم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری^۱ است. «ماده واحده- مهلت اجرای آزمایشی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۳ از زمان انقضای اجرای آزمایشی قانون به مدت یک سال تمدید می‌گردد.» آقای علیزاده - این مصوبه هم، مثل مصوبه‌ی چند روز پیش است.^۲

آقای اسماعیلی - این مصوبه، ایرادی ندارد.

آقای علیزاده - به صورت کلی، برخی از آقایان اعضای شورا در مورد تمدید قوانین آزمایشی حرف داشتند،^۳ ولی حالا فعلاً این رویه‌ی ما است که به این مصوبات، ایرادی نمی‌گیریم، مگر اینکه مجلس بخواهد در تمدید یک مصوبه، یک اصلاحی روی آن انجام دهد. پس این مصوبه هم ظاهراً اشکالی ندارد.^۴

طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور

منشی جلسه - «طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور»^۵

۱. طرح یک‌فوریتی تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این طرح در ابتدا با قید دو فوریت به مجلس تقدیم شده بود، که مجلس صرفاً با یک فوریت آن موافقت کرد. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی‌شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۵۷/۲۳۰۳۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۱، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۶۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۲ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. مقصود، لایحه تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۳/۳/۲۱ مجلس شورای اسلامی است که بررسی آن در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ شورای نگهبان انجام گرفت.

۳. در این خصوص، بنگرید به مشروح مذاکرات جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ شورای نگهبان، موضوع بررسی لایحه تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۳/۳/۲۱ مجلس شورای اسلامی.

۴. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۶۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۲ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۴۵۷/۲۳۰۳۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۸، طرح تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب جلسه مورخ چهارم تیرماه یکهزار و سیصد و نود سه مجلس شورای اسلامی، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته نشد.»

۵. طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی

←

آقای هاشمی شاهرودی - سازمان ثبت، قدرت انجام این کار را ندارد.

آقای رهپیک - در یک جایی از این مصوبه^۳ گفته است که همه‌ی دستگاه‌ها از جمله نیروهای مسلح مکلفند که با سازمان ثبت اسناد همکاری داشته باشند. در یک جایی هم گفته‌اند که نیروهای مسلح با هماهنگی سازمان ثبت عمل کنند.^۴ در مواد بعدی این مطالب را گفته‌اند.

آقای علیزاده - آقایان [اعضای مجمع مشورتی حقوقی] ایراد مغایرت با اصل (۱۱۰) را گرفته‌اند. اینها حرف‌هایی است که بعداً باید راجع به آن بحث شود.

آقای هاشمی شاهرودی - خیلی از چیزهایی که در این مصوبه ذکر شده است، اصلاً خارج از حیطه‌ی وظایف سازمان ثبت است که اینها واقعاً عملی نیست. ضمن اینکه بعضی از سازمان‌ها، خودشان را متولی این امر می‌دانند.

آقای علیزاده - سازمان نقشه‌برداری کشور می‌خواهد برود و

۳. مواد (۳) و (۹) طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور مصوب ۱۳۹۳/۴/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳- سازمان مکلف است ظرف مدت پنج سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، حدنگاری را به نحوی به انجام برساند که موقعیت و حدود کلیه املاک و اراضی داخل محدوده مرزهای جغرافیایی کشور اعم از دولتی و غیر دولتی و همچنین موقعیت و حدود کلیه کوه‌ها، مراتع، جنگل‌ها، دریاها، دریاچه‌ها، تالاب‌ها، اراضی مستحدث ساحلی، مسیل‌های دایر و متروکه و جزایر کشور، مشخص و تثبیت شود و امکان بهره‌برداری از نقشه‌ها و سایر اطلاعات توصیفی و ثبتی کلیه املاک و اراضی کشور، به صورت نقشه و اسناد مالکیت حدنگار در نظام جامع میسر گردد، به‌گونه‌ای که هیچ نقطه‌ای از کشور بدون نقشه و اسناد مالکیت حدنگار نباشد.

تبصره- کلیه دستگاه‌ها مکلف به همکاری با سازمان جهت اجرای حدنگاری می‌باشند.

ماده ۹- کلیه دستگاه‌ها مکلفند تمام مستندات و اطلاعات توصیفی املاک متعلق به خود یا تحت اداره خود از جمله مشخصات ثبتی، کاربری نام بهره‌بردار و نقشه‌های مختصات جغرافیایی املاک مذکور را حداکثر ظرف مدت دو سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون تهیه نموده و جهت صدور سند مالکیت حدنگار را در اختیار سازمان قرار دهند.

۴. ماده (۱۰) طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور مصوب ۱۳۹۳/۴/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۰- سازمان نقشه‌برداری کشور و سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح مکلفند به موجب درخواست سازمان، نسبت به عکس‌برداری و تهیه نقشه مورد نیاز بر اساس مقیاس‌ها و استانداردهای لازم اقدام کنند.

تبصره- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح مکلف است عکس‌ها و نقشه‌های املاک و اماکن نیروهای مسلح و مناطق مرزی را با هماهنگی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه نماید. انتشار اطلاعات نظامی و امنیتی در نقشه‌های ثبتی بدون موافقت مراجع ذی ربط ممنوع است.»

اطلاعات حدنگاری از جمله اطلاعات نقشه‌ها و اسناد مالکیت حدنگار و سایر اطلاعات ثبتی، حقوقی و توصیفی کلیه املاک و عارضه‌های طبیعی کشور در آن ثبت می‌شود.

۴- نقشه حدنگار: نقشه‌ای است که بر اساس حدنگاری تهیه می‌شود.

۵- سند مالکیت حدنگار: سند مالکیتی است که بر اساس حدنگاری و تحت نظام جامع تهیه می‌شود.

۶- دستگاه‌ها: کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و دستگاه‌های موضوع مواد (۲)، (۳)، (۴) و (۵) قانون محاسبات عمومی کشور

۷- سازمان: سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۸- منطقه: حوزه ثبتی است که به تشخیص سازمان، در آن حدنگاری اجراء شده یا می‌شود.

۹- مرکز داده: مرکز ملی داده‌های ثبتی موضوع بند (م) ماده (۲۱۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۱ است.

فصل دوم- وظایف سازمان و سایر دستگاه‌ها

ماده ۲- سازمان، متولی اجرای حدنگاری، صدور اسناد مالکیت حدنگار، ایجاد و بهره‌برداری نظام جامع و سایر تکالیف مندرج در این قانون است.»

آقای هاشمی شاهرودی - آقای علیزاده، شما که در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور هم بوده‌اید، آیا واقعاً این سازمان می‌تواند این کارها را انجام بدهد؟ چون مثلاً این کار، مستلزم نقشه‌برداری از اماکن نیروهای مسلح کشور است.

آقای اسماعیلی - [مجمع مشورتی حقوقی] این ایرادات را گفته است.^۲ بعداً آن ایرادها را بررسی می‌کنیم.

آقای علیزاده - بله، آقایان [اعضای مجمع مشورتی حقوقی]، به این مصوبه ایراداتی گرفته‌اند، ولی آنها به خود این کار حدنگاری ایرادی ندارند.

۱. بند (م) ماده (۲۱۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ماده ۲۱۱- ...

م- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است در راستای توسعه سامانه یکپارچه ثبت اسناد و املاک و راه‌اندازی مرکز ملی داده‌های ثبتی، نسبت به الکترونیکی کردن کلیه مراحل ثبت معاملات تا پایان سال دوم برنامه اقدام کند، به نحوی که امکان پاسخ آنی و الکترونیک به استعلامات ثبتی و ثبت آنی معاملات با به‌کارگیری امضاء الکترونیکی مطمئن فراهم شود.»

۲. در این خصوص، بنگرید به: نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۵ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، صص ۱۴-۲۴، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/2QQQy

برای تهیه نقشه [وظیفه‌اش را انجام دهد].

آقای هاشمی شاهرودی - حالا طبق این مصوبه، متولی حدنگاری سازمان ثبت است. [سازمان‌های متولی نقشه‌برداری، تصدی نقشه‌برداری توسط سازمان ثبت را] قبول نمی‌کنند و [اطلاعات لازم را در اختیار این سازمان قرار] نمی‌دهند.

آقای سوادکوهی - این سازمان‌ها با ثبت اسناد، توافق کرده‌اند.

آقای علیزاده - بله، در مجلس با هم توافق کرده‌اند. اصل موضوع حدنگاری [و واگذاری مسئولیت انجام آن به سازمان ثبت]، به واسطه‌ی الحاق یک ماده‌ای به قانون ثبت اسناد و املاک است که مصوب سال ۱۳۵۱ است. آن قانون گفته است: «ماده ۱۵۶- به منظور تشخیص حدود و موقعیت املاک واقع در محدوده شهرها و حومه، نقشه املاک به صورت کاداستر تهیه خواهد شد. اداره امور املاک ثبت کل علاوه بر وظایف فعلی خود، عهده‌دار تهیه املاک به صورت نقشه کاداستر خواهد بود.» در آن زمان، نقشه‌ی املاک به صورت کاداستر (حدنگار) فقط محدود به شهرها و حومه بوده است.

آقای هاشمی شاهرودی - اما الآن این مصوبه، حدنگاری را به کل کشور توسعه داده است.

آقای علیزاده - بله، الآن این مصوبه دارد کاداستر را به کل کشور تسری می‌دهد. البته وسعت کل کشور زیاد است، ولی مشکل عمده، مربوط به تهیه نقشه‌ی شهرها است؛ چون باید نقشه‌ی حدنگار آن را با مقیاس [خیلی بزرگ] تهیه می‌کردند؛ چون زمین شهر، ارزش زیادی دارد، اما زمین‌های منابع ملی و امثال آن، به آن صورت نقشه‌های دقیق لازم ندارد؛ مثلاً به خصوص در شهرهای بزرگ حتماً نقشه‌ی یک هزارم یا یک ده هزارم، لازم بود که تهیه آن نقشه کار بسیار مشکلی بود. اما شهرهای کوچک و روستاها و زمین‌های زراعتی و شاید بعضی از اراضی ملی، به این اندازه دقت لازم ندارد و از این جهت تهیه نقشه‌ی کاداستر برای آنها کار راحت‌تری است.

آقای یزدی - اگر یادتان باشد، فلسفه‌ی اصلی این مسئله، در زمان ریاست آقای زواره‌ای بر سازمان ثبت اسناد و املاک کشور^۱ این بود که مردم شهرهای جنگ‌زده که بعد از جنگ به خانه‌های خود بر می‌گشتند، [وضعیت ثبتی و حدود اربعه‌ی زمین‌ها و خانه‌هایشان مشخص نبود].

آقای علیزاده - قانون مربوط به تهیه نقشه‌ی کاداستر، از قدیم

۱. آقای سید رضا زواره‌ای، رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶.

مطرح بوده است.^۲ آقای زواره‌ای - خدا ایشان را رحمت کند - می‌خواستند بگویند که اگر ما نقشه‌ی کاداستر اماکن و املاک را داشتیم، [این مشکلات به وجود نمی‌آمد]. حالا دقیق یادم نیست ولی می‌گفتند که اگر یک روزی تمام کشور هلند از بین برود، با چهار سانت یا چند سانت اختلاف، نقشه‌ی کل املاک آن را ارائه می‌دهند؛ چون طرح کاداستر در آنجا پیاده شده است. ما از این جهت، از این کشورها عقب هستیم. از این جهت اگر ما نقشه‌ی کاداستر شهرهای جنگ‌زده را در اختیار داشتیم، بهتر می‌توانستیم حدود و مرزهای زمین‌ها و املاک افراد را تعیین کنیم.

آقای رهپیک - بله، خیلی از جاها به این طرح عمل کرده‌اند؛ خیلی از کشورها عمل کرده‌اند.

آقای علیزاده - الآن این یک مصوبه‌ای است که آقایان نمایندگان مجلس تصویب کرده‌اند و آن را به ما داده‌اند تا ما آن را بخوانیم و هر کجای آن مصوبه که اشکال داشت، بگوییم که اشکال دارد. الآن، در مورد این مصوبه، دو سه تا اشکال به ذهن آقایان [اعضای مجمع مشورتی حقوقی] رسیده است.^۳ هر موقع که به مواد مربوط به آن اشکالات رسیدیم، راجع به آن ایرادات بحث می‌کنیم. حالا اجازه بدهید که جلو برویم و در مورد هر موضوع در جای خود بحث کنیم.

آقای هاشمی شاهرودی - ماده (۲) در بحث متولی اجرای این طرح، به صورت مطلق سازمان ثبت اسناد را متولی کرده است.

آقای علیزاده - متولی که حتماً باید سازمان ثبت باشد؛ چون می‌خواهد نقشه ارائه بدهد، به مردم سند ارائه بدهد.

آقای اسماعیلی - اجرای حدنگاری هم در اختیار خود سازمان ثبت است، نه صدور اسناد مالی. طبق ماده (۲) این مصوبه، صدور حدنگاری، صدور اسناد مالکیت حدنگار، ایجاد و بهره‌برداری نظام جامع و سایر تکالیف مندرج در این مصوبه بر عهده‌ی سازمان ثبت است.

۲. ماده (۱۵۶) قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ و قانون اشتباهات ثبتی و اسناد معارض مصوب ۱۳۳۳ مصوب ۱۳۵۱/۱۰/۱۸ مجلس شورای ملی: «ماده ۱۵۶- به منظور تشخیص حدود و موقعیت املاک واقع در محدوده شهرها و حومه نقشه املاک به صورت کاداستر تهیه خواهد شد. اداره امور املاک ثبت کل علاوه بر وظایف فعلی خود عهده دار تهیه املاک به صورت نقشه کاداستر خواهد بود. تبصره ۱ - ...»

۳. در این خصوص، بنگرید به: نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۵ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، صص ۱۵-۲۴، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/2QQQy

از آن [چیزی دیگری است، بر عهده‌ی سازمان جنگل‌ها است].
آقای علیزاده - سازمان ثبت نمی‌خواهد بگوید که کجا جنگل است.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا؛ حدنگاری همین است دیگر. حدنگاری، جنگل‌ها را هم شامل می‌شود، مراتع را هم شامل می‌شود، دریاچه‌های داخل کشور را هم شامل می‌شود. این مسائل که ربطی به سازمان ثبت ندارد.

آقای ره‌پیک - سازمان ثبت می‌خواهد حدود آنها را در بیاورد و نقشه‌ی آن را بکشد.

آقای هاشمی شاهرودی - این، حرف جدیدی است. تعیین جنگل و مراتع و غیره جزء وظایف سازمان ثبت نیست.

آقای علیزاده - ما که نباید به تعریف ایراد بگیریم.

آقای هاشمی شاهرودی - ما به ماده‌ی بعدی اشکال می‌گیریم، نه به تعریف حدنگاری. ماده (۲) سازمان ثبت را مطلقاً متولی اجرای حدنگاری کرده است. این مصوبه، اجرای حدنگاری را از مسئولیت‌های این سازمان قرار داده است. این موضوع، غیر از صدور اسناد مالکیت حدنگار است.

آقای علیزاده - سازمان جنگل‌ها هر جایی را که می‌گوید من آن را جنگل می‌دانم، باید طبق ماده (۵۶) [قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع]^۲ آگهی بدهد و بگوید که من این پلاک را جنگل می‌دانم. سازمان ثبت هم می‌آید و بررسی می‌کند که حد این پلاک کجا است.

آقای اسماعیلی - ممکن است حد این پلاک را سازمان ثبت ارائه بدهد، ولی باید در اجرای حدنگاری، [سازمان جنگل‌ها] بگوید مثلاً این قدر مساحت، به عنوان جنگل مشخص شده است.

آقای علیزاده - سازمان ثبت، در اجرای طرح حدنگار، حد جنگل را تعیین می‌کند.

آقای ابراهیمیان - سازمان ثبت، خود جنگل بودن را تعیین نمی‌کند، ولی می‌گوید که وقتی به ما گفته‌اند اینجا جنگل

آقای هاشمی شاهرودی - چه بخواهیم و چه نخواهیم، بخش عمده‌ی این حدنگاری نسبت به کل کشور، مربوط به دستگاه‌های دیگر است.

آقای ابراهیمیان - آن دستگاه‌ها در اجرای این تکالیف [به سازمان ثبت کمک می‌کنند]، اما اگر ما متولی این طرح را یک دستگاه قرار دهیم، اشکالی پیش نمی‌آید.

آقای علیزاده - آن دستگاه‌ها که باید حتماً سند مالکیت خود را از سازمان دریافت کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - صدور اسناد برای املاک، بحث دوم است. الآن بحث متولی اجرای حدنگاری مطرح است.

آقای علیزاده - معنای کلمه‌ی «کاداستر» که مجلس به «حدنگاری» ترجمه کرده است، تعیین حدود املاک بر اساس طول و عرض جغرافیایی است. در قدیم، عمده‌ی حدود املاک، بر اساس طول و عرض جغرافیایی نبوده است، بلکه حدشان یا متر بوده است، یا عوارض طبیعی؛ مثلاً آبریز فلان جا یا به فلان رود. این‌گونه زمین را حدبندی و تعیین می‌کردند. یعنی برای تعیین حدود املاک، آنها اول مطلع^۱ یک رودخانه را ملاک می‌گرفتند یا خط‌الرأس کوه را می‌گرفتند و یا خط‌القعر دره را می‌گرفتند. الآن، کاری که کاداستر انجام می‌دهد و مبنای هم همین است، این است که طول و عرض جغرافیایی را در نظر می‌گیرد. بر این اساس، می‌آیند و حدود املاک را تعیین می‌کنند. امروزه می‌گویند چون در آن حدود طبیعی بالاخره در اثر گذشت روزگار یا خود عوامل طبیعی، تغییراتی ایجاد می‌شود، بر این اساس، می‌خواهند تعیین حدود با طول و عرض جغرافیایی انجام بدهند. سازمان ثبت کاری جز این ندارد که به مالکان املاک، سند ارائه بدهد. سازمان ثبت می‌خواهد بر این اساس برود حدود املاک را تعیین کند تا بتواند سند آنها را بزند.

آقای اسماعیلی - من سؤال می‌کنم؛ آیا اجرای حدنگاری جنگل‌های کشور به عهده‌ی سازمان ثبت است؟

آقای علیزاده - بله، اجرای حدنگاری جنگل‌ها با همکاری سازمان جنگل‌ها است.

آقای هاشمی شاهرودی - این‌گونه نیست. اجرای حدنگاری جنگل‌ها، با خود سازمان جنگل‌ها است؛ چون تعیین اینکه چقدر از کشور، جنگل است، چقدر از آن، مرتع است، چقدر

۲. ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶/۵/۲۵ مجلس شورای ملی (اصلاحی ۱۳۴۸/۱/۲۰): «ماده ۵۶ - تشخیص منابع ملی شده و مستثنیات ماده (۲) قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع با رعایت تعاریف مذکور در این قانون با وزارت منابع طبیعی است. ظرف یک ماه پس از اخطار کتبی یا آگهی وزارت منابع طبیعی وسیله یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار مرکز و یکی از روزنامه‌های محلی و سایر وسائل معمول و مناسب محل، اشخاص ذی‌نفع می‌توانند به نظر وزارت مزبور اعتراض کرده و اعتراضات خود را با ذکر دلیل و مستندات به مرجع صادرکننده آگهی یا محل صدور اخطار تسلیم دارند ...»

۱. «جای برآمدن آفتاب و جز آن، ... لغتنامه‌ی دهخدا، ذیل واژه‌ی «مطلع».

که سند داری و اینجا دیوار کشیده‌ای و روی دیوار هم سیم زده‌ای، حد این پادگان از جهت طول و عرض جغرافیایی این است.

آقای ابراهیمیان - با GPS، می‌خواهند اندازه‌های آن زمین یا ملک را مشخص کنند.

آقای علیزاده - GPS اندازه‌ی این زمین را به ما می‌گوید. حالا، اینکه در عمل پادگان‌ها به سازمان ثبت اجازه‌ی حدنگاری را می‌دهند یا نه، هر کسی [یک‌طوری رفتار می‌کند و به این بحث مربوط نیست].

آقای مدرسی یزدی - ما از اول یک ایرادی داشتیم؛ مسئله‌ی ما این قضیه است که اصلاً این کار، یک امر اجرایی است. این کار، مربوط به قوه‌ی مجریه است، نه قوه‌ی قضائیه. آن وقت، اجرای این کار توسط سازمان ثبت، قوز بالا قوز می‌شود دیگر؛ چون این کار، یک امر اجرایی خیلی مهمی است که باید حداقل تحت اختیار قوه‌ی مجریه باشد. این اشکال، یک اشکال بنیادی محسوب می‌شود.

آقای علیزاده - قوه‌ی قضائیه هم کار اجرایی دارد؛ مگر ندارد؟! **آقای مدرسی یزدی -** نه، در قانون اساسی نیامده است که سازمان ثبت تحت اختیار کدام قوه باشد. کار این سازمان، باید ثبت اسناد باشد.

آقای اسماعیلی - می‌شود به این مصوبه یک اشکال بنیادی وارد کرد.

آقای هاشمی شاهرودی - سازمان جنگل‌ها، در مسیرهای حساس اجازه نمی‌دهد که حدنگاری جنگل‌ها به اختیار سازمان ثبت باشد. شما می‌دانید که متولی جنگل‌ها، سازمان جنگل‌ها است؛ همین الان هم این سازمان، متولی جنگل‌ها است.

آقای علیزاده - بنده خودم قبلاً در سازمان ثبت بوده‌ام. تمام دستگاه‌ها به سازمان ثبت می‌آمدند. حتی زمانی که من مسئول سازمان ثبت بودم، یک سال لوح تقدیر هم به من دادند و گفتند که شما امسال در این دوره، بیشترین سند را ثبت سفارش داده‌اید.

آقای هاشمی شاهرودی - آن دستگاه‌ها خودشان تعیین حدود کردند، بعد آن حدود را به شما دادند و از شما درخواست صدور سند کردند و شما آن را اجرا کردید. یعنی دستگاه‌ها خودشان حدنگاری کرده‌اند، بعد آن را به شما دادند و از شما سند گرفتند. این موضوع، مربوط به امر دوم، یعنی صدور اسناد است. این، غیر از اجرای حدنگاری است.

آقای علیزاده - نه، این دستگاه‌ها که نقشه تهیه نمی‌کنند. اجرای

است، ما باید حدودش را تعیین کنیم؛ تعیین حدود جنگل، وظیفه‌ی ما است.

آقای اسماعیلی - سازمان جنگل‌ها به سازمان ثبت اطلاعات لازم برای حدنگاری را نمی‌دهد؛ بعداً قوه‌ی قضائیه [به جهت عدم اجرای حدنگاری] مورد ایراد قرار می‌گیرد. اصلاً دستگاه‌های دیگر، اجازه نمی‌دهند که سازمان ثبت وارد موضوع املاک تحت تصرف آنها بشود، مخصوصاً اگر ملکی مربوط به مسائل نظامی و سپاه و... بشود. آن دستگاه‌ها اجازه‌ی حدنگاری را نمی‌دهند.

آقای علیزاده - مواد بعدی، این مسائل را مطرح کرده است. [حدنگاری مثل این است که بگویند] من که بغل دست تو خانه دارم، ملک من از فلان جا شروع می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - بحث، در مورد حدنگاری خانه نیست؛ دستگاه‌های دیگر به سازمان ثبت اجازه نمی‌دهد [تا حدنگاری املاک تحت تصرف آنها را انجام دهد].

آقای اسماعیلی - بله، آن دستگاه‌ها به سازمان ثبت اجازه نمی‌دهد که آنها بیابند حدنگاری کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - تشخیص اینکه فلان محل، جنگل است یا دریاچه است، مربوط به فلان وزارتخانه است؛ خب متولی حدنگاری‌اش هم خودش است دیگر.

آقای ره‌پیک - همه‌ی این موارد، سند دارند. الان این سندها می‌خواهد به اسناد مالکیت حدنگار تبدیل شود.

آقای علیزاده - بله، همه‌ی این موارد سند دارند؛ یا سند دارند یا باید سند بگیرند. اگر اداره‌ی منابع طبیعی [برای یک منطقه‌ای که جزء منابع طبیعی محسوب می‌شود] سند ندارد، باید برود سند بگیرد. برای کل مملکت ایران، جز دریاچه‌ی فلان و بعضی چیزهای دیگر، حتماً یک بار آگهی ثبتی شده است و رفته‌اند و درخواست سند کرده‌اند؛ گفته‌اند که ما می‌خواهیم سند این زمین را بگیریم؛ حالا یا عملیات ثبتی این املاک تمام شده است یا تمام نشده است. اگر عملیات ثبتی این املاک تمام شده است، پس حتماً برای آن املاک سند زده‌اند. اگر آن عملیات تمام نشده باشد، باید به همه‌ی اینها سند تعلق بگیرد؛ یعنی [صاحبان املاک اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی یا اشخاص حقوقی عمومی]، باید به سازمان ثبت بیابند و سند بگیرند. شما که الان بحث پادگان‌ها را مطرح می‌کنید، بدانید که پادگان‌ها حتماً سند دارند؛ پادگان‌ها که بدون سند نیستند. وقتی پادگان سند دارد، سازمان ثبت می‌گوید تو

جدید، بر اساس قانون ثبت ارائه کند؛ یعنی می‌خواهد یک فتوکپی مدرن از آن سندهای قدیمی و سنتی بگیرد.

آقای اسماعیلی - می‌خواهید بگویید حدنگاری تغییر آنالوگ به دیجیتال است؟

آقای ابراهیمیان - بله، منظور من یک چیزی شبیه به این است. **آقای رهپیک** - نه، منظور، این نیست.

آقای علیزاده - سازمان ثبت نمی‌خواهد بگوید که من تشخیص می‌دهم که اینجا جنگل است. این مصوبه در مورد مرجع تشخیص اماکن، قوانین سابق را از بین نمی‌برد. تشخیص مکان به عهده‌ی هر دستگاهی است که متولی آن مکان است. سازمان ثبت در اینجا فقط می‌آید و با توجه به تشخیص آن دستگاه، حدود مکان را تعیین می‌کند.

آقای جنتی - اولاً شما «اجرا» را معنی کنید، بعد ببینید که الان اجرای حدنگاری دست کیست. حالا می‌خواهند حدنگاری را از او بگیرند و به سازمان ثبت انتقال بدهند.

آقای علیزاده - سازمان ثبت، همین الان با متر به جنگل می‌رود و می‌گوید که حد فلان جنگل این است. من برای این جنگل، سند صادر می‌کنم و نقشه تعیین می‌کنم؛ همین الان هم همین کار را می‌کنند.

آقای سلیمی - همه‌جا همین‌طور است.

آقای علیزاده - متر را به دستشان می‌گیرند و به جنگل می‌روند و حد جنگل را از اول جنگل تا فلان محل مشخص می‌کنند و به دستگاه مربوطه‌اش می‌گویند این پلاکی که شما گفتید متعلق به من است، حد و حدودش این است. اگر می‌گویید که اضافی بر این پلاک مربوط به شما است، باید یک بار دیگر ماده (۵۶) [قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع] را درباره‌ی این اضافه اجرا کنید. اگر اعتراض آمد و به اعتراض رسیدگی شد یا اینکه اعتراضی نیامد، من دوباره به شما سند می‌دهم و حدت را تعیین می‌کنم. این ماده، می‌خواهد این مطلب را بگوید. الان، این مصوبه می‌خواهد بگوید حدی که سازمان ثبت قبلاً آن را با متر و بر اساس عوارض طبیعی تعیین می‌کرد، از این به بعد با نقشه‌ی هوایی، با ماهواره یا با چیز دیگر و با استفاده از طول و عرض جغرافیایی تعیین کند و بگوید که بر این اساس، حد فلان ملک یا زمین، این است.

آقای هاشمی شاهرودی - خب، سازمان جنگل‌ها می‌گوید این کار مربوط به من است.

آقای علیزاده - نه، مربوط به آن سازمان نیست.

حدنگاری، یعنی صاحبان املاک به سازمان ثبت بیایند و حدود املاکشان را ثبت کنند.

آقای مؤمن - نه، این‌طور نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این‌طور نیست. این مصوبه [در خصوص اجرای عملیات حدنگاری]، اطلاق دارد.

آقای مؤمن - خب، رأی بگیرید.

آقای سلیمی - شما می‌گویید که دستگاهی غیر از سازمان ثبت می‌خواهد حدنگاری کند؟

آقای اسماعیلی - خود سازمان ثبت می‌خواهد حدنگاری را انجام دهد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، خود سازمان ثبت.

آقای سلیمی - نمی‌شود که هر کسی برای خودش حدنگاری بکند!

آقای هاشمی شاهرودی - عجب حرفی می‌زنید! خب سازمان جنگل‌ها می‌گوید جنگل‌ها زیر تولید من است.

آقای جنتی - این کار، جزء اختیارات اداره‌ی منابع طبیعی است.

آقای اسماعیلی - منابع طبیعی مربوط به سازمان جنگل‌ها است دیگر.

آقای سلیمی - یک نفر می‌خواهد تا برای همه‌ی این دستگاه‌ها حدنگاری کند.

آقای هاشمی شاهرودی - نه.

آقای رهپیک - اداره‌ی منابع طبیعی می‌خواهد بگوید که در کل کشور، منابع طبیعی و حد جنگل کجا است. منابع طبیعی که نمی‌تواند این را بگوید. این حدنگاری، مربوط به نقشه‌ی کل کشور است.

آقای علیزاده - منابع طبیعی می‌گوید که من اعلام می‌کنم که پلاک (۱۰۱) اصلی، از هزار و فلان فرعی ملی شده است. سازمان ثبت می‌آید و می‌گوید که حدود این پلاکی که تو می‌گویی ملی شده است، این است. اگر می‌خواهی بگویی آن طرف این زمین هم ملی است، باز بیا و به سازمان ثبت اعلام کن.

آقای ابراهیمیان - این واژه‌ی «حدنگاری»، یک مقداری [بد ترجمه شده است]. معنی لفظی واژه‌ی «حدنگار»، این نیست.

به نظر می‌رسد این حدنگاری، مثل همان کاری است که امضای الکترونیک به جای امضای دستی انجام می‌دهد.

حدنگاری در واقع، می‌خواهد همان اطلاعات موجود در اسناد موجود را یا اطلاعات اعلام‌شده را با یک ارقام و نقشه و شکل

حکومت می‌گوید که حدود تصرف شما این است. من این تصرف شما را قبول دارم. اگر کسی بر سر این حدود، دعوی دارد، باید به دادگستری مراجعه کند.

آقای سلیمی - [سازمان ثبت، صرفاً] حد را مشخص می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - درست است که صدور سند به دست سازمان ثبت باید باشد، ولی واقعاً بقیه‌ی کارها مربوط به این سازمان نیست.

آقای علیزاده - همین الان هم همین طوری است.

آقای هاشمی شاهرودی - به هر حال، این ایراد رأی ندارد.

آقای رهپیک - به ایراد بار مالی رأی می‌دهید؟ چون الان این مواد، بار مالی دارد. اگر این مصوبه بار مالی دارد، باید منع آن تأمین بشود.

آقای علیزاده - بله، باید ایراد بار مالی را می‌گیریم.

آقای مدرسی یزدی - در آخر مصوبه در فصل چهارم، [در مورد منع تأمین بار مالی، مطالبی مطرح شده است].^۱

آقای علیزاده - آن منابع برای تأمین بار مالی، درست نیست. حالا وقتی به آن ماده برسیم، ایرادش را می‌گوییم. این موادی را که بار مالی دارد، یادداشت کنید.

آقای رهپیک - باید آن موادی را که بار مالی دارد، در ایرادات ذکر کنید.

آقای مدرسی یزدی - پس ذات این مصوبه، بار مالی دارد.

آقای رهپیک - برآورد اولیه‌ی اجرای این طرح، چهار هزار میلیارد (۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) تومان هزینه است. این مبلغ، پیش‌بینی اولیه از اجرای این مصوبه است. بایستی صد و شصت و پنج میلیون (۱۶۵,۰۰۰,۰۰۰) هکتار حدنگاری شود.

آقای علیزاده - آیا خود متولی شدن اجرای حدنگاری هم بار مالی دارد؟

آقای هاشمی شاهرودی - سازمان جنگل‌ها می‌گوید جنگل‌ها مربوط به من است. من باید با ماهواره، جنگل‌ها را مشخص کنم و به شمای سازمان ثبت بگویم که برای اینجا، سند بده. در بقیه‌ی موارد هم همین‌گونه است؛ دریاچه‌ها، هم همین‌طور است، کوه‌ها هم همین‌طور است، سلسله‌ی فلوات هم همین‌طور است؛ همه‌ی این موارد همین‌طور است.

آقای یزدی - زمین‌های ارتش هم [همین‌طور است].

آقای اسماعیلی - این موارد را در مواد بعدی حل کرده‌اند. همه‌ی این نه، ده، یازده مورد، مربوط به [سازمان جنگل‌ها است].

آقای علیزاده - این مصوبه همه‌ی این موارد را حل کرده است. اگر جایی را حل نکرده است، باید آنجاها را مطرح کنیم.

آقای هاشمی شاهرودی - این مصوبه، متولی اجرای حدنگاری را سازمان ثبت قرار داده است.

آقای اسماعیلی - چرا باید سازمان ثبت متولی باشد؟

آقای علیزاده - این کار باید یک متولی داشته باشد؛ متولی این کار، باید یک دستگاه باشد دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - عیبی ندارد که متولی صدور اسناد، سازمان ثبت باشد، ولی سازمان ثبت متولی اجرای حدنگاری، نباید باشد.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای سلیمی - اگر بنا بشود که امروز هر مجموعه‌ای برای آنچه که روی آن ادعا دارد سندی بخواهد، باید به سازمان ثبت مراجعه کند؛ نمی‌تواند به جای دیگری برود.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، برای صدور سند املاک، باید به سازمان ثبت مراجعه کند.

آقای سلیمی - خب صدور سند، حدود لازم دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - خود آن دستگاه، حدود ملک تحت تصرف خود را معین می‌کند.

آقای علیزاده - نه.

آقای سلیمی - متولی هر ملک یا زمینی می‌آید و آن محل را معرفی می‌کند؛ مثلاً اگر پادگان ارتش است، ارتش اعلام می‌کند که فلان محل پادگان است، [سازمان ثبت به عنوان متولی اجرای حدنگاری هم طول و عرض جغرافیایی آنجا را به عنوان حدود زمین به آن دستگاه اعلام می‌کند].

آقای هاشمی شاهرودی - این جنگل‌ها و مراتع و... که ملک شخصی نیستند؛ اینها، جزء منابع ملی است.

آقای علیزاده - حکومت، باید حدود تصرف را تعیین کند.

۱. ماده (۱۷) طرح جامع حد نگار (کاداستر) کشور مصوب ۱۳۹۳/۴/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۷- به منظور اجرای تکالیف مقرر در این قانون، شامل ایجاد واحدهای ثبتی و تجهیز آنها به فناوری نظام جامع، ایجاد زیرساخت‌های لازم، صدور اسناد مالکیت حدنگار، ماشینی کردن (مکانیزاسیون) خدمات ثبتی، توسعه نظام جامع داده‌آمایی و بایگانی (آرشیو) الکترونیک سوابق ثبتی و تکمیل بانک اطلاعاتی مرتبط، تکمیل مرکز ملی داده‌های ثبتی، پاسخ آنی و الکترونیک به استعلامات ثبتی و ثبت آنی معاملات و ساخت، توسعه، تجهیز و تعمیر واحدهای اداری و آموزش، تأمین و ترغیب نیروی انسانی مورد نیاز، کلیه درآمدهای خدمات ثبتی سازمان به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز و همه‌ساله پنجاه درصد (۵۰٪) آن ذیل ردیف مستقل در بودجه سنواتی کشور پیش‌بینی می‌شود و به سازمان تخصیص می‌یابد.»

آقای اسماعیلی - نه.

آقای علیزاده - آنجایی را که اجرای حدنگاری بار مالی دارد، بگویند تا بنویسیم. الآن این ماده به سازمان ثبتی که وجود دارد، می‌گوید من تو را متولی این کار قرار می‌دهم؛ این موضوع، بار مالی دارد؟

آقای مدرس یزدی - متولی چه چیزی؟

آقای رهپیک - متولی چه چیزی؟

آقای علیزاده - ما آنجایی از مصوبه که به سازمان ثبت می‌گوید این اعمال را انجام بده، می‌گوییم بار مالی دارد.

منشی جلسه - «ماده ۳- سازمان مکلف است ظرف مدت پنج سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، حدنگاری را به نحوی به انجام برساند که موقعیت و حدود کلیه املاک و اراضی داخل محدوده مرزهای جغرافیایی کشور، اعم از دولتی و غیردولتی و همچنین موقعیت و حدود کلیه کوه‌ها، مراتع، جنگل‌ها، دریاها، دریاچه‌ها، تالاب‌ها، اراضی مستحدث ساحلی، مسیل‌های دایر و متروکه و جزایر کشور، مشخص و تثبیت شود و امکان بهره‌برداری از نقشه‌ها و سایر اطلاعات توصیفی و ثبتی کلیه املاک و اراضی کشور، به صورت نقشه و اسناد مالکیت حدنگار در نظام جامع میسر گردد، به گونه‌ای که هیچ نقطه‌ای از کشور، بدون نقشه و اسناد مالکیت حدنگار نباشد.

تبصره - کلیه دستگاه‌ها، مکلف به همکاری با سازمان جهت اجرای حدنگاری می‌باشند.

آقای هاشمی شاهرودی - سازمان جنگل‌ها، اصلاً این حدنگاری توسط سازمان ثبت را قبول نمی‌کند.

آقای یزدی - حالا می‌خواهند با همکاری سازمان‌ها این نقشه‌های حدنگار را تهیه کنند؛ این که مشکلی ندارد.

آقای اسماعیلی - سازمان جنگل‌ها می‌گوید که ما متولی حدنگاری جنگل هستیم.

آقای علیزاده - در اینکه ماده (۳) بار مالی دارد، شکی نیست. اول، ایراد بار مالی را رأی بگیریم. آقایانی که ایراد بار مالی در ماده (۳) را قبول دارند بفرمایند.

آقای رهپیک - بله دیگر، این ماده، بار مالی دارد.

آقای یزدی - [منبع آن در فصل چهارم مشخص شده است].

آقای رهپیک - نه، آن فصل مربوط به محل تأمین بار مالی مصوبه است؛ اصل حکم این ماده که بار مالی دارد.

آقای علیزاده - به مواد مربوط به محل تأمین بار مالی که برسیم می‌گوییم که این مصوبه، بار مالی دارد و منابع تعیین شده، بار

مالی آن را تأمین نمی‌کند.^۱

منشی جلسه - «ماده ۴- سازمان مکلف است ظرف مدت مذکور در ماده (۳)، نظام جامع را به نحوی ایجاد کند و مورد بهره‌برداری قرار دهد که علاوه بر اطلاعات نقشه‌ها و اسناد مالکیت حدنگار، دربرگیرنده اطلاعات مربوط به پلاک و بخش ثبتی ملک، آدرس دقیق پستی آن، کد انحصاری ملک، مشخصات کامل مالک یا مالکان و کد ملی یا شناسه ملی و آدرس دقیق پستی اقامتگاه و یا محل سکونت آنها و مشخصات فردی انتقال‌دهندگان و انتقال‌گیرندگان ملک و محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های آن باشد.»

آقای رهپیک - واژه‌ی «کد» مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی است. خود این ماده گفته است: «... کد ملی یا شناسه ملی...!» خب، معادل فارسی «کد» همان «شناسه» است دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - بگویند که کلمه‌ی «کد» را بین پرانتز بیاورند؛ تذکر بدهید.

آقای رهپیک - اصلاً واژه‌ی «کد» را از این ماده حذف کنند؛ «شناسه» هست دیگر.

آقای علیزاده - این را درست می‌کنیم. به مجلس می‌گوییم در هر جایی که کلمه‌ی «کد» آمده است، کلمه‌ی «شناسه» را بنویسند و کلمه‌ی «کد» را داخل پرانتز بیاورند.

آقای اسماعیلی - نه، اصلاً این کلمه را نیاورند.

آقای علیزاده - حالا اگر می‌خواهند آن را بیاورند، در داخل پرانتز بیاورند.^۲

منشی جلسه - «ماده ۵- سازمان مکلف است کلیه اقدامات حقوقی و ثبتی انجام‌شده بر املاک موضوع این قانون، اعم از تغییرات، انتقالات، تعهدات، معاملات اعم از قطعی، شرطی و معاملات دیگر، تجمیع، افزای، تفکیک، اصلاحات و غیره را که به صورت رسمی انجام می‌شوند، در نظام جامع به طور آنی ثبت کند و پس از تکمیل و بهره‌برداری از نظام جامع، کلیه استعلامات ثبتی را به صورت آنی و الکترونیک پاسخ دهد.»

۱. بند (۵) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان: «۵- نظر به اینکه مواد (۳)، (۵)، (۶)، (۷) و تبصره یک آن، مواد (۱۰)، (۱۱) و (۱۶) موجب افزایش هزینه عمومی می‌گردند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۷) علاوه بر اینکه جبران هزینه‌های مذکور را نمی‌نماید، خود دارای بار مالی است، فلذا مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.»

۲. بند (۱) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان: «۱- در ماده (۴)، واژه «کد» با توجه به اصل (۱۵) قانون اساسی باید اصلاح شود.»

ثبت ایجاد می‌شود که با این پولی [که در این مصوبه برای اجرای این طرح پیش‌بینی شده است] قابل اجرا نیست؛ با این نیرو، قابل اجرا نیست.^۱

منشی جلسه - «ماده ۶- سازمان مکلف به تجهیز کلیه ادارات ثبت کشور به نرم‌افزارهای مورد استفاده در نظام جامع و افزایش قابلیت‌های آنها با رعایت معیارها و استانداردهای فنی لازم است.»

آقای عزیزاده - خب، اگر آقایان می‌گویند که این ماده هم بار مالی دارد، رأی بدهند.

آقای سلیمی - الان، در سازمان ثبت، این کارها دارد اجرا می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، به این شکلی که این ماده گفته است، نیست.

آقای عزیزاده - اگر این چنین بود، چرا این ماده گفته است که سازمان ثبت، مکلف به انجام این کارها است؟! اگر این کارها از لحاظ دیگر لازم نبود، [این تکلیف را در این ماده ذکر نمی‌کردند].

آقای اسماعیلی - خود ایشان [= آقای سلیمی] هم قبول دارد [که واقعاً این‌طوری نیست که در حال حاضر، این کارها در سازمان ثبت به این صورت انجام شود].^۲

منشی جلسه - «ماده ۷- سازمان مکلف است دفاتر موضوع قانون ثبت اسناد و املاک و قانون دفاتر اسناد رسمی و مقررات مرتبط با آنها را به صورت الکترونیک و به نحوی که صحت، تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری آن تأمین شده باشد، در زیرمجموعه مرکز داده‌ها، نظام جامع و سامانه‌های مرتبط، ساماندهی و ایجاد کند. همچنین سازمان مکلف است امکان اتصال دفاتر اسناد رسمی به سامانه‌های مرتبط مذکور و بهره‌برداری از آنها را به نحوی که امکان ثبت برخط (آن‌لاین) اسناد و معاملات و پاسخ آنی و الکترونیک به استعلامات ثبتی

آقای عزیزاده - این ماده هم بار مالی دارد.

آقای ره‌پیک - بله، این ماده هم بار مالی دارد.

آقای مؤمن - سازمان ثبت می‌خواهد به صورت قانونی این کار را انجام بدهد.

آقای ره‌پیک - این ماده هم بار مالی دارد.

آقای عزیزاده - بله، بار مالی دارد. آقایانی که می‌فرمایند این ماده، بار مالی دارد، رأی بدهند.

آقای سلیمی - این کار، همان کار قبلی است [که در مواد قبلی هم آمده بود].

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این کار، اضافه بر کارهای قبلی است.

آقای عزیزاده - اضافه بر کارهای قبلی است. سازمان ثبت، الان هم دارد این کارها را می‌کند، اما این ماده می‌گوید فوری این موارد را در نظام جامع ثبت کند.

آقای ره‌پیک - این سازمان، باید تغییرات، انتقال، [تعهدات، معاملات را در نظام جامع به طور آنی ثبت کند].

آقای عزیزاده - نوشتن اینها به صورت آنی، خیلی خوب است.

آقای ره‌پیک - اجرای طرح کاداستر، از سال ۱۳۷۳ شروع شده است و تا الان، یک میلیون و دویست هزار (۱,۲۰۰,۰۰۰) هکتار حدنگاری شده است. کل مساحت املاکی که باید حدنگاری می‌شد، صد و شصت و پنج میلیون (۱۶۵,۰۰۰,۰۰۰) هکتار بوده است.

آقای عزیزاده - در این مدت، شهرها ایجاد شده است، اداره‌ها ایجاد شده است، اماکن فلان ایجاد شده است، اما بعضی از آنها حدود مشخصی ندارد. الان در شهرها به خصوص در قسمت شمالی کشور که من اطلاع دارم، مثلاً قسمتی از خانه‌های افراد در زمین همسایه رفته است. واقعاً کار سختی است که بخواهند این مسائل را درست کنند. این قدر که تا حالا زحمت کشیده‌اند، کار خوبی بوده است، اما این مصوبه‌ی فعلی برای چیست؟ برای این است که بروند حد و حدود آن زمینی که مثلاً به عنوان کارگاه بوده است [را هم مشخص کنند. الان با این مصوبه، سازمان ثبت یک‌مرتبه و یک‌جا برای صد هزار (۱۰۰,۰۰۰) هکتار جنگل، برای جنگل‌بانی سند صادر می‌کند.

این موارد، دیگر آن زحمت حدنگاری در شهرها را ندارد. من حالا به این موضوع کاری ندارم، اما آیا اجرای این طرح کاداستر، در این مدت با این وضع، قابل اجرا است؟ به نظرم قابل اجرا نیست. با این طرح، یک کار جدیدی برای سازمان

۱. بند (۵) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان: «۵-

نظر به اینکه مواد (۳)، (۵)، (۶)، ماده (۷) و تبصره یک آن، مواد (۱۰)، (۱۱) و (۱۶) موجب افزایش هزینه عمومی می‌گردند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۷) علاوه بر اینکه جبران هزینه‌های مذکور را نمی‌نماید، خود دارای بار مالی است، فلذا مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.»

۲. بند (۵) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان: «۵-

نظر به اینکه مواد (۳)، (۵)، (۶)، ماده (۷) و تبصره یک آن، مواد (۱۰)، (۱۱) و (۱۶) موجب افزایش هزینه عمومی می‌گردند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۷) علاوه بر اینکه جبران هزینه‌های مذکور را نمی‌نماید، خود دارای بار مالی است، فلذا مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.»

داشته باشد، سند هم باید وجود داشته باشد؛ اینها بیخودی می‌گویند که اسناد باید الکترونیکی بشود.

آقای مدرس یزدی - بله، معلوم نیست که سامانه‌ی الکترونیکی چطوری بشود. ممکن است یک‌دفعه [همه‌ی اسناد الکترونیکی پاک شود].

آقای ره‌پیک - این ماده هم گفته است دفاتر اسناد رسمی، باید یک نسخه‌ی چاپی به عنوان پشتیبان تهیه کنند.

آقای علیزاده - ما از کشور سوئیس که پیشرفته‌تر نیستیم! آنها همین سامانه‌ی الکترونیکی را دارند، ولی در کنار آن سامانه، سند کاغذی هم دارند.

آقای هاشمی شاهرودی - خب، این ماده هم می‌گوید یک سند کاغذی هم نگهداری کنند.

آقای ره‌پیک - بله، تبصره (۲) این ماده گفته است [اسناد چاپ‌شده را به‌عنوان پشتیبان نگهداری کنند].

آقای علیزاده - گفته است که ادارات ثبت اسناد اسناد چاپ‌شده را به‌عنوان نسخه‌ی پشتیبان نگه دارند، نه مردم. ممکن است یک روزی همه‌ی اسناد را با ماشین جابه‌جا کنند و به جای دیگری ببرند و در این بین، برخی اسناد از بین برود، آن‌وقت سر مردم بی‌کلاه می‌ماند.^۱

منشی جلسه - «ماده ۸- سازمان مکلف است از توانمندی‌های سازمان نقشه‌برداری کشور و سازمان جغرافیای نیروهای مسلح و سایر بخش‌های دولتی و غیردولتی، به منظور تأمین عکس‌ها و تصاویر هوایی و زمینی و یا ماهواره‌ای و تأمین نقشه و سایر اطلاعات مکانی و توصیفی مرتبط استفاده نماید.»

آقای ره‌پیک - آن [کلمه‌ای که بعد از کلمه‌ی «سازمان» آمده است،] «جغرافیایی» است، نه «جغرافیای».

آقای علیزاده - بله.^۲

منشی جلسه - «ماده ۹- کلیه دستگاه‌ها مکلفند تمام مستندات و

ایجاد شود، فراهم کند. با ایجاد دفاتر الکترونیک مذکور، ثبت در دفاتر فیزیکی منتفی و دفاتر الکترونیک، جایگزین دفاتر موجود می‌شود.

تبصره ۱- سازمان مکلف است در راستای الکترونیک کردن دفتر ثبت اسناد رسمی، به نحوی برنامه‌ریزی کند که دفاتر اسناد رسمی، نسخه الکترونیک پشتیبان و غیر قابل تغییر کلیه اسنادی را که به وسیله سردفتر از طریق سامانه الکترونیک سازمان تنظیم می‌شود، بایگانی کنند. همچنین دفاتر اسناد رسمی مکلفند از کلیه اسنادی که در سامانه الکترونیک سازمان تنظیم می‌شود، نسخه‌ای چاپی با امضای شخص یا اشخاص ذی‌ربط، به عنوان پشتیبان تهیه و بایگانی کنند.

تبصره ۲- ادارات ثبت اسناد و املاک مکلفند نسخه چاپ‌شده اسناد مالکیت حدنگار صادرشده را به عنوان پشتیبان نگهداری نمایند.»

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده هم، بار مالی دارد.

آقای مؤمن - این ماده که قطعاً بار مالی دارد.

آقای علیزاده - بله.

آقای ره‌پیک - حالا سازمان ثبت یک چیزهایی در این زمینه دارد، ولی توسعه‌ی آن بار مالی دارد.

آقای علیزاده - هم اصل ماده و هم تبصره (۱) آن، بار مالی دارد. آقایانی که به این ایراد رأی می‌دهند، رأی بدهند.

آقای ابراهیمیان - تعبیر «دفاتر فیزیکی» را هم باید توضیح دهند که «دفاتر فیزیکی»، در مقابل چیست؟

آقای علیزاده - منظور، دفاتر نوشته است. اصلاً «دفاتر فیزیکی» معنا ندارد. ما در سازمان ثبت، اصطلاحی به عنوان «دفاتر فیزیکی» نداریم. باید تذکر بدهیم که «دفاتر فیزیکی» نداریم.

آقای ره‌پیک - باید به جای «فیزیکی»، بگویند «کاغذی» یا «تحریری»، و آلاً کامپیوتر هم فیزیکی است. باید بگویند دفاتر تحریری یا کاغذی. ما ایرادی به این نمی‌توانیم بگیریم اما این را بعداً مردم می‌خوانند و می‌گویند «دفاتر فیزیکی» چیست؟ مقصودشان دفاتر تحریری است؛ چون ما چیزی به عنوان «دفاتر فیزیکی» نداریم.

آقای علیزاده - بگویید که کلمه‌ی «فیزیکی»، به اصلاح عبارتی نیاز دارد؛ کلمه‌ی «فیزیکی»، معنا ندارد.

آقای مدرس یزدی - در این ماده مقرر شده که نسخه‌ای الکترونیکی سند را چاپ کنند؛ لذا از این متن معلوم می‌شود که اسناد کاغذی منظورشان است.

آقای علیزاده - تا سقف عالم وجود دارد، دفتر هم باید وجود

۱. بند (۵) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان: «۵- نظر به اینکه مواد (۳)، (۵)، (۶)، (۷) و تبصره یک آن، مواد (۱۰)، (۱۱) و (۱۶) موجب افزایش هزینه عمومی می‌گردند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۷) علاوه بر اینکه جبران هزینه‌های مذکور را نمی‌نماید، خود دارای بار مالی است، فلذا مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.»

بند (۲) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان: «۲- در ماده (۷)، عبارت «دفاتر فیزیکی» به اصلاح عبارتی نیاز دارد.»

۲. بند (۳) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان: «۳- در ماده (۸)، واژه «جغرافیایی» به «جغرافیایی» اصلاح شود.»

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای رهپیک - چون طبق این ماده، سازمان ثبت نوع کاربری را می‌خواهد، اما یک سری مشخصات دیگر را هم می‌خواهد.

آقای علیزاده - بله، مشخصات ثبتی، کاربری، نام بهره‌بردار و غیره را می‌خواهد.

آقای رهپیک - این مختصات جغرافیایی روی دستگاه [مکان‌یاب] هست دیگر. [در این صورت، سازمان ثبت] همه‌ی این اطلاعات را دارد. این نکته، محل اشکال است دیگر؛ مثلاً دستگاه مکان‌یاب، برای استان تهران یک مختصاتی ارائه می‌دهد.

آقای علیزاده - الآن در مورد وضعیت ثبت اسناد املاک دولتی این‌گونه است که سند املاک، به نام دولت جمهوری اسلامی صادر می‌شود؛ بعد می‌گویند دستگاه بهره‌بردار این ملک، مثلاً وزارت جهاد است یا قوه‌ی قضائیه است، اما این ماده می‌گوید: «کلیه دستگاه‌ها مکلفند تمام مستندات و اطلاعات توصیفی املاک متعلق به خود یا تحت اداره خود، از جمله مشخصات ثبتی، کاربری، نام بهره‌بردار و نقشه‌های مختصات جغرافیایی املاک مذکور را، حداکثر ظرف مدت دو سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون تهیه نموده و جهت صدور سند مالکیت حدنگار، در اختیار سازمان قرار دهند.» منظور این ماده کلیه‌ی دستگاه‌ها است. این ماده دارد دستگاه‌ها را جزئی‌تر می‌کند. به نظر من، این ماده، این ایراد را دارد. آنچه که الآن ما در عمل داریم، این است که در مورد دستگاه‌های دولتی، اصل سند به نام دولت جمهوری اسلامی صادر می‌شود، بعد می‌گوید که دستگاه بهره‌بردار، مثلاً وزارت نیرو است. اما الآن این ماده می‌گوید که کلیه‌ی دستگاه‌ها این کار را بکنند. عبارت «کلیه دستگاه‌ها»، به سازمان‌های پایین‌تر برمی‌گردد؛ مثلاً شما می‌گویید فلان اداره‌ی من، از این مکان استفاده می‌کند. این‌طور که باشد، خیلی ریز می‌شود. به نظر من، ممکن است که این کار، اطلاعات امنیتی و مانند اینها را به خطر بیندازد.

آقای رهپیک - بله، بعضی از این اطلاعات، در آن سند اعلا هم نیست؛ حتی مختصات جغرافیایی هم ندارد.

آقای یزدی - در این ماده گفته‌اند [که کلیه دستگاه‌ها مکلف به چنین کاری هستند]؛ چون این کار، یک طرح جدید برای کار جدیدی است.

آقای علیزاده - قبول داریم؛ ولی اینجا می‌گوید که به جای تعیین کاربری مثلاً باید بگویند که الآن در فلان ساختمان، به

اطلاعات توصیفی املاک متعلق به خود یا تحت اداره خود از جمله مشخصات ثبتی، کاربری نام بهره‌بردار و نقشه‌های مختصات جغرافیایی املاک مذکور را حداکثر ظرف مدت دو سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون تهیه نموده و جهت صدور سند مالکیت حدنگار، در اختیار سازمان قرار دهند.»

آقای هاشمی شاهرودی - اطلاق این ماده نسبت به سازمان‌های نظامی ایراد دارد؛ نسبت به دستگاه‌های امنیتی و نظامی و هسته‌ای ایراد دارد. واقعاً [در گزارش مجمع مشورتی حقوقی] درست گفته‌اند.^۱

آقای رهپیک - بله، شمول آن نسبت به دستگاه‌های امنیتی و نظامی ایراد دارد.

آقای علیزاده - آن قسمتی از ماده (۹) که می‌گوید اطلاعات توصیفی را در اختیار سازمان قرار دهند، اگر از آن چیزهایی باشد که به حد و حدود مربوط نباشد و مثلاً در مورد مشخص کردن نوع کاربری اماکن باشد، اشکالی ندارد.

آقای رهپیک - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - تبصره‌ی ذیل [این ماده ایراد دارد].

آقای علیزاده - آن تبصره، تبصره‌ی ماده (۱۰) است. آن تبصره، یک چیز دیگری است

آقای رهپیک - بله، آن تبصره، یک چیز دیگری است. آن تبصره، مربوط به انتشار اطلاعات است. الآن بحث، در مورد حدود اربعه‌ی املاک است.

آقای علیزاده - ماده (۱۰) تبصره دارد؛ ماده (۹) که تبصره ندارد. آن تبصره، فقط به نیروهای مسلح مربوط است، اما غیر از نیروهای مسلح هم، همین موارد اطلاعاتی را دارند که نباید بعضی از آنها را به سازمان ثبت ارائه بدهند.

۱. «به موجب این ماده کلیه دستگاه‌ها مکلف می‌گردند تا تمام مستندات و اطلاعات توصیفی املاک متعلق و یا تحت اداره خود را حداکثر ظرف مدت دو سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون تهیه، و جهت صدور سند مالکیت حدنگار در اختیار سازمان ثبت اسناد و املاک کشور قرار دهند. از آنجایی که اطلاق عبارت «کلیه دستگاه‌ها» در این ماده شامل نیروهای مسلح موضوع بند (۴) اصل (۱۱۰) قانون اساسی که مستقیماً زیر نظر مقام رهبری قرار دارند می‌شود، و به عبارتی این مراجع نیز مکلف به ارسال تمام مستندات و اطلاعات توصیفی املاک متعلق و یا تحت اداره خودشان به سازمان ثبت اسناد می‌شوند، لذا شمول این ماده نسبت به نیروهای مسلح مغایر با بند (۴) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۵ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، ص ۱۹، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/2QQQy

طور خاص دارند چه کاری می‌کنند.

آقای اسماعیلی - نه، این ماده می‌گوید که فقط نوع کاربری که مثلاً «اداری» است را مشخص کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا؛ این ماده می‌گوید که آن دستگاه باید واقعیت کاربری‌اش را بگوید.

آقای اسماعیلی - تعیین کاربری، یعنی اینکه باید بگویند آنجا دارند کار اداری انجام می‌دهند.

آقای ابراهیمیان - الان برای بیان کاربری اماکن نظامی، می‌نویسند کلاً نظامی است. الان در سوابق هم چنین چیزی هست.

آقای ره‌پیک - بله، می‌نویسند کاربری آن نظامی است.

آقای اسماعیلی - نه، این کاربری، نمی‌تواند اداری باشد.

آقای ره‌پیک - چرا؟ می‌نویسند کاربری این مکان، نظامی است.

آقای علیزاده - این‌طوری ذکر بکنند که کاربری این ملک، یا اداری یا تجاری و یا مسکونی است.

آقای سلیمی - بند (۶) ماده (۱) دستگاه‌ها را معنا می‌کند؛ می‌گوید: «۶- دستگاه‌ها: کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و دستگاه‌های موضوع مواد (۲)، (۳)، (۴) و (۵) قانون محاسبات عمومی کشور.» پس ماده (۹) که از «دستگاه‌ها» یاد می‌کند، منظورش همین موارد است.

آقای علیزاده - مسئله‌ی ارتش را ماده (۱۰) حل کرده است، ولی مسئله‌ی دستگاه‌های دیگر را حل نکرده است.

آقای ره‌پیک - چرا دیگر، قانون مدیریت خدمات کشوری شامل دستگاه‌های امنیتی هم می‌باشد.

آقای علیزاده - بله، حالا بگوییم شمول این ماده نسبت به ارتش ایراد دارد؛ اما به صورت کلی، این ماده اشکال دارد.

آقای ابراهیمیان - به هر حال ملک باید ثبت شده باشد؛ نمی‌شود همین‌طوری بماند. مثلاً شما حساب کنید در یک شهری دو تا پادگان هست؛ اگر قرار باشد که مختصات جغرافیایی آن ثبت نشود، ملک مجاورین آن هم مشکل پیدا می‌کند.

آقای ره‌پیک - مشخصات جغرافیایی این اماکن ثبت بشود، اما با شرایطی.

آقای ابراهیمیان - بله، ما هم می‌گوییم که برای ثبت این قبیل املاک، باید سازوکاری پیش‌بینی شود.

آقای علیزاده - پیشنهاد بدهیم که مثل تبصره‌ای که در ماده (۱۰) آورده شده است، برای اینها [= دستگاه‌های امنیتی] هم به صورتی بیاورند. ما بگوییم این اطلاق این ماده، ایراد دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - ماده (۹) هم یک تبصره مثل تبصره‌ی ماده (۱۰) می‌خواهد.

آقای علیزاده - ما بگوییم که این اطلاق که در ماده (۹) آمده است، نسبت به آنجاهایی که ...

آقای هاشمی شاهرودی - ... محرمانه است.

آقای علیزاده - بله، اماکنی که سرّی یا محرمانه باشد، اشکال دارد.

آقای سوادکوهی - یا اینکه به کلی سرّی باشد.

آقای جنتی - بگویید این ماده در مورد اماکنی که جنبه‌های امنیتی داشته باشد، ایراد دارد.

آقای علیزاده - بله، در مواردی که جنبه‌های امنیتی داشته باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، هم خلاف شرع است و هم خلاف قانون اساسی است.

آقای ابراهیمیان - باید این کار یک سازوکاری داشته باشد.

آقای علیزاده - باید بگوییم که اطلاق ماده (۹) مبنی بر مکلف نمودن دستگاه‌ها، نسبت به بعضی از [مستندات و اطلاعات توصیفی ایراد دارد].

آقای مدرسی یزدی - وقتی این ماده، حکمش را به صورت مطلق گفته است، یعنی اینکه بعضی [از مستندات و اطلاعات توصیفی کافی نیست].

آقای علیزاده - نه، همه‌ی موارد مستندات و اطلاعات توصیفی که ایراد ندارد؛ مثل کاربری، تعیین بهره‌بردار و مانند اینها. در مواردی که موضوع، دارای جنبه‌ی امنیتی باشد، نسبت به اینکه تمام خصوصیات را اعلام نماید، اشکال دارد. آقایان فقها، این ایراد را قبول دارید؟^۱

منشی جلسه - «ماده ۱۰- سازمان نقشه‌برداری کشور و سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح مکلفند به موجب درخواست سازمان، نسبت به عکس‌برداری و تهیه نقشه مورد نیاز بر اساس مقیاس‌ها و استانداردهای لازم اقدام کنند.

تبصره- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح مکلف است عکس‌ها و

۱. بند (۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان:

«۱- عموم ماده (۹) مبنی بر مکلف نمودن دستگاه‌ها نسبت به اینکه تمام خصوصیات املاک متعلق به خود را اعلام نمایند در مواردی که موضوع دارای جنبه امنیتی باشد، اشکال شرعی دارد.»

آقای رهپیک - هر دو تائیش [= کار تهیه‌ی عکس و نقشه]، خلاف اصل (۱۱۰) است.

آقای ابراهیمیان - اگر سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، وابسته به وزارت دفاع باشد، [این ماده مغایرتی با اصل (۱۱۰) ندارد؛ چون] وزارت دفاع جزء قوه‌ی مجریه است،

آقای علیزاده - الزام سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح به این کار اشکالی ندارد؛ ولی این اشکال در این ماده وجود دارد که این ماده دستگاه‌های دیگر را هم مکلف می‌کند تا برای سازمان ثبت، عکس و نقشه تهیه کنند؛ شاید حتی این ماده، شامل عکس‌برداری و تهیه‌ی نقشه به صورت مجانی هم بشود؛ شاید حتی شامل آن مواردی هم بشود که اصلاً خود این دستگاه‌ها برنامه‌ای برای تهیه‌ی عکس ندارند. در این صورت، این ماده نسبت به آن دستگاه‌ها، ایراد مغایرت با اصل (۷۵) را هم دارد.

آقای رهپیک - این ماده که نگفته است آن دستگاه‌ها به صورت مجانی این کار را بکنند.

آقای هاشمی شاهرودی - شما ایراد مغایرت با اصل (۱۱۰) را به این ماده بگیرید.

آقای ابراهیمیان - مغایرتی با اصل (۱۱۰) ندارد. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، وابسته به سازمان صنایع دفاع است؛ سازمان جغرافیایی، به وزارت دفاع مربوط است. وزیر دفاع را رئیس جمهور باید انتخاب کند.

آقای علیزاده - حداقلش این است که این ماده برای دستگاه‌ها بار مالی دارد. اگر بنا باشد این دستگاه‌ها با پول سازمان ثبت هم بروند و عکس‌برداری کنند، این ماده، برای سازمان ثبت بار مالی دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، آن بحث دیگری است.

آقای علیزاده - پس اولاً این ماده، بار مالی دارد. دوم اینکه این ماده می‌خواهد سازمان جغرافیایی را مکلف به چنین تکلیفی بکند؛ این تکلیف، خلاف قانون اساسی است.

آقای هاشمی شاهرودی - تکلیف نیروهای مسلح به انجام این کار، مغایرت اصل (۱۱۰) قانون اساسی است. ما به مغایرت این ماده با اصل (۱۱۰) رأی می‌دهیم.

آقای علیزاده - رأی بدهید.

آقای مدرسی یزدی - ایراد بار مالی این ماده که معلوم است.

آقای هاشمی شاهرودی - بار مالی که دارد.

آقای اسماعیلی - ایراد مغایرت با اصل (۱۱۰) رأی نیاورد.

آقای علیزاده - به مغایرت این ماده با اصل (۱۱۰) که سازمان

نقشه‌های املاک و اماکن نیروهای مسلح و مناطق مرزی را با هماهنگی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه نماید. انتشار اطلاعات نظامی و امنیتی در نقشه‌های ثبتی، بدون موافقت مراجع ذی‌ربط ممنوع است.»

آقای اسماعیلی - این ماده، در خصوص انتشار یا دادن اطلاعات اشکال دارد.

آقای جنتی - آن اشکال جنبه‌ی امنیتی در این ماده هم وارد است. ورود سازمان ثبت در این موارد، اشکال دارد.

آقای علیزاده - این تبصره، مربوط به انتشار اطلاعات است.

آقای ابراهیمیان - چگونگی حفظ و نگهداری اطلاعات هم باید به‌گونه‌ای تحت کنترل و با مشارکت این دستگاه‌ها باشد، نه فقط انتشار اطلاعات.

آقای علیزاده - اول ببینید که خود ماده (۱۰) چه می‌گوید؟ ماده (۱۰) می‌گوید من سازمان ثبت، نقشه می‌خواهم؛ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، مکلف است برود و نقشه تهیه کند. آیا سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، می‌تواند چنین تکلیفی داشته باشد؟ آیا سازمان ثبت می‌تواند به سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح بگوید که اصلاً تو برای من، عکس تمام اماکن مملکت را بگیر! همه‌ی دستگاه‌ها از جمله سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح منتظر این است که سازمان ثبت با آنها قرارداد ببندد؛ این، عیبی ندارد؛ ولی این ماده می‌گوید این سازمان‌ها به موجب درخواست سازمان ثبت، مکلفند تا عکس و نقشه تهیه کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - حکم این ماده، اجازه‌ی رهبری را نمی‌خواهد؟

آقای رهپیک - این کار، به اصل (۱۱۰) ارتباط دارد.

آقای ابراهیمیان - آیا سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح به وزارت دفاع ارتباط دارد یا نه؟ وابسته به وزارت دفاع است یا نه؟ اگر وابسته به وزارت دفاع است، جزء نیروهای مسلح محسوب نمی‌شود. فقط اسمش سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح است.

آقای رهپیک - چرا دیگر؛ وظیفه‌ی وزارت دفاع، پشتیبانی نیروهای مسلح است.

آقای علیزاده - این ماده می‌گوید که این سازمان‌ها، در صورت درخواست سازمان ثبت، نسبت به عکس‌برداری و تهیه‌ی نقشه مکلفند. [این تکلیف، ایراد دارد].

آقای هاشمی شاهرودی - انجام این تکلیف، بدون نظر رهبری درست نیست؛ خلاف اصل (۱۱۰) است.

بگوید که از فلان مناطق نظامی برای من عکس برداری کن.
آقای اسماعیلی - همه‌ی این مسائل، در تبصره‌ی ماده (۱۰) آمده است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، در این تبصره، مسئله‌ی انتشار اطلاعات نظامی آمده است، نه تکلیف سازمان جغرافیایی به عکس برداری. برای مکلف کردن این سازمان، رهبری باید دستور دهد. اصلاً نباید از مناطق نظامی عکس برداری شود. این تبصره در مورد انتشار اطلاعات است، ولی این ماده، در مورد اصل تکلیف سازمان نقشه برداری نیروهای مسلح است.

آقای سوادکوهی - ماده (۳) گفته است که باید حدنگاری در کل کشور انجام بگیرد؛ استثنایی هم ندارد. بنابراین این چیزی که می‌فرمایید باید در ماده (۳) استثنا بشود.

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده، خلاف اصل (۱۱۰) قانون اساسی است. این ایراد را رأی بگیرید. این ماده از این جهت که شامل مناطق نظامی و پادگان‌ها می‌شود و شامل همین جا [= شورای نگهبان] هم می‌شود، ایراد دارد.

آقای سوادکوهی - این نقشه برداری که استثنا ندارد؛ باید در کل کشور انجام بگیرد.

آقای علیزاده - طبق این ماده، سازمان ثبت به سازمان نقشه برداری جغرافیایی نیروهای مسلح می‌گوید که تو بیا و از این مناطق عکس بگیر. آیا این سازمان، می‌تواند به این سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح بگوید تو برو و اجباراً برای ما عکس بگیر؟ این دستور را باید مقام ارتشی بدهد.

آقای سوادکوهی - این مسئله، باید در قانون ذکر بشود.

آقای هاشمی شاهرودی - قانون می‌تواند به سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چنین دستوری بدهد ...

آقای اسماعیلی - بله، قانون به این سازمان می‌گوید که [در صورت درخواست سازمان ثبت،] برو عکس بگیر.

آقای هاشمی شاهرودی - ... ولی چون مکان، یک مکان نظامی است و حکم تبصره‌ی ماده (۱۰)، شامل مناطق نظامی می‌شود، ایراد دارد. اصلاً الزام به گرفتن عکس از مراکز نظامی، نیاز به نظر رهبری دارد.

آقای اسماعیلی - مغایرت این ماده با اصل (۱۱۰) که رأی نیاورد.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا رأی نیاورد؟

آقای اسماعیلی - سه تا رأی آورد.

آقای سلیمی - خریدن عکس و نقشه از سازمان جغرافیایی

جغرافیایی نیروهای مسلح را به عکس برداری و تهیه‌ی نقشه اجبار می‌کند، رأی می‌دهید؟

آقای اسماعیلی - سه تا رأی دارد.

آقای ره‌پیک - این ماده مغایر اصل (۱۱۰) است.

آقای علیزاده - به ایراد مغایرت با اصل (۱۱۰) رأی بدهید.

آقای هاشمی شاهرودی - تکلیف نیروهای مسلح، به اذن رهبری نیاز دارد.

آقای مؤمن - حدنگاری املاک باید به عهده‌ی سازمان ثبت باشد.

آقای علیزاده - سازمان نقشه برداری ارتش، یک وظایف دیگری دارد. خب، اگر این سازمان، نقشه‌ای دارد، به سازمان ثبت می‌فروشد، اما این ماده دارد می‌گوید مجبوری همان نقشه‌ای را که سازمان ثبت خواسته است، تهیه کنی.

آقای اسماعیلی - الان هر کسی نقشه بخواهد، به سازمان نقشه برداری می‌رود.

آقای علیزاده - منظور این ماده، سازمان نقشه برداری کشور نیست. سازمان نقشه برداری، مربوط به ارتش نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - تهیه‌ی نقشه و خرید آن، طبق قرارداد طرفینی است.

آقای ابراهیمیان - الان برای دعاوی منابع طبیعی، می‌روند و از سازمان جغرافیایی ارتش نقشه می‌خرند؛ یک فتوکپی از نقشه را می‌خرند.

آقای علیزاده - اگر به سازمان جغرافیایی ارتش می‌روند و نقشه می‌خرند، پس معلوم است که خود این سازمان عکس گرفته

است و نقشه را تهیه کرده است؛ دیگر سازمان جغرافیایی ارتش، الزامی به تهیه‌ی نقشه نشده است. ما بر سر الزام این

ماده ایراد داریم. چرا شما می‌گویید که سازمان جغرافیایی ارتش باید نقشه تهیه کند؟ اگر نقشه‌ای دارد و تهیه کرده است،

پس سازمان ثبت هم می‌تواند آن نقشه را بخرد. وقتی که سازمان جغرافیایی به (۲۰۰) کیلومتری مرز می‌رود و یک

نقشه‌ای تهیه می‌کند، سازمان ثبت هم به سازمان جغرافیایی می‌گوید این نقشه را به من بفروش. اما این ماده دارد سازمان

جغرافیایی را مجبور می‌کند که برای سازمان ثبت نقشه تهیه کند. تازه، این تکلیف، برای منطقه‌ی محدودی نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - اطلاق این ماده، شامل مناطق نظامی هم می‌شود؛ اطلاقش شامل مناطق نظامی هم می‌شود؛ یعنی

طبق این ماده، سازمان ثبت می‌تواند به سازمان جغرافیایی

نیروهای مسلح می‌گوید اگر بیکار هستی، برو این نقشه‌ها را تهیه کن.

آقای علیزاده - ما باید به مجلس بگوییم که این ماده را به صورت مطلق گفته‌ای، در حالی که باید آن قیدی را که در اصل (۱۴۷) قانون اساسی آمده است، در این ماده بیاورید. ما باید این را بگوییم.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای ابراهیمیان - این ماده ارتباطی با آمادگی رزمی ارتش ندارد. آن قید اصل (۱۴۷)، مربوط به آمادگی رزمی ارتش است.

آقای علیزاده - در یک جایی باید این قید را بیاورند؛ همه‌ی حرف ما این است. این اصل می‌گوید دولت از امکانات ارتش، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در حدی که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نیاید. هر جایی که نمایندگان مجلس گفتند که هر دستگاهی از نیروهای مسلح استفاده کند، ما هم گفتیم که باید طوری استفاده بشود که به آمادگی نظامی‌شان صدمه نزنند. همه جا این را گفته‌ایم،^۲

اما در اینجا داریم می‌گوییم [که این شرط لازم نیست!]

آقای سوادکوهی - اصلاً سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ارتباطی به آمادگی رزمی ندارد.

آقای رهپیک - چرا ارتباطی ندارد؟ مگر جزء نیروهای مسلح نیست؟!

آقای علیزاده - فرض کنید الان موقع جنگ است. طبق این ماده، شما باید هواپیما را در این موقعیت در اختیار سازمان ثبت قرار بدهید [تا از آن برای عکس‌برداری و تهیه‌ی نقشه امکان استفاده بشود]! همین ایراد را بگیرید؛ بگویید باید این ماده را به قسمت اخیر اصل (۱۴۷) قانون اساسی مفید کنید. اول، به این ایراد رأی بدهید.

۲. شورای نگهبان تا کنون، در موارد متعدد، تصویب برخی مسائل که امکان ضربه زدن به آمادگی رزمی را دارد، مغایر اصل (۱۴۷) قانون اساسی شناخته است. به عنوان نمونه، در بند (۲) نظر شماره ۸۰/۲۱/۲۸۷۸ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۲ شورای نگهبان در خصوص طرح سرباز روحانی در مناطق اهل سنت ویژه روحانیون اهل سنت مصوب ۱۳۸۰/۹/۱۱ مجلس شورای اسلامی آمده است: «۲- در این ماده واحده و تبصره‌های آن ضوابط و شرایطی لحاظ نشده که اجرای این طرح مانع آسیب به آمادگی رزمی شود؛ لذا مغایر اصل (۱۴۷) قانون اساسی شناخته شد.» برای آگاهی کامل از این نظر و سایر نظرات شورای نگهبان در این خصوص، بنگرید به: فتوحی، محمد و کوهی اصفهانی، کاظم، «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)»؛ جلد چهارم (اصول) ۱۱۳ تا ۱۷۷ قانون اساسی»، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۶، صص ۴۶۸-۴۷۳.

نیروهای مسلح، بار مالی دارد، ولی در آن مواردی که این سازمان عکس‌ها و نقشه‌ها را دارد، دیگر بار مالی ندارد. این ماده، می‌خواهد بگوید که اگر سازمان جغرافیایی، عکس و نقشه‌ای دارد، آن عکس‌ها را به سازمان ثبت بدهد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، بحث دادن عکس و نقشه نیست.

آقای علیزاده - ایراد بار مالی که رأی آورد.

آقای سلیمی - ایراد بار مالی در این ماده که وجود ندارد؛ چون همه‌ی نقشه‌ها موجود است.

آقای سوادکوهی - نه، نقشه‌های سه‌بعدی را ندارند.

آقای علیزاده - خب می‌توانید به این قسمت، رأی مغایرت ندهید. من که نمی‌گویم حتماً شما باید به بار مالی این ماده رأی بدهید. اما اینکه می‌گویید این ماده گفته است سازمان جغرافیایی، نقشه‌های موجودش را به سازمان ثبت بدهد، درست نیست؛ چون این مطلب را نمی‌گویید این ماده گفته است [سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح بر اساس درخواست سازمان ثبت] باید نقشه‌های امکان را تهیه کند.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی هر نقشه‌ای که به آن نیاز بود، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح باید به سازمان ثبت ارائه بدهد؛ مثلاً اگر سازمان ثبت نیاز دارد که از فلان مکان امنیتی، نقشه تهیه کند این سازمان باید آن را برای سازمان ثبت انجام دهد.

آقای ابراهیمیان - اصل (۱۴۷) قانون اساسی می‌گوید: «دولت باید در زمان صلح، از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند ...»^۱ فقط همین را می‌گوید. اصل استفاده از افراد و تجهیزات فنی نظامی که عیبی ندارد.

آقای علیزاده - همه‌ی متن این اصل را بخوانید.

آقای ابراهیمیان - آنچه را از اصل می‌خوانیم که شاهد بر مطلب است.

آقای علیزاده - ما قسمت آخر این اصل را هم می‌خوانیم که می‌گوید نباید به آمادگی رزمی و نظامی، آسیبی برسد.

آقای ابراهیمیان - تهیه عکس و نقشه که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی نمی‌رساند. ماده (۱۰) به سازمان جغرافیایی

۱. اصل یکصد و چهل و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «دولت باید در زمان صلح، از افراد و تجهیزات نظامی فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی، استفاده کند در حدی که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نیاید.»

آقای سوادکوهی - بله، همین مطلب را ایراد بگیرد.

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاً ماده (۱۰) گفته است که سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح به موجب درخواست سازمان ثبت اقدام کند؛ یعنی هر جایی که سازمان ثبت درخواست کرد، سازمان جغرافیایی باید عکس‌ها را تهیه بکند و به سازمان ثبت ارائه بدهد.

آقای علیزاده - مجلس باید این ماده را مقید کند.

آقای سوادکوهی - خب، این ایراد رأی آورد.

آقای علیزاده - پس می‌گوییم که «این ماده، باید با توجه به قسمت اخیر اصل (۱۴۷) قانون اساسی مقید گردد و الاً خلاف اصل مذکور است.»

آقای ره‌پیک - تکلیف ایراد مغایرت این ماده با اصل (۱۱۰) چه شد؟

آقای هاشمی شاهرودی - تبصره‌ی ماده (۱۰) هم این اشکال را حل نکرده است. در تبصره، انتشار اطلاعات نظامی و امنیتی را مقید کرده است، نه اصل عکس‌برداری را. اصل عکس‌برداری هم باید در یک جاهایی ممنوع باشد.

آقای علیزاده - بله، انتشار اطلاعات نظامی [و امنیتی مقید شده است].

آقای هاشمی شاهرودی - انتشار عکس، غیر از اصل عکس‌برداری است. این تبصره می‌گوید وقتی که عکس گرفتید، آن را منتشر نکنید، بلکه به دست مراجع ذی‌ربط بدهید تا آن را منتشر کنند. این اصلاً یعنی چه؟!

آقای علیزاده - اصلاً نیازی نیست که از برخی اماکن عکس بگیرند.

آقای ابراهیمیان - ایرادهای ما باید بر یکی از اصول و مفاهیم بنیادین قانون اساسی متکی باشد. الآن شما می‌خواهید ایراد عکس‌برداری در جاهایی که خلاف امنیت است را به چه چیزی مستند کنید؟

آقای ره‌پیک - با اصل (۱۱۰) مغایرت دارد. اینها جزء نیروهای مسلح هستند که داخل در اختیارات رهبری است.

آقای هاشمی شاهرودی - امور نظامی زیر نظر رهبری است؛ نمی‌شود بدون مجوز از فرماندهی کل قوا، عکس‌برداری کرد.

آقای علیزاده - این ماده، علاوه بر ایراد مداخله در اختیارات فرماندهی کل قوا، ایراد دیگری هم دارد. آن ایراد از این جهت است که اصلاً ممکن است خود گرفتن و دادن عکس از برخی اماکن اشکال داشته باشد؛ یعنی خود گرفتن عکس و حتی دادن

عکس، اشکال دارد؛ هر دو اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، در برخی جاها نوشته‌اند که عکس‌برداری از این اماکن ممنوع است.

آقای ابراهیمیان - این ایراد، به مفاهیمی مثل امنیت و تمامیت ارضی ارتباط دارد.

آقای سوادکوهی - یعنی می‌گویید که ما دیگر کاداستر نمی‌خواهیم!
آقای هاشمی شاهرودی - بله، در مسائل نظامی، کاداستر نمی‌خواهیم.

آقای علیزاده - چرا شما این‌طوری ما را خلع سلاح می‌کنید؟ ما که نمی‌گوییم همه‌جا حدنگاری ممنوع است و از هیچ‌جای ایران حدنگاری نشود. ما می‌گوییم مثلاً تأسیسات هسته‌ای فردو در قم یا مجتمع آب سنگین اراک استثنا بشود. ما می‌گوییم این تبصره، از این جهت ایراد دارد. یعنی اصلاً نباید عکس جاهای نظامی و امنیتی را به فرد یا سازمانی بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، درست است.

آقای اسماعیلی - عکس چه چیز را نباید بدهند؟! ببینید این مصوبه دارد چه می‌گوید؟ می‌گوید حدود جغرافیایی اماکن را به ما [= سازمان ثبت] بدهید. کار دیگری که ندارد. مثلاً می‌گویند حدود جغرافیایی فلان پادگان، از کنار این اتوبان به عقب تا فلان جا است.

آقای هاشمی شاهرودی - در اینجا گفته‌اند که از همه‌ی اینها عکس‌برداری بشود.

آقای مدرسی یزدی - این را برای من و شما نوشته‌اند که بدانیم این مکان، پادگان است.

آقای هاشمی شاهرودی - اتفاقاً باید بدانیم که اینجا پادگان است.

آقای علیزاده - آیا عکس و نقشه، همان حد و مرز است؟ این دارد می‌گوید عکس‌ها و نقشه‌های املاک و اماکن همه‌ی جاها تهیه شود.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای ابراهیمیان - البته الآن دیگران همه‌ی این عکس‌ها را دارند و هر روز دارند از آنجاها عکس می‌گیرند.

آقای اسماعیلی - بله، ولی ما الآن داریم به این کار مجوز می‌دهیم.

آقای ابراهیمیان - عرض ما این است که باید در این مصوبه، یک سازوکاری پیش‌بینی کنند تا امنیت حفظ شود؛ همین.

آقای مدرسی یزدی - حالا در مورد تبصره‌ی ماده (۲۰) هم

همان اشکال ماده (۹) را بنویسید؛ بنویسید گرفتن عکس و نقشه در جاهایی که خلاف امنیت است، ایراد دارد.

آقای علیزاده - بله، پس بگوییم که اطلاق دادن عکس‌ها و نقشه‌ها در مواردی که خلاف مصالح امنیتی یا نظامی باشد، خلاف قانون اساسی است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، خلاف اصل شرع است.

آقای مدرسی یزدی - بله، اصلاً بگوییم خلاف شرع است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، خلاف شرع است.

آقای ابراهیمیان - این کار، مصداق القای نفس در تهلکه^۱ می‌شود.

آقای علیزاده - حضرات آقایان فقها، به این حکم تبصره، ایراد دارید؟

آقای مدرسی یزدی - بله، به اطلاقش اشکال داریم.

آقای علیزاده - پایین‌تر از این ماده می‌گوید [که باید برای همه جا سند حدنگاری صادر شود]. ما از اینکه برای اماکن و املاک حدنگاری بشود، مخالف نیستیم؛ حدنگاری کنند و سند هم بگیرند، منتها با رعایت مصالح امنیتی.

آقای رهپیک - یک بحث دیگری هم در اینجا وجود دارد. در انتهای تبصره‌ی ماده (۱۰) نوشته شده که انتشار اطلاعات نظامی و امنیتی ممنوع است؛ این حکم، یعنی چه؟ آیا انتشار آن اطلاعات، جرم است؟

آقای علیزاده - هر جایی که انتشار اطلاعات [بر اساس قانون] جرم باشد، جرم است و هر جایی که خلاف باشد، [تخلف اداری محسوب می‌شود].

آقای رهپیک - نه، این انتشار اطلاعات، عنوان مجرمانه ندارد.

آقای مدرسی یزدی - چرا دیگر.

آقای رهپیک - ما قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سرّی دولتی [مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۲۹ مجلس شورای ملی] داریم، ولی شرایط آن فرق می‌کند. الآن، اگر این انتشار اطلاعات نظامی و امنیتی جرم است، یعنی انتشار این اطلاعات را به عنوان جرم تلقی کرده‌اند، باید جرم‌انگاری بشود و مجازات آن مشخص بشود. اما اگر انتشار این اطلاعات، جرم نیست و تخلف اداری است، این را هم باید مشخص کنند. الآن این تبصره، ابهام دارد. صرف ممنوعیت که معنی ندارد.

آقای علیزاده - حالا ما چه بگوییم؟ هر کدام که باشد، ما چه ایرادی می‌توانیم بگیریم؟

۱. «وَلَا تُقَالُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ؛ خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید.» سوره‌ی بقره، آیه (۱۹۵).

آقای رهپیک - نمی‌شود. خب، الآن این تبصره ابهام دارد.
آقای علیزاده - ما باید بگوییم که انتشار اطلاعات نظامی و امنیتی جرم است؟!

آقای رهپیک - نه، باید ابهام بگیرید. ما قبلاً به مشابه این مسئله هم ابهام گرفته‌ایم.

آقای علیزاده - اگر بگویند که انتشار اطلاعات تخلف است، آیا ما می‌توانیم بگوییم که این تبصره، اشکال دارد؟

آقای هاشمی شاهرودی - در قانون مجازات اسلامی، انتشار اطلاعات نظامی و امنیتی، ممنوع است و مجازات دارد.

آقای رهپیک - نه، در قانون مجازات چنین جرمی در مورد مسائل نظامی پیش‌بینی نشده است. در قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سرّی دولتی احکامی داریم، منتها آن هم شرایطی دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - با این تبصره، نمی‌شود انتشار این اطلاعات را جرم دانست.

آقای علیزاده - خب جرم نباشد؛ مگر ما باید بگوییم که انتشار این اطلاعات، حتماً باید جرم باشد! اگر بگویند انتشار اطلاعات نظامی، تخلف است، ایرادی دارد؟

آقای هاشمی شاهرودی - خلاصه، خلاف قانون اساسی نیست.
آقای رهپیک - ابهام بگیرید.

آقای علیزاده - ما باید ابهامی بگیریم که یک طرف آن ابهام، ایراد داشته باشد؛ باید به جایی ابهام بگیریم که یک طرف آن اشکال داشته باشد وگرنه ما که همین‌طوری نمی‌توانیم بگوییم که این تبصره، ابهام دارد.

آقای رهپیک - این تبصره، ابهام دارد. این مسئله، مربوط به حقوق مردم است. اگر فردا این اطلاعات نظامی منتشر شد، باید با آن فرد چه کار کنند؟ انتشار این اطلاعات، ممنوع است، ولی حالا که منتشر شده است با منتشرکننده چه کار کنند؟

آقای علیزاده - خب می‌گویند که این کار تخلف بوده است.

آقای رهپیک - این‌طوری که فایده ندارد.

آقای سوادکوهی - ماده (۵۰۱) قانون مجازات اسلامی.^۲

۲. ماده (۵۰۱) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵۰۱- هرکس نقشه‌ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور را عالماً و عامداً در اختیار افرادی که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند قرار دهد یا از مفاد آن مطلع کند به نحوی که متضمن نوعی جاسوسی باشد، نظر به کیفیت و مراتب جرم به یک تا ده سال حبس، محکوم می‌شود.»

آقای ره‌پیک - نه، این ماده اگر می‌خواهد بگوید که این کار جرم است و اگر می‌خواهد مرتکب را مجازات کند و یک ضمانت اجرایی برای آن بگذارد، باید دقیقاً آن را مشخص کند. صرفاً حکم تکلیفی ممنوعیت، یعنی چه؟!

آقای سلیمی - این ماده، مربوط به حکم نیست؛ حکم این ممنوعیت، [در قوانین] آمده است.

آقای ره‌پیک - نه، نیامده است.

آقای سلیمی - [پس حکم انتشار این اطلاعات چیست؟]

آقای ره‌پیک - هیچی؛ حکم انتشار این اطلاعات در هیچ جایی نیامده است.

آقای هاشمی شاهرودی - پس این ممنوعیت، لغو است.

آقای ره‌پیک - بله، لغو است.

آقای سلیمی - مثل این ممنوعیت‌های اخلاقی است.

آقای علیزاده - این کار، تخلف اداری است.

آقای ابراهیمیان - طبق عموماًت مربوط به تخلفات اداری، این رفتار خلاف قانون، تخلف محسوب می‌شود.

آقای ره‌پیک - بله، اگر انتشار آن در حوزه‌ی کاری باشد، تخلف اداری است.^۱

منشی جلسه - «فصل سوم- حدنگاری و نحوه صدور اسناد مالکیت حدنگار

ماده ۱۱- سازمان مکلف است ظرف مهلت پنج سال پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، کلیه اسناد مالکیت دفترچه‌ای را به اسناد مالکیت حدنگار تبدیل کند. برای این منظور، کلیه دارندگان اسناد مالکیت دفترچه‌ای، اعم از دستگاه‌ها و اشخاص خصوصی مکلفند در زمان‌بندی مشخصی که در هر منطقه به وسیله سازمان اعلام می‌شود، سند خود را به سازمان ارائه کنند.

تبصره- پس از اتمام مهلت پنج‌ساله مذکور و در صورت عدم مراجعه، دستگاه‌ها مجاز به ارائه خدمات مرتبط به اسناد مالکیت، به دارندگان اسناد مالکیت دفترچه‌ای نمی‌باشند.»

آقای ره‌پیک - این ماده، بار مالی ندارد؟

آقای سوادکوهی - بار مالی ندارد؟!

آقای علیزاده - ماده‌ی قبلی هم اشکال دارد؛ بار مالی دارد.

آقای جنتی - بله، بار مالی دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده هم بار مالی دارد.

آقای اسماعیلی - باید هزینه‌اش را هم معلوم کنند. الآن وقتی کسی بخواهد سند بگیرد، پولش را چند برابر از او می‌گیرند؛ یک پرینت می‌گیرند، صد و پنجاه هزار (۱۵۰,۰۰۰) تومان از مالک می‌گیرند!

آقای علیزاده - «ماده ۱۱- سازمان مکلف است ظرف مدت مهلت پنج‌سال پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، کلیه اسناد مالکیت دفترچه‌ای را به اسناد مالکیت حدنگار تبدیل کند...» مگر می‌تواند [در ظرف پنج سال چنین کاری بکند]؟! آخر این ماده، چقدر بار مالی دارد؟!

آقای هاشمی شاهرودی - تبصره‌اش اشکالی ندارد؟ این تبصره، خلاف حقوق مالکانه‌ی اشخاص نیست؟

آقای علیزاده - حالا ابتدا بفرمایید که ماده (۱۱) بار مالی دارد یا ندارد؟

آقای هاشمی شاهرودی - بار مالی دارد.

آقای علیزاده - بله، به نظر ما هم بار مالی دارد. این ماده نگفته است که سازمان ثبت باید از دارندگان اسناد مالکیت، پول بگیرد.

آقای اسماعیلی - ولی نگفته است که از آنها پول نگیرند.

آقای علیزاده - طبق ماده (۱۱)، سازمان ثبت باید ظرف مدت پنج سال بیاید و اسناد مالکیت دفترچه‌ای را به اسناد مالکیت حدنگار تبدیل کند.

آقای اسماعیلی - این ماده نگفته است که سازمان ثبت مجانی این کار را انجام دهد؛ می‌گوید پول انجام این کار را بگیرد.

آقای علیزاده - کجا نوشته است [در قبال انجام این کار پول می‌گیرند]؟! این ماده می‌گوید که سازمان ثبت ظرف مدت پنج سال این کار را انجام بدهد. این کار، آدم [= نیروی انسانی] می‌خواهد، کاغذ می‌خواهد، مدارک می‌خواهد. در هیچ‌جا هم نگفته است که در قبال گرفتن پول، این کارها انجام شود. کجا چنین چیزی را گفته است؟!

آقای اسماعیلی - اگر می‌گفت که سازمان ثبت باید این کارها را مجانی انجام بدهد، آنها مجانی سند صادر می‌کردند. الآن، سازمان ثبت پول صدور سند را می‌گیرد. این ماده باید بگوید که این کارها باید مجانی باشد، تا بتوانیم به این ماده اشکال وارد کنیم.

آقای علیزاده - نه، اصل بر مجانی بودن خدمات در ادارات است.

۱. بند (۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان: «۲- ماده (۱۰)، باید به قسمت اخیر اصل (۱۴۷) قانون اساسی مقید گردد و آلاً مغایر اصل مذکور می‌باشد. همچنین اطلاق تجویز گرفتن عکس و نقشه در مواردی که خلاف مسائل امنیتی و نظامی باشد، اشکال دارد.»

آقای رهپیک - این تبصره، این را نگفته است.

آقای هاشمی شاهرودی - این را نگفته است.

آقای ابراهیمیان - می‌گوید در صورت عدم مراجعه، [به مالک خدماتی ارائه نمی‌شود].

آقای رهپیک - این عدم ارائه‌ی خدمات، بعد از اتمام این پنج سال است.

آقای علیزاده - آقای دکتر [ابراهیمیان]، این تبصره را قشنگ بخوانید.

آقای ابراهیمیان - «تبصره - پس از اتمام مهلت پنج‌ساله مذکور و در صورت عدم مراجعه، دستگاه‌ها مجاز به ارائه خدمات مرتبط به اسناد مالکیت به دارندگان اسناد مالکیت دفترچه‌ای نمی‌باشند.»

آقای علیزاده - این تبصره می‌گوید در صورت عدم مراجعه، ما دیگر خدماتی نمی‌دهیم.

آقای رهپیک - این تبصره ناقص است؛ باید بگوید که مالکان سند دفترچه‌ای بعد از اتمام مهلت پنج‌ساله چه کار باید بکنند؟ مثلاً باید جریمه بپردازند یا باید دوباره برای گرفتن سند حدنگار اقدام کنند؟

آقای اسماعیلی - این تبصره می‌گوید که این خدمات مرتبط با اسناد مالکیت را دیگر به مالک ارائه نمی‌دهیم.

آقای ابراهیمیان - می‌گوید در طول پنج سال به مالک سند دفترچه‌ای خدمات می‌دهم.

آقای علیزاده - اگر می‌گفت تا مادامی که صاحب ملک سند حدنگار نگرفته است، به او این خدمات را نمی‌دهیم، ایرادی نداشت؛ اما این تبصره این را نمی‌گوید، بلکه می‌گوید که اگر مالک، ظرف مدت پنج سال به سازمان ثبت مراجعه نکرد، دیگر به او خدمات ارائه نمی‌دهیم. پس، تکلیف صاحب ملک چه می‌شود؟

آقای اسماعیلی - تا مالک سند حدنگار را نگرفته باشد، به او خدمات نمی‌دهیم.

آقای رهپیک - نه، این‌طوری نمی‌شود. بعداً که این مصوبه به مرحله‌ی اجرا می‌رود، گیر ایجاد می‌کند. این تبصره به این شکل، مشکل دارد.

آقای مدرس‌ی یزدی - فعلاً این ماده، تکلیف را نگفته است؛ بعداً می‌گوید.

آقای علیزاده - پس لااقل ما بگوییم که این تبصره، ابهام دارد و تکلیف این صاحب سند، روشن نیست که چه می‌شود.

آقای مدرس‌ی یزدی - اصل نمی‌خواهد؛ این ماده، اطلاق دارد؛ به سازمان ثبت می‌گوید اسناد مالکیت را به مالک بده، چه مالک به سازمان ثبت پول بدهد یا ندهد.

آقای علیزاده - بله، آقایانی که می‌گویند این ماده بار مالی دارد، بفرمایند. «تبصره - پس از اتمام مهلت پنج‌ساله مذکور و در صورت عدم مراجعه، دستگاه‌ها مجاز به ارائه خدمات مرتبط با اسناد مالکیت، به دارندگان اسناد مالکیت دفترچه‌ای نمی‌باشند.»

آقای هاشمی شاهرودی - حکم این تبصره، باعث می‌شود که بعضی وقت‌ها، خلاف شرع صورت بگیرد؛ مثلاً وقتی مالک می‌خواهد زمینش را بفروشد، حق فروش به آن فرد نمی‌دهند.

آقای رهپیک - خب همین‌طور می‌شود.

آقای مدرس‌ی یزدی - این تبصره می‌گوید که دستگاه‌ها مجاز به ارائه‌ی خدمات مرتبط با اسناد مالکیت [به دارندگان اسناد مالکیت دفترچه‌ای نمی‌باشند]. خب، مالک می‌تواند زمینش را بفروشد؛ کسی که جلوی او را نگرفته است. این تبصره می‌گوید ما سند حدنگار به او نمی‌دهیم.

آقای هاشمی شاهرودی - مالک نمی‌تواند ملکش را بفروشد.

آقای رهپیک - این تبصره می‌گوید که دفترخانه‌ی اسناد رسمی مجاز نیست به آن سند توجه کند [و خدمات ارائه بدهد].

آقای ابراهیمیان - خب، این حکم که خوب است.

آقای مدرس‌ی یزدی - حتی اگر مالک، سند نداشته باشد، سازمان ثبت، به صاحب ملک خدماتی ارائه نمی‌دهد.

آقای هاشمی شاهرودی - آخر شما قبلاً به این موارد اشکال وارد می‌کردید!

آقای علیزاده - اگر من مالک سندم را به سند حدنگار تبدیل نکردم، هر سال برای من جریمه تعیین کنند، ولی نگویید که ما مالکیت شما را به رسمیت نمی‌شناسیم.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای ابراهیمیان - این تبصره، اشکالی ندارد. اتفاقاً حکم این تبصره، خیلی خوب است؛ ضمانت اجرایی خوبی است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، چرا؟! ارائه‌ی خدمات مرتبط با اسناد مالکیت، یعنی هر کاری که مالک می‌خواهد انجام بدهد؛ مثل اینکه می‌خواهد زمینش را بسازد، یا اینکه می‌خواهد زمینش را بفروشد.

آقای ابراهیمیان - این تبصره به مالک می‌گوید اول برو و سند مالکیت را عوض کن، بعد بیا و خدمات بگیر.

که مالک سند دفترچه‌ای به سازمان ثبت مراجعه نکند و سند حدنگار نگیرد، به او خدماتی ارائه نمی‌شود. یعنی مدتش فرق دارد. این تقیید به او است؛ یعنی به مالک زمین می‌گوید اگر اقدام به گرفتن سند حدنگار نکنی، دستگاه‌ها به تو خدماتی ارائه نمی‌دهند.

آقای مدرس‌ی یزدی - یعنی در این پنج سال ارائه‌ی خدمات به مالکان سند دفترچه‌ای را اجازه می‌دهد، اما بعد از گذشت این پنج سال، تنها در صورتی به مالک خدمات ارائه می‌شود که برای گرفتن سند حدنگار اقدام کند.

آقای ره‌پیک - این چه حرفی است؟! کجای این تبصره این حرف را زده است!؟

آقای ابراهیمیان - ظاهر تبصره، این است.

آقای ره‌پیک - تفسیرهای عجیب و غریبی است! اصلاً عبارت «و در صورت عدم مراجعه»، قیدی برای انقضای مهلت پنج سال است.

آقای هاشمی شاهرودی - معلوم است.

آقای مدرس‌ی یزدی - ابدأ این طور نیست. یعنی شما می‌فرمایید از حالا تا پنج سال آینده باید به سازمان ثبت مراجعه کند!؟

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای ره‌پیک - اگر در این مدت پنج سال به سازمان ثبت مراجعه کرد، دستگاه‌ها به مالک خدمات ارائه می‌دهند.

آقای مدرس‌ی یزدی - قطعاً معنای این تبصره، این نیست.

آقای ره‌پیک - «پنج سال»، غایت مراجعه به سازمان ثبت است.

آقای مدرس‌ی یزدی - خوب، آن عیبی ندارد.

آقای علیزاده - ما همان را می‌گوییم؛ ما باید بگوییم که در این صورت، تکلیف مالک را مشخص کنید؛ تکلیف این عبارت را مشخص کنید.

آقای مدرس‌ی یزدی - شما عبارت ایراداتان را بگویید تا ببینیم ایراداتان چیست.

آقای هاشمی شاهرودی - در تبصره‌ی این ماده آمده است که در ظرف این پنج سال، کلیه‌ی دارندگان اسناد مالکیت دفترچه‌ای، باید به سازمان ثبت مراجعه کنند. اینکه می‌گوید: «و در صورت عدم مراجعه»، یعنی عدم آن مراجعه‌ای که در ماده گفتیم.

آقای ره‌پیک - همین دیگر.

آقای مدرس‌ی یزدی - نه.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی، مالک باید در ضمن پنج سال

آقای ره‌پیک - بله، روشن نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - این طوری مالک نمی‌تواند هیچ کاری بکند و از همه چیز ساقط می‌شود.

آقای مدرس‌ی یزدی - این تبصره می‌گوید به مالک شرعی این ملک، خدمات نمی‌دهیم!

آقای ره‌پیک - خوب، مالک به هر جایی که برود، به او می‌گویند که به تو خدمات ارائه نمی‌دهیم. این تبصره، نگفته است که مالک بعد از پنج سال برود و سند حدنگار را بگیرد؛ می‌گوید که اگر مالک تا پنج سال، سند مالکیت حدنگار را گرفت، به او خدمات ارائه می‌دهیم، ولی اگر در طی این مهلت، سند حدنگار را نگرفت، دیگر هیچ خدماتی به او ارائه نمی‌شود.

آقای ابراهیمیان - این تبصره که گفته است در صورت عدم مراجعه، دستگاه‌ها مجاز به ارائه‌ی خدمات نیستند، مربوط به بعد از انقضای پنج سال است.

آقای هاشمی شاهرودی - این حکم، اجحاف به مالک است. شما قبلاً به چنین مواردی اشکال می‌گرفتید.

آقای ابراهیمیان - این عبارت، واو دارد؛ گفته است: «... و در صورت عدم مراجعه...»

آقای هاشمی شاهرودی - تا مدت پنج سال به مالک خدمات ارائه می‌شود.

آقای ابراهیمیان - نه، این حکم، مربوط به بعد از انقضای مهلت پنج‌ساله است؛ پس از اتمام مهلت پنج‌ساله خدمات ارائه نمی‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، آن که معنی ندارد؛ اگر منظور این باشد که در صورت مطلق عدم مراجعه، خدمات ارائه نمی‌شود، که دیگر این تبصره معنی ندارد.

آقای ابراهیمیان - نه، منظور این است که اگر شما به سازمان ثبت مراجعه کنید، آنها می‌توانند به شما سند حدنگار تحویل بدهند.

آقای علیزاده - این تبصره می‌گوید پس از اتمام مهلت پنج‌ساله، دیگر خدماتی ارائه نمی‌شود.

آقای ابراهیمیان - نه، یک فرض دیگر هم هست. عبارت «و در صورت عدم مراجعه»، یعنی اگر مهلت پنج‌ساله‌ی شما تمام شد و شما مجدداً برای گرفتن سند، به سازمان ثبت مراجعه نکردید خدماتی به شما ارائه نمی‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - این برداشت که معنی ندارد.

آقای ابراهیمیان - یعنی بعد از گذشتن این پنج سال، تا مادامی

به سازمان ثبت مراجعه کند.

آقای مدرس یزدی - نه.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا نه؟ واضح است، روشن است؛
والا تعیین مهلت، لغو است.

آقای علیزاده - حکم این تبصره، دو تا شرط دارد. یکی گذشت
مهلت پنج ساله، یکی هم عدم مراجعه به سازمان ثبت در این
پنج سال.

آقای هاشمی شاهرودی - احسنت.

آقای علیزاده - [تکلیف فرض عدم تحقق این دو شرط] روشن
نیست.

آقای مؤمن - نه، مبهم نیست.

آقای یزدی - این تبصره می‌گوید اگر شما در مهلت پنج سال،
به سازمان ثبت مراجعه نکردی، دیگر با این سند نمی‌توانی وام
بگیری یا با این سند دیگر نمی‌توانی کاری انجام دهی.

آقای هاشمی شاهرودی - احسنت.

آقای علیزاده - خب بعد این سؤال مطرح می‌شود که وقتی
مالک بخواهد سندش را به سند حدنگار تبدیل کند، آیا باید به
سازمان ثبت برود یا نه؟ این تبصره، یک مهلت پنج ساله داده
است تا مالک، سند را تبدیل کند. این ماده به مالک می‌گوید که
بر اساس برنامه‌ی زمان‌بندی شده، باید بیایی و سند ملک را
تبدیل کنی، ولی اگر در این مدت، مراجعه نکردی، بعد از آن
دیگر هیچ خدمتی به تو ارائه نمی‌شود.

آقای یزدی - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره می‌گوید باید اسناد
مالکیت دفترچه‌ای را به اسناد حدنگار تبدیل کنی، ولی اگر این
کار را نکردی، دیگر هیچ خدمتی به شما ارائه نمی‌دهیم؛ این
یعنی چه؟

آقای رهپیک - این عبارت، ناقص است.

آقای هاشمی شاهرودی - این مطلب، ناقص است.

آقای رهپیک - بله، ناقص است.

آقای یزدی - این تبصره می‌گوید شما باید در ظرف مدت پنج
سال، سند مالکیت کاغذی را به سند مالکیت حدنگار تبدیل
کنی، اما اگر این کار را نکردی، با این سند کاغذی دیگر
نمی‌توانی وام بگیری یا آن سند را در رهن بگذاری.

آقای هاشمی شاهرودی - خب بعد مالک چه کار کند؟

آقای رهپیک - بله، بعد از این مدت چه کار کند؟

آقای علیزاده - حضرات آقایان، ما که این همه ایراد به این

مصوبه گرفتیم، اجازه بدهید تا به مجلس بگوییم که مقصود
خود از این تبصره را روشن کند تا ما بتوانیم نسبت به آن اظهار
نظر کنیم.

آقای رهپیک - بله، حداقل ابهام بگیریم که منظور این تبصره
مشخص بشود.

آقای ابراهیمیان - بگویید آیا مطابق این تبصره، حق مالک از
جهت مطالبه‌ی سند جدید سلب می‌شود یا نه؟ از این حیث،
این تبصره ابهام دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - تکلیف مالک چیست؟

آقای علیزاده - بله، می‌گوییم «باید مقصود از عدم مراجعه
روشن بشود، تا اظهار نظر ممکن گردد.» بحث این ماده هم
تمام شد. آقایانی که به این ایراد رأی می‌دهید، رأی بدهید.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، رأی می‌دهیم.

آقای شب‌زنده‌دار - در مورد این تبصره، دو تا مطلب مطرح
بود. یکی این مطلب حاج‌آقای شاهرودی بود، یکی هم این
مطلب بود که این عبارت «و در صورت عدم مراجعه»، یعنی
چه؟ خب، الآن منظورتان کدام یک از این دو مطلب است؟

آقای مؤمن - نه، [منظور از عبارت «در صورت عدم مراجعه»]،
پس از اتمام مهلت پنج ساله است.

آقای شب‌زنده‌دار - الآن که رأی گرفتید، این رأی‌گیری برای
ابهام بود؟

آقای هاشمی شاهرودی - اگر آن ابهام حل شد، آن ایراد هم
درست می‌شود.

آقای رهپیک - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - الآن باید بگویند که اگر مالک سند
دفترچه‌ای [بعد از مدت پنج سال، به سازمان ثبت] مراجعه کند،
به او سند حدنگار را می‌دهند.

آقای سلیمی - هر وقت به سازمان ثبت مراجعه کند، سند
حدنگار را به مالک ارائه می‌دهند.

آقای علیزاده - خب این تبصره می‌گوید مادامی که مالک
سندش را اصلاح نکرد، دیگر هیچ دستگامی [از جمله سازمان
ثبت] به او خدمات ارائه نمی‌دهد.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر معنای این ماده این باشد که
مالک می‌تواند برود و سندش را تبدیل کند، و سازمان ثبت هم
به او سند حدنگار می‌دهد که این ماده اشکالی ندارد. آقای
شب‌زنده‌دار، اگر مجلس این موضوع را روشن کند، دیگر آن
ایراد هم رفع می‌شود. آقای شب‌زنده‌دار، اگر این ابهام با

کرد، ولی هنوز زمین‌های بدون سند باقی مانده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، هنوز هم زمین‌های بدون سند، باقی مانده است.

آقای علیزاده - در اینجا هم الان ما داریم برای مردم یک قانونی می‌گذاریم و می‌گوییم که ظرف پنج سال، باید به سازمان ثبت مراجعه کنید. این مسائل، تمام فساد دستگاه‌های اداری را به وجود می‌آورد؛ این قبیل احکام، پدر مردم را هم در می‌آورد؛ چون دستگاه‌ها خدماتی به مردم ارائه نمی‌دهند. به مردم می‌گویند که اگر می‌خواهی من سازمان ثبت، این سند را به تو بدهم، باید این قدر پول بدهی یا فلان درصد از قیمت زمین را بدهی تا من این سند را به تو بدهم. شما مسئولان اجرایی را آدم‌هایی مثل آقا سید احمد خوانساری و آقای اراکی فرض می‌کنید که در سازمان ثبت نشسته‌اند و مردم به اینها می‌گویند که سند ملک ما را بدهید. فکر این بدبختی‌های مردم را هم بکنید.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا علاوه بر اینکه این تبصره ابهام دارد، اشکال هم دارد.

آقای علیزاده - بله، با فرض رفع این ابهام، باز هم همین قرار دادن این مدت پنج سال، هزار جور بلا به سر مردم می‌آورد. الان اگر کسی بخواهد ملکش را تفکیک کند، برایش وقت کارشناسی تعیین می‌کنند. اگر آن شخص بخواهد که یک وقت نزدیک‌تر برایش تعیین کنند، چقدر می‌گیرند تا وقت نزدیک‌تر تعیین کنند؟ حالا شما می‌گویید سند حدنگار برای املاک صادر بشود، که خب خیلی خوب است، اما باید بدانیم که دنبال این کار خیلی خوب، خیلی چیزهای بد هم خوابیده است.

آقای هاشمی شاهرودی - درست است.

آقای ابراهیمیان - اگر مالکی سند دفترچه‌ای داشته باشد، این تبدیل سند به سند حدنگار، خیلی مشکلی نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا مشکل نیست؟

آقای علیزاده - از ناحیه‌ی تبدیل‌کننده، مشکل هست.

آقای ابراهیمیان - اگر مالک، سند دفترچه‌ای نداشته باشد، مثل

اصلاح عبارت رفع بشود، خب مالک می‌رود و سندش را تبدیل می‌کند و خدمات دریافت می‌کند.

آقای ره‌پیک - سؤال دیگر این است که آیا این تعبیر «دستگاه‌ها»، شامل دادگاه هم می‌شود؟ اگر دادگاه هم نمی‌تواند به سند دفترچه‌ای رسیدگی بکند، اشکال دارد.

آقای شب‌زنده‌دار - خب نه، آن مالک در دادگاه هم سند ندارد دیگر. اثری بر این سند بار نمی‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - اشکالی ندارد. آن سندها، اعتباری ندارد.

آقای ره‌پیک - این طوری که نمی‌شود. یعنی می‌فرمایید این دستگاه‌هایی که در تبصره می‌گوید مجاز به ارائه‌ی خدمات نمی‌باشند، شامل دادگاه‌ها هم می‌شود؟! اگر این دستگاه‌ها شامل دادگاه هم بشود، درست نیست. اگر در یک دعوی مالکانه، مالک، یک سند کاغذی دارد ولی ما بگوییم دادگاه هم نمی‌تواند به دعواش رسیدگی بکند، درست نیست.

آقای ابراهیمیان - چرا دیگر، شامل می‌شود؛ و آلا اگر قرار باشد دادگاه‌ها وارد چنین دعاوی بشوند، [حکم ذیل این تبصره بی‌فایده می‌شود].

آقای علیزاده - گاهی در تقنین به اجمال یک چیزی می‌نویسیم و ضمانت اجرایی هم در آن می‌گذاریم که با آن مردم آسیب می‌بینند. گاهی با این قبیل عبارات قانونی، کاری می‌کنیم که دیگر به صاحب ملک، سند جدید نمی‌دهند و هزار جور مشکل برای آن مالک به وجود می‌آید و دیگر به آن فرد خدماتی داده نمی‌شود. ما در این دستگاه‌ها بوده‌ایم و اینها را می‌دانیم. الان این تبصره می‌گوید ظرف مدت پنج سال، مالکان اسناد دفترچه‌ای برای تبدیل سندشان به سند حدنگار به سازمان ثبت مراجعه کنند [ولی می‌دانیم که خیلی از مردم مراجعه نمی‌کنند]. من در جریان ماده (۱۴۸) قانون ثبت اسناد و املاک^۱ بوده‌ام؛ با اینکه مجلس چند بار این قانون را تمدید

۱. ماده (۱۴۸) قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی: «ماده ۱۴۸- در هر حوزه ثبتی هیئت یا هیئت‌هایی به عنوان هیئت حل اختلاف در ثبت تشکیل می‌شود. اعضاء این هیئت عبارتند از یکی از قضات دادگستری به انتخاب رئیس قوه قضائیه و رئیس ثبت یا قائم‌مقام وی و یک نفر خبره ثبتی به انتخاب رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور. نحوه تشکیل جلسات و اختیارات هیئت و سایر موارد اجرایی آن مطابق آیین‌نامه این قانون خواهد بود. هیئت مذکور می‌تواند برای کشف واقع از خبرگان امور ثبتی استفاده کند و همچنین با تحقیقات و یا استماع گواهی شهود رأی خود را صادر نماید.

→ رأی مذکور به وسیله ثبت محل به طرفین ابلاغ می‌شود. در صورت عدم وصول اعتراض ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ رأی، ادارات ثبت مکلف به اجرای آن می‌باشند در صورت وصول اعتراض معترض به دادگاه هدایت می‌شود، رسیدگی به این اعتراضات در دادگاه خارج از نوبت خواهد بود.
تبصره ۱- «...».

آقای عزیزاده - شما آخر این طرف قضیه را نمی‌گویید؛ شما یک فرضی را می‌گویید، من یک فرض دیگری را.

آقای ره‌پیک - حالا به اصل مسئله‌ی حدنگار که کسی اشکالی وارد نمی‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، می‌گویند بعد از رفع ابهام، این ملاحظات را بکنید.

آقای جنتی - این بحث، تمام شد دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، به این تبصره ابهام گرفتیم دیگر.

آقای ره‌پیک - نه، آن اشکالی که مربوط به دادگاه بود، غیر از ابهام این تبصره است.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا بعداً که ابهام تبصره رفع شد، این موضوع را بررسی می‌کنیم.

آقای ره‌پیک - نه، اگر تعبیر «دستگاه‌ها» سر جایش باقی بماند، اشکال باقی است؛ چون این اشکال دادگاه، غیر از آن اشکال است. اگر تعبیر «دستگاه‌ها» سر جایش باقی بماند، اشکال باقی است. اینکه بگوییم دادگاه هم نمی‌تواند این سند را به عنوان یک مستند بپذیرد، خود این یک موضوع دیگری است.

آقای عزیزاده - اگر به همه‌ی مردم ایران یا تهران بگویند که ما زمان‌بندی می‌کنیم که مثلاً ظرف مدت شش ماه باید لباستان را عوض کنید و این‌طوری لباس بپوشید، ببینید چقدر برای مردم زحمت ایجاد می‌کند. این هم که بگویند هر کسی سند مالکیتی دارد، ظرف شش ماه باید آن را به تهران بیاورد، همین طور است. حتی این تبصره، مواردی را هم در برمی‌گیرد که به لحاظ وجود معاذیر قانونی یا اداری، تبدیل به سند حدنگار در این مدت ممکن نباشد. البته اشکال آقای ره‌پیک هم خوب است.

آقای ابراهیمیان - «دستگاه‌ها»، در [بند (۶) ماده (۱)] تعریف شده است. «دستگاه‌ها» در شرح اصطلاحات تعریف شده است. به این موضوع هم ایراد دارید یا نه؟

آقای عزیزاده - مثلاً من در مورد این ملک به این آقا سند معارض داده‌ام. در این صورت ما به هیچ‌کدام سند تک‌برگی نمی‌دهیم، اما من که سند مقدم دارم، بر بعضی از آنها مقدم هستم. شما باید در سازمان ثبت بوده باشید و کارکرده باشید تا بدانید چه اتفاقی می‌افتد. فردا، این مسائل هزار جور گرفتاری برای مردم ایجاد می‌کند.

آقای یزدی - بالاخره، حکم ذیل این تبصره، الغاء اعتبار سند است. من به خاطر اینکه سند کاغذی دستم است و هنوز نتوانسته‌ام به سند الکترونیکی تبدیل بکنم، به من، خدمات ارائه

اینکه قولنامه‌ای باشد، همیشه گرفتار است؛ چه با آن سند، چه بدون آن.

آقای سلیمی - آقای ابراهیمیان، باید چه کار کرد؟ ما که نمی‌توانیم از دیگر کشورها عقب بمانیم، این کار، یک چیز ضروری برای کشور است.

آقای هاشمی شاهرودی - بایستی قانون به نحو صحیح وضع بشود.

آقای عزیزاده - همین دیگر، شما می‌دانید تبدیل سند ظرف مدت پنج سال، چقدر هزینه ایجاد می‌کند؟

آقای سلیمی - می‌دانم؛ هشتصد و پنجاه [میلیارد تومان].

آقای هاشمی شاهرودی - بگویند مثلاً دارندگان سند دفترچه‌ای به دادگاه بروند، اگر دادگاه آن سند را تصدیق کرد، آن سند قبول بشود، یا اینکه اگر دفترچه‌ی مالک، اصل بود، آن سند قبول بشود. یک کاری، یک راهی برای دارندگان آن سند باز کنند.

آقای عزیزاده - مجلس دارد با این تبصره، یک سند رسمی را از اعتبار می‌اندازد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، به خاطر یک کار دیجیتالی، سند رسمی را از اعتبار می‌اندازد.

آقای عزیزاده - همین الآن که سند تک‌برگی به وجود آمده است، هر وقت مردم کاری داشته باشند، می‌گویند باید بروید و سندتان را تک‌برگی کنید. سازمان ثبت می‌گوید پنجاه هزار (۵۰,۰۰۰) تومان بده تا من این سند یک‌برگی را به تو بدهم. حالا گاهی هم اصلاً برای مردم نمی‌ارزد که به دنبال گرفتن سند جدید بروند. آقای دکتر اسماعیلی می‌گوید که سازمان ثبت پول می‌گیرد و فردا سندهای حدنگار را برای مردم صادر می‌کند. بله، همین‌طور است. به مردم می‌گویند که دویست هزار (۲۰۰,۰۰۰) تومان بده تا من سند دیجیتالی به تو بدهم. خب زمین آن دهاتی، اصلاً دویست هزار (۲۰۰,۰۰۰) تومان نمی‌ارزد [که بخواهد برای تبدیل سندش، این مقدار پول بدهد]. شما این مسائل را هم ببینید که در عمل به دست چه کسی می‌افتد.

آقای ابراهیمیان - رسیدگی به دعوای همان زمین دهاتی که چرا حد زمینش را به کوه متصل کرده است، بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) تومان برای دولت خرج دارد. خب یک زمانی این زمین، ارزش نداشته است. ولی الآن معلوم نیست که حد زمین فرد، پای کوه است، وسط کوه است، کجای کوه است؟ الآن شما می‌دانید که هزینه‌های دادرسی ما چقدر زیاد است؟

نمی‌شود که این کار، خلاف شرع است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این کار درست نیست.

آقای علیزاده - بله، این تبصره در آنجایی که منتهی به الغاء حقوق مالکیت بشود، و مانع استفاده از این حقوق بشود، ایراد دارد.

آقای یزدی - این تبصره، بیشتر از این تکلیف نمی‌کند که شما باید در ظرف این پنج سال، سند کاغذی را به سند الکترونیکی تبدیل کنی. اگر آن را تبدیل نکردید، من سازمان ثبت، دیگر به تو کمک نمی‌کنم و برای این سند دیگر اعتباری قائل نیستم. این مطلب یعنی چه؟ یعنی اینکه شما دیگر مالک نیستی؟! چرا، شما مالک هستی، ولی نمی‌توانی از این سند، استفاده‌ی مالکانه بکنی. من، الغاء اعتبار مالکیت از این سند رسمی سیم سربدار کاغذی را خلاف شرع می‌دانم.

آقای علیزاده - الغاء حقوق مالکانه.

آقای هاشمی شاهرودی - تعبیر «الغاء حقوق مالکانه»، خوب است.

آقای مدرسی یزدی - نه، این تبصره، حقوق مالکانه را الغاء نکرده است.

آقای یزدی - چرا؛ اگر من بعد از پنج سال، [سند زمین را به سند حدنگار تبدیل نکنم، این حقوق مالکانه، الغاء می‌شود؛ چون] من مالک، دیگر نمی‌توانم خدماتی دریافت کنم. اول باید سند را تبدیل کنم تا بعد بتوانم خدمات دریافت کنم.

آقای هاشمی شاهرودی - سازمان ثبت، دیگر نمی‌تواند خدماتی به مالک ارائه بدهد. این سند، مثل آن سند حدنگار نیست.

آقای یزدی - من اگر سندی دارم، این سند اعتبار دارد؛ هم بانک آن را قبول دارد، هم به من وام می‌دهد، هم می‌توانم با آن مهریه‌ی زخم را پرداخت کنم، هم می‌توانم هزار کار دیگر با آن انجام بدهم؛ ولی طبق این تبصره، باید در ظرف پنج سال این سند را به سند حدنگار تبدیل بکنم. اگر من در ظرف پنج سال نتوانستم که این سند را به حدنگار تبدیل کنم، دیگر این سند به هیچ دردی نمی‌خورد.

آقای علیزاده - آقایانی که می‌خواهند به این ایراد رأی بدهند، رأی بدهند. ما می‌گوییم: «... علاوه بر این، الغاء حقوق مالکانه‌ی اشخاص به این لحاظ که در این ماده آمده است، خلاف شرع است.»

آقای یزدی - بله، خلاف شرع است.

آقای ره‌پیک - این ایراد هم رأی آورد.

آقای شب‌زنده‌دار - اگر منظور این تبصره این [= الغاء حقوق مالکانه‌ی اشخاص] باشد، خلاف شرع است.

آقای هاشمی شاهرودی - منظور این تبصره همین است؛ یعنی بعد از پنج سال، هیچ دستگاهی مجاز نیست که خدمات ارائه کند.

آقای یزدی - این حکم، یعنی هیچ اثر شرعی برای آن سند مالکیت نیست.

آقای ره‌پیک - این اشکال، خوب است؛ اما چون این تبصره، شامل دادگاه هم می‌شود [باز هم اشکال دارد]. اشکال شرعی این تبصره را هم حل می‌کنیم، ولی مشکل دادگاه، هنوز باقی است.

آقای ابراهیمیان - اینجا [= بند (۶) ماده (۱)] دستگاه‌ها را تعریف کرده است. اگر «دستگاه‌ها»، شامل دادگاه نشود، [این تبصره، ایرادی ندارد]. عرضم این است که عبارت «دستگاه‌ها»، شامل دادگاه‌ها نمی‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا آن بحث دادگاه، یک اشکال دیگری است. بعداً هم می‌شود [این مسئله را بررسی کرد]. چون آن مسئله، یک اشکال دیگری است.^۱

منشی جلسه - «ماده ۱۲- چنانچه ملک، دارای سند رسمی مالکیت به نام متقاضی باشد و اطلاعات مندرج در درخواست و اسناد پیوست آن، با اطلاعات نظام جامع یکسان بوده و مغایرتی نداشته و درخواست معارضی نیز در مالکیت و یا حدود اربعه یا حقوق متعلق به ملک، از سوی غیر، واصل نشده باشد، سند مالکیت حدنگار برای آن ملک صادر می‌شود.

ماده ۱۳- در مواردی که اسناد مالکیت موجود با اطلاعات و نقشه‌های حدنگار مغایرت داشته و این امر ناشی از اشتباهات ثبتی باشد و خللی به حقوق هم‌جواران وارد نکند، هیئت نظارت ثبت استان (موضوع ماده (۶) قانون ثبت اسناد و املاک)^۲ با

۱. بند (۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان:

«۳- در تبصره ماده (۱۱)، مقصود از «عدم مراجعه» روشن گردد تا اظهار نظر ممکن شود. علاوه بر این، الغاء حقوق مالکانه اشخاص به عللی که در ماده و تبصره آمده، خلاف موازین شرع شناخته شد.»

۲. ماده (۶) قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ (اصلاحی ۱۳۵۱/۱۰/۱۸): «ماده ۶- برای رسیدگی به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبت اسناد و املاک در مقر هر دادگاه استان، هیئتی به نام نظارت مرکب از رئیس ثبت استان یا قائم‌مقام او و دو نفر از قضات دادگاه استان به انتخاب وزیر دادگستری تشکیل می‌شود. هیئت مزبور به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبتی در حوزه قضایی استان،

آقای رهپیک - شکایت به دیوان، طبق قاعده‌ی عمومی است؛ ولی این ماده گفته است که رأی صادر شده، قطعی است.

آقای علیزاده - رأی قطعی، در دیوان عدالت اداری، قابل شکایت است.

آقای ابراهیمیان - منظور، رأی قطعی در سلسله مراتب اداری است.

آقای سلیمی - آیا [ایجاد شعبه‌ی] شورای عالی ثبت، از اختیارات رئیس قوه‌ی قضائیه است؟ به نظرم، در این قسمت از این ماده هم اشکال وجود دارد. لزوم پیشنهاد رئیس سازمان ثبت [برای ایجاد شعبه‌ی شورای عالی ثبت]، اشکال دارد.

آقای علیزاده - نه، در قانون اساسی ایجاد شورای عالی ثبت که جزء اختیارات رئیس قوه‌ی قضائیه نیست. نه، این ماده از این جهت ایرادی ندارد. یعنی چون این یک کار اداری در سازمان ثبت است گفته‌اند که رئیس سازمان ثبت این پیشنهاد را به رئیس قوه‌ی قضائیه می‌دهد.

آقای شب‌زنده‌دار - من می‌خواستم احتیاطاً یک عرضی بکنم.

آقای رهپیک - یک اشکالی در تبصره (۱) هست. این تبصره می‌گوید: «در صورتی که مغایرت مذکور در این ماده، موجب کاهش حقوق صاحب سند شود و وی اعتراض نداشته باشد، مطابق ماده (۱۲) عمل می‌شود.» خب اگر ملک دولتی باشد، وضعیت چگونه می‌شود؟

آقای سلیمی - حق ندارد [اعتراض کند].

آقای رهپیک - این‌طور که نمی‌شود.

آقای علیزاده - مگر چه می‌شود؟

آقای رهپیک - ممکن است موجب کاهش حقوق صاحب سند شده باشد. دستگاه دولتی که نمی‌تواند اصلاً اعتراضی نکند. ما به آن دستگاه بگوییم که اعتراض نکن؟! این، مربوط به حقوق دولت است.

آقای علیزاده - خب نمی‌شود مردم را هم بلا تکلیف بگذاریم. هر وقت دولت خواست اعتراض کند، برود به آن رأی، اعتراض کند.

آقای رهپیک - اصلاً آن دستگاه دولتی یا آن سازمانی که در ملکش کاهش حقوق ایجاد شده است، می‌تواند اعتراض کند؟

آقای علیزاده - این تبصره، نمی‌خواهد این را بگوید. الآن با توجه به محاسبات دستی که انجام داده‌اند، مثلاً گفته‌اند که مساحت این ملک (۳۲۲) متر است، اما وقتی که بر اساس حدنگاری محاسبه می‌کنند، می‌بینند که (۳۲۲) متر اشتباه بوده

رعایت موازین قانونی و با اخذ توضیح از ذی‌نفع و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و مجری طرح حدنگار (کاداستر) در شهرستان مربوط، نسبت به موضوع رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید. رأی صادر شده، قطعی است.

تبصره ۱- در صورتی که مغایرت مذکور در این ماده موجب کاهش حقوق صاحب سند شود و وی اعتراض نداشته باشد، مطابق ماده (۱۲) عمل می‌شود.

تبصره ۲- در استان‌هایی که ایجاد شعبه یا شعب دیگر از هیئت نظارت ثبت استان ضرورت داشته باشد، رئیس سازمان، آن شعبه یا شعب را با همان ترکیب اعضاء و اختیارات تأسیس می‌کند. همچنین در صورت ضرورت با پیشنهاد رئیس سازمان و تصویب رئیس قوه قضائیه، شعبه یا شعب دیگری از شورای عالی ثبت با همان ترکیب اعضاء و اختیارات ایجاد می‌شود و یکی از مدیران کل مسلط به امور ثبتی، با حکم رئیس سازمان جایگزین معاون املاک یا اسناد سازمان در شعب جدید آن شورا می‌گردد.»

آقای هاشمی شاهرودی - آیا این رأی هیئت نظارت، رأی قضایی نیست؟ ماده (۱۳) گفته است که رأی صادر شده، قطعی است؛ ظاهر این عبارت این است که مالک حتی به جای دیگر هم نمی‌تواند شکایت کند.

آقای سلیمی - نه، این رأی، اداری است.

آقای علیزاده - اگر رأی قطعی نباشد، اصلاً قابل شکایت نیست؛ چون رأی غیرقطعی قابل شکایت نیست. موقعی رأی قابل شکایت می‌شود که قطعی باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده نگفته است که این رأی، اداری است.

آقای علیزاده - چرا؛ پس الآن شورای عالی ثبت، [چگونه رأی می‌دهد؟]

آقای رهپیک - در ترکیب این شورا، دو تا قاضی وجود دارد، یک نفر هم به عنوان معاون ثبت، هست.

آقای علیزاده - الآن، رأی این شورا قابل شکایت است؛ به دادگستری می‌روند و از این رأی شکایت می‌کنند.

آقای رهپیک - به دادگستری نمی‌روند؛ به دیوان عدالت اداری شکایت می‌کنند.

آقای علیزاده - بله، به دیوان عدالت شکایت می‌کنند.

→

رسیدگی می‌نماید. برای این هیئت یک عضو علی‌البدل از قضات دادگستری یا کارمندان ثبت مرکز استان از طرف وزیر دادگستری تعیین خواهد شد.»

شخصی صادر می‌شود. این گونه که شما می‌فرمایید، نمی‌شود؛ چون در این صورت، مال دولت را به آن شخص داده‌ایم.

آقای علیزاده - بله.

آقای ره‌پیک - این کاهش حقوق صاحب سند، اطلاق دارد.

آقای مدرسی یزدی - در این تبصره، مجلس یک اختیاری به دولت داده است که از این مال بگذرد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه.

آقای ره‌پیک - چه طوری بگذرد؟ نمی‌شود که. این تبصره، این مطلب را نمی‌خواهد بگوید.

آقای مدرسی یزدی - اگر بگذرد، طوری که نمی‌شود.

آقای علیزاده - این چند تا ماده‌ای که در مورد مغایرت سند با نقشه‌های حدنگار است، یک بار دیگر بخوانیم. «ماده ۱۳- در مواردی که اسناد مالکیت موجود با اطلاعات و نقشه‌های حدنگار مغایرت داشته و این امر ناشی از اشتباهات ثبتی باشد و خللی به حقوق هم‌جواران وارد نکند، هیئت نظارت ثبت استان (موضوع ماده (۶) قانون ثبت اسناد و املاک) با رعایت موازین قانونی و با اخذ توضیح از ذی‌نفع و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و مجری طرح حدنگار (کاداستر) در شهرستان مربوط، نسبت به موضوع رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید. رأی صادرشده، قطعی است.

تبصره ۱- در صورتی که مغایرت مذکور در این ماده موجب کاهش حقوق صاحب سند شود و وی اعتراض نداشته باشد، مطابق ماده (۱۲) عمل می‌شود. یعنی همین که گفته است یک مغایرتی وجود دارد، منظور این است که به حقوق هم‌جوار صدمه‌ای نرزد است؛ یعنی با توجه به این حدنگاری، مقداری بر مساحت این ملک اضافه شده است و هم‌جوارها هم مال خودشان را در اختیار دارند. اما در جایی که بعد از حدنگاری می‌بینیم که حق این صاحب سند کاهش پیدا کرده است ...

آقای ره‌پیک - همین عبارت یعنی چه؟

آقای علیزاده - یعنی با توجه به حدنگاری، مساحت ملک فرد کم شده است. مثلاً در جایی که حق ارتفاق^۲ برای ملکی وجود داشته است، بعد از حدنگاری معلوم می‌شود که چنین چیزی درست نیست و حق ارتفاق ندارد، نه اینکه در واقع چیزی کاهش پیدا کرده باشد، بلکه طبق آن سند دفترچه‌ای، یک حقی وجود داشت که الآن دیگر وجود ندارد. در این موارد، اگر خود

است و مثلاً مساحت آن ملک، (۳۱۵) متر است و مساحت ملک، در واقع این مقدار نبوده است. این تبصره می‌گوید که حالا اگر این‌طور تفاوت مساحت در ملک پیدا شد و طرف مقابل هم هیچ اعتراضی به این موضوع ندارد، مطابق ماده (۱۲) عمل می‌شود. در چنین فرضی که مالک نمی‌گوید هم‌جوار من، یک مقدار از ملک من را گرفته است.

آقای ره‌پیک - «کاهش حقوق» یعنی چه؟

آقای علیزاده - معنایش همین است.

آقای ره‌پیک - نه دیگر، من همین مطلب را به آقای تویسرکانی^۱ گفتم. ایشان گفت که این تغییرات، به خاطر اشتباه ثبتی است و فقط عدد [مساحت زمین] عوض می‌شود.

آقای سلیمی - این‌طور، حق مالک را کم کرده است.

آقای علیزاده - در واقع، سند حدنگار حق مالک را کم کرده است.

آقای سلیمی - درست است.

آقای ره‌پیک - من به ایشان گفتم که حالا چرا تعبیر «کاهش حقوق» رانوشته‌اید؟ ایشان هم گفت که این، تعبیر خوبی نیست. کاهش حقوق یعنی چه؟ یعنی اگر یک ملک دولتی باشد و کاهش حقوق در آن ملک پیدا شد، آیا آن دستگاه دولتی حق دارد که بگوید من اعتراضی ندارم؟

آقای ابراهیمیان - نه، این ماده که نمی‌گوید دستگاه دولتی صلح بکند. اگر دستگاه دولتی اعتراضی نکند، نهایتاً این کار، تفویض حقوق عمومی است و خسارت به دولت است که تابع احکام خودش است. اسم این کار، صلح دعاوی دولتی نیست. اگر من دستگاه دولتی [که این ملک تحت ید من است] اعتراضی نکنم و به موقع اقامه‌ی دعوا نکنم، اسم این کار که صلح دعاوی دولتی نیست تا به مانعی برخورد بکند. وقتی که من به موقع اقامه‌ی دعوا نکردم، [این به معنی صلح دعاوی دولتی نیست].

آقای ره‌پیک - پس چه چیزی است؟

آقای ابراهیمیان - اگر الآن، یک اداره‌ی دولتی نیاید اقامه‌ی دعوا بکند و حقوقش را مطالبه نکند ...

آقای ره‌پیک - اصلاً بحث، در همین فرض است دیگر.

آقای ابراهیمیان - ... خسارت زده است و طبق عموماً ضامن است؛ اما نمی‌گوییم که صلح دعاوی دولتی صورت گرفته است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، سند مالکیت، به اسم آن مالک

۲. ماده (۹۳) قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ مجلس شورای ملی: «ماده

۹۳- ارتفاق، حقی است برای شخص در ملک دیگری.»

۱. احمد تویسرکانی راوری، رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.

اعتراض نداری و خودت هم می‌گویی که این محاسبه‌ی جدید، درست است، خب سندت را بگیر و برو.

آقای هاشمی شاهرودی - قانون در اینجا باید به مالک بگوید که اگر حق توسع، اعتراض کن.

آقای مدرسی یزدی - دستگاه دولتی صاحب سند ممکن است بگوید اصلاً این مقدار تغییر، ارزش ندارد. لذا این تبصره می‌گوید می‌توانی از این حق خودت بگذر. خب اگر قانون چنین چیزی را گفته باشد و به آن تصریح کرده باشد ایرادی ندارد.

آقای رهپیک - اصلاً حق دستگاه دولتی نیست که بخواهد از آن بگذرد.

آقای علیزاده - منظور این تبصره، همین است که من توضیح دادم. منظور این است که در سند سابق، یک چیزی آمده است که در واقع اصلاً وجود ندارد. این تبصره می‌خواهد این مطلب را بگوید. تبصره ناظر به ماده است و دارد این مطلب را می‌گوید.

آقای هاشمی شاهرودی - اطلاق این تبصره، آنجایی که یک حقی بوده است را هم شامل می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - خب باشد، مگر چه می‌شود؟

آقای علیزاده - در آن فرض هم قانون‌گذار می‌تواند بگوید که از حق خود بگذر. من قانون‌گذار به تو این اختیار را می‌دهم که از حق خودت بگذری.

آقای شب‌زنده‌دار - سؤالی که من داشتم این است که گاهی صاحب سند، غیر از مالک واقعی است که این موارد هم خیلی زیاد است.

آقای مدرسی یزدی - فراوان است.

آقای شب‌زنده‌دار - موارد فراوانی هست که صاحب سند، غیر از مالک حقیقی است.

آقای علیزاده - اول مالک حقیقی باید بیاید و سند را باطل کند.

آقای شب‌زنده‌دار - یک مطلب دیگر هم این است که همان‌طور که بارها گفته شده است، این اسناد، حجیت شرعی ندارد. این اسناد بما هُو سند، حجت شرعی نیست، مگر در جایی که از آنها برای انسان اطمینان حاصل بشود. حالا این تبصره می‌گوید که اگر صاحب سند، به این کاهش حقوق خود راضی است، عیبی ندارد؛ مثلاً راضی است که مقداری از مساحت ملک کم بشود. آن وقت، در این فرض جایز است که سند را به نام فرد هم‌جوار صادر بکنند، با اینکه مالک واقعی

صاحب سند هم اعتراضی نسبت به این موضوع نداشته باشد و مثلاً بگوید من اعتراضی ندارم و سندم حدنگاری‌ام را بدهید، ما هم سند را به او می‌دهیم.

آقای مدرسی یزدی - صاحب سند با این رضایت، از دست شما خلاص می‌شود.

آقای رهپیک - خیلی خب، اگر ملک شخصی باشد، ما حرفی نداریم. ما می‌گوییم که اگر این ملک، دولتی بود، چطور می‌شود؟

آقای علیزاده - ملک دولتی هم فرقی نمی‌کند؛ چون در اینجا، بحث وجود است. آنچه که اشکال دارد، مربوط به جایی است که دستگاه دولتی بخواهد با همسایه‌ی خود صلح کند، اما اینکه صلح دعای دولتی نیست.

آقای ابراهیمیان - آیا دولت می‌تواند تسلیم به دعوا بشود یا نه؟ مثلاً ما یک دعوی را علیه دولت طرح کردیم و گفتیم که اسناد متعارض، حکایت از این دارد که با توجه به این نقشه‌ی حدنگاری، مساحت ملک شما کمتر است.

آقای رهپیک - در آن فرض، باید به دادگاه مراجعه کنند تا به موضوع رسیدگی بشود؛ خود دولت که نمی‌تواند از حق خودش صرف نظر کند.

آقای ابراهیمیان - نه، اسم این کار، صلح است؛ این صلح دعوی نیست. این، یک تصمیم است. من اعتراضی نسبت به کاهش مساحت ملک ندارم؛ چون حق با شماست.

آقای مدرسی یزدی - اگر قانونی است، باید این حق را به آن فرد بدهد.

آقای ابراهیمیان - آنچه که این تبصره گفته است تا باعث شود حق صاحب سند تغییر نکند، برای این است که حدنگاری، قابلیت و این پتانسیل را داشته باشد [که حقوق صاحب سند را کاهش بدهد]، نه اینکه حقیقتاً این‌طور باشد. من صاحب سند، تسلیم هستم و می‌گویم که همه ادله به نفع طرف مقابل است و تا به حال [مساحت ملک من در این] سند، زیاد نوشته شده بوده است.

آقای علیزاده - در جمهوری اسلامی ایران، حکومت از سه تا قوه تشکیل می‌شود. الآن با این مصوبه، قوه‌ی مقننه می‌گوید در مواردی که چیزی در سندی نوشته شده ولی بعداً مشخص می‌شود که واقعاً آن چیز وجود ندارد و یا حالا در محاسبات جدید، مشخص می‌شود که کمتر از مقدار نوشته‌شده در سند است، به این نحو عمل کنید. به صاحب سند هم می‌گوید اگر

می‌گوید نه، این حق من است.

آقای علیزاده - حق مالک واقعی، باقی است. هر وقتی که حق خودش را اثبات کرد که خلاف سند است، بیاید و آن را بگیرد.

آقای شب‌زنده‌دار - الآن ما چه مجوزی داریم [که حق صاحب حقیقی ملک را از بین ببریم؟] طبق این تبصره، سند مالکیت برای غیر مالک واقعی ثبت می‌شود.

آقای علیزاده - این تبصره، نمی‌خواهد آن حق را از بین ببرد. [این حق، متعلق به غیر مالک] بوده است، الآن آن حق را به غیر مالک نمی‌دهند. الآن فقط می‌خواهند یک سند را تبدیل کنند.

آقای شب‌زنده‌دار - یعنی ما داریم برای آن سند، حجیت قائل می‌شویم دیگر؛ یعنی برای این سند که الآن مالک واقعی اش غیر از صاحب سند است حجیت قائل می‌شویم و به نام این مالک غیر واقعی سند صادر می‌کنیم.

آقای هاشمی شاهرودی - آن سند دومی [= سند حدنگار] هم به نام این فرد است و مالک واقعی آن ملک، آن فرد است.

آقای شب‌زنده‌دار - الآن این تبصره، دارد تصدیق سند به نام غیر مالک می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، الآن تبدیل سند صورت می‌گیرد. همان سند قبلی را به سند جدید تبدیل می‌کنند.

آقای علیزاده - یک سند جدید به صاحب سند نمی‌دهند؛ دارند آن را تبدیل می‌کنند.

آقای شب‌زنده‌دار - هم آن سند سابق اشکال داشت، هم این سند اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - سند سابق که اشکال نداشت.

آقای علیزاده - هر چه که در آن سند سابق بوده است، در این سند جدید هم هست؛ یعنی هر کاری که نسبت به آن سند می‌توانست انجام بدهد، نسبت به این سند هم می‌تواند انجام دهد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، هر کاری که می‌خواسته است نسبت به آن سند سابق انجام بدهد، الآن هم می‌تواند انجام دهد. مالک واقعی می‌تواند ثابت کند که مثلاً این شخص، ملکش را غصب کرده است.

آقای علیزاده - بله، نسبت به این سند جدید هم می‌تواند چنین ادعایی بکند.

آقای شب‌زنده‌دار - فرض کنید مثلاً یک منزلی مال من است، ولی به اسم خانواده‌ی من است. الآن خانواده‌ی من می‌گوید من نسبت

به کاهش حقوق راضی هستم، ولی من که راضی نیستم.

آقای علیزاده - این ماده تکلیف مالکیت سند را روشن نمی‌کند؛ این ماده، فقط دارد سند را تبدیل می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، فقط تبدیل سند می‌کند.

آقای علیزاده - حرف این است که هر چه که می‌شد طبق آن سند انجام داد، طبق این سند هم می‌توان انجام داد. آن اطلاعاتی که در آن سند وجود داشت، می‌تواند در همین سند هم وجود داشته باشد. آن زمان، مالک نسبت به یک نفر اعتراض داشت، الآن نسبت به دو نفر اعتراض دارد.

منشی جلسه - «ماده ۱۴- هر گاه بین مالکان مجاور در مورد مساحت، حدود و حقوق املاک مندرج در سند اختلاف باشد، در صورتی که با یکدیگر به صورت رسمی مصالحه کنند، می‌توانند درخواست خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم نمایند. اداره مذکور پس از تنظیم صورت‌مجلس اصلاحی، مکلف به ثبت اصلاحات در نظام جامع و صدور اسناد جدید است.

تبصره ۱- در مواردی که بین مالکان، محجور یا ورشکسته‌ای باشد، تنظیم صورت‌مجلس اصلاحی، ثبت در نظام جامع و صدور سند جدید، منوط به صدور حکم قطعی از دادگاه است.

تبصره ۲- در صورتی که ملک ثبت‌شده در بازداشت یا رهن بوده یا ممنوع‌المعامله باشد، اجرای حکم این ماده، منوط به موافقت رسمی ذی‌نفع است.

تبصره ۳- در مواردی که برای ملک، معارضی وجود داشته یا بین مالکان مجاور در مورد مساحت، حدود و حقوق املاک اختلاف باشد و با یکدیگر به توافق نرسند، صدور سند مالکیت حدنگار تا وصول حکم قطعی مرجع صالح، متوقف می‌شود.»

آقای ره‌پیک - صدر ماده (۱۴) اشکالی ندارد؟ این ماده، در مورد مصالحه با مالکان مجاور است. حالا اگر این ملک، ملک دولتی باشد، چطور می‌شود؟ این مصالحه، خلاف اصل (۱۳۹) قانون اساسی نیست؟

آقای علیزاده - این ماده گفته است که وقتی مالکان مجاور، با یکدیگر به صورت رسمی مصالحه می‌کنند، به دفترخانه مراجعه کنند. در مورد ملک دولتی، مصالحه را بدون آن [تمهیدات مذکور در اصل (۱۳۹)] قبول نمی‌کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، بدون آن، مصالحه در مورد املاک دولتی را قبول نمی‌کنند.

آقای ابراهیمیان - بله.

آقای علیزاده - سند در صورتی رسمی می‌شود که نزد مرجع قانونی و مطابق قانون، تنظیم شده باشد. در این فرض [=

فرض انجام ندادن تشریفات مقرر در اصل (۱۳۹)، مطابق قانون، سند رسمی صادر نمی‌شود. لذا این ماده، ایرادی ندارد.

آقای ابراهیمیان - من یک سؤال دارم؛ دوستان آن تبصره (۲) ماده (۱۴) را که در مورد ملک ثبت شده در بازداشت یا رهن یا ممنوع‌المعامله است خوانده‌اند؟ من می‌خواستم در مورد این تبصره (۲) از بزرگواران فقها که تشریف دارند سؤال کنم؛ چون ما در دادگاه‌ها هم یک مقدار گرفتار آن مسئله هستیم. نظر بعضی از آقایان [مراجع تقلید] این است که فروش مال مرهونه با حق مرتهن، منافات دارد؛ بنابراین آیا این معامله، غیر نافذ است؟ بعضی از آقایان [مراجع تقلید]، مثل مرحوم خوئی (ره)، قائل به چنین چیزی هستند.^۱ من تردید دارم ولی شاید نظر حاج آقای شاهرودی هم همین باشد. آیا می‌شود عین مرهونه، رهناً به دیگری منتقل بشود؟

آقای هاشمی شاهرودی - منظورتان این است که مال مرهونه را مرهوناً بفروشد؟

آقای ابراهیمیان - بله، اگر این‌طوری منتقل بشود، شاید این تبصره، یک اشکال این‌طوری داشته باشد. آیا نظر همه‌ی آقایان این است که فروش عین مرهونه در این حالت ممنوع است؟ **آقای علیزاده -** این [ماده (۱۴)]، در مورد انتقال ملک [نیست]؛ می‌گوید در صورتی که ملکی ثبت شده باشد، باید با موافقت ذی‌نفع باشد. این ماده، مربوط به تبدیل سند است.

آقای ابراهیمیان - عرض من این است که این مصالحه، یک‌طور صلح است دیگر؛ مالکان مجاور این مصالحه را انجام داده‌اند و این ملک هم در رهن است؛ یعنی با وجود رهن بودن، صلحی صورت می‌گیرد، ولی کماکان عین، مرهونه باشد یا در بازداشت باشد. آیا این کار، اشکال دارد؟

آقای علیزاده - اگر یک‌طوری حساب کنند که بسیاری از این حقوق از بین برود، خوب حق آن مالک هم از بین می‌رود.

آقای ابراهیمیان - ولی از بین نمی‌رود.

آقای مدرسی یزدی - اصلاً بیع مال مرهونه جایز است، ولی این تبصره می‌گوید که دیگر سند و دفترچه‌ای [بدون موافقت رسمی ذی‌نفع] نمی‌دهیم.

آقای علیزاده - بله، سند نمی‌دهیم.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، اشکالی ندارد.

آقای ابراهیمیان - آیا مصالحه اشکال دارد؟

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره نمی‌خواهد به مصالحه‌ی مالکان مجاور اشکال وارد کند؛ می‌گوید که ما [در فرض رهن] سند نمی‌دهیم و آن سند را تبدیل نمی‌کنیم.

آقای مدرسی یزدی - مصالحه چه اشکالی دارد؟

آقای علیزاده - می‌گوید سند را تبدیل نمی‌کنیم؛ چون در رهن است. به رهن می‌گوید برو و پول این آقا را بده، بعد بیا این سند را آزاد کن و برو سند جدید بگیر.

آقای ابراهیمیان - بسیار خوب.

منشی جلسه - «فصل چهارم- موارد متفرقه»

ماده ۱۵- سازمان مکلف است در صورت تقاضا، نقشه‌های حدنگار را در قبال وصول هزینه به مالک یا قائم‌مقام وی یا دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط ارائه کند.»

آقای مدرسی یزدی - ما آن اشکال را وارد کردیم که این اجرای این طرح، هزینه دارد. این ماده (۱۵)، مشکل هزینه را حل کرده است. این ماده، اشکال هزینه را حل کرده است؛ گفته است لازم نیست که هزینه‌ای [از سوی بیت‌المال پرداخت شود].

آقای علیزاده - سازمان ثبت باید نقشه را بدهد، اما [باید در قبال آن، هزینه دریافت کند].

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده، یک چیز دیگری است.

آقای مدرسی یزدی - خیلی خوب، این مقدار وصول هزینه، هزینه‌ی اجرای این طرح را سرشکن می‌کند.

آقای علیزاده - وقتی که سازمان ثبت این نقشه‌های حدنگار را می‌فروشد، باید هزینه‌ی آن را به خزانه واریز کند.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای علیزاده - اما آنجا [= ماده (۳) مصوبه] گفتند که سازمان باید نقشه‌های حدنگار همه‌ی املاک و اراضی را تهیه کند.

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد؛ اما فی‌الجمله این ماده (۱۵)، ایراد هزینه‌ها را حل می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - این پرداخت هزینه، مربوط به کسی است که می‌خواهد نقشه را اضافه بر سند داشته باشد. سازمان ثبت، یک پرینت از نقشه می‌گیرد دیگر. اگر مالک، نسخه‌ی دیگری از نقشه را خواست، به سازمان پول می‌دهد [تا نسخه‌ی دیگر نقشه را دریافت کند].

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد. بالاخره همه از سازمان ثبت،

۱. «مسأله ۹۴: یصح للراهن بیع العین المرهونه بإذن المرتهن، و کذلک لو أجازه بعد وقوعه، و الأظهر صحه البیع مع عدم إجازته ایضاً إلاً أنه یثبت الخيار- حیثین- للمشتري إذا کان جاهلاً بالحال حین البیع.» موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم، انتشارات مدینه العلم، ج ۲۸، ۱۴۱۰ هـ، ج ۲، ص ۲۵.

نقشه‌های حدنگار املاکشان را می‌گیرند دیگر.

آقای علیزاده - اول سازمان ثبت باید این کارها را انجام بدهد، بعد اگر ان‌شاءالله کسی نقشه‌ای خواست، به سازمان پول می‌دهد و آن را دریافت می‌کند.

آقای مدرس یزدی - بله، وصول هزینه‌ها در اینجا فی‌الجمله است.

آقای رهپیک - آیا قانون، میزان دریافت این هزینه را بعداً تعیین می‌کند؟ اگر الان شما این مصوبه را تأیید کنید، فردا می‌روند و هزینه‌ی آن را می‌گیرند. باید میزان دریافت هزینه را در قانون تعیین کنند.

آقای علیزاده - بله، این هزینه چطوری تعیین می‌شود؟

آقای هاشمی شاهرودی - لابد قیمت سوقی [= بازاری] آن دریافت می‌شود.

آقای رهپیک - نه دیگر، موارد آن فرق دارد.

آقای علیزاده - بقیه‌ی سازمان‌ها که چنین کاری [= تهیه‌ی نقشه‌ی حدنگاری] را انجام نمی‌دهند [که انجام این خدمات، قیمت سوقی داشته باشد]؛ فقط این سازمان است که دارد این کار را انجام می‌دهد.

آقای رهپیک - باید ضابطه‌ی این هزینه، معلوم بشود.

آقای علیزاده - بله، باید ضابطه‌ی دریافت این هزینه‌ها معلوم بشود.

آقای رهپیک - ایراد مغایرت با اصل (۸۵) قانون اساسی دارد. طبق اصل (۸۵)، باید ضابطه‌ی دریافت هزینه را در قانون معلوم کنند.

آقای ابراهیمیان - در این قانون [= ماده (۱۹) این مصوبه] می‌گوید برای اجرای این قانون، آیین‌نامه‌ی اجرایی تهیه می‌شود.

آقای علیزاده - قانون باید بگوید که مثلاً باید این قدر بدهید.

آقای رهپیک - بله، باید در قانون میزان هزینه‌ها [یا ضوابط آن] تعیین شود.

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده، نگفته است میزان هزینه بر اساس قانون باشد.

آقای ابراهیمیان - اگر آن را به تعرفه و آیین‌نامه‌ای که تعرفه را معین کرده باشد موکول کنند که اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - تعیین این هزینه‌ها، ضابطه می‌خواهد.

آقای هاشمی شاهرودی - ضابطه یا مقداری که هزینه‌ی ارائه‌ی نقشه‌های حدنگار مشخص بشود.

آقای رهپیک - این ماده، مغایر با اصل (۸۵) است.^۱

منشی جلسه - «ماده ۱۶- سازمان مکلف است در راستای اجرای وظایف محوله در این قانون، اقدام به اصلاح ساختار و جذب نیروی انسانی مورد نیاز در چهارچوب قوانین نماید و کلیه ادارات ثبت را به فناوری نظام جامع مجهز کند.»

آقای رهپیک - این ماده هم ایراد اصل (۷۵) دارد.

آقای سلیمی - این ماده، بار مالی ندارد.

منشی جلسه - «ماده ۱۷- به منظور اجرای تکالیف مقرر در این قانون، شامل ایجاد واحدهای ثبتی و تجهیز آنها به فناوری نظام جامع، ایجاد زیرساخت‌های لازم، صدور اسناد مالکیت حدنگار، ماشینی‌کردن (مکانیزاسیون) خدمات ثبتی، توسعه نظام جامع، داده‌آمایی و بایگانی (آرشیو) الکترونیک سوابق ثبتی و تکمیل بانک اطلاعاتی مرتبط، تکمیل مرکز ملی داده‌های ثبتی، پاسخ‌آنی و الکترونیک به استعلامات ثبتی و ثبت‌آنی معاملات و ساخت، توسعه، تجهیز و تعمیر واحدهای اداری و آموزش، تأمین و ترغیب نیروی انسانی مورد نیاز، کلیه درآمدهای خدمات ثبتی سازمان به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز و همه‌ساله پنجاه درصد (۵۰٪) آن، ذیل ردیف مستقل در بودجه سنواتی کشور پیش‌بینی می‌شود و به سازمان تخصیص می‌یابد.»

آقای علیزاده - خود این ماده، خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ نه اینکه [صرفاً ایراد این باشد که] این ماده (۱۷) بار مالی این مصوبه را تأمین نمی‌کند. هم خود این ماده خلاف اصل (۷۵) است، هم طریق تأمین بار مالی مواد دیگر نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا خود این ماده هم دارد می‌گوید [که اجرای این مصوبه، بار مالی دارد].

آقای رهپیک - هم خلاف اصل (۷۵) است و هم [خلاف اصل (۵۲) است].

آقای ابراهیمیان - چرا؟

آقای علیزاده - چون الان، همه‌ی این هزینه‌ها به خزانه واریز می‌شود و اختیار هزینه‌کرد آن دست دولت است. این ماده می‌گوید که پنجاه درصد (۵۰٪) از این هزینه‌ها را به سازمان ثبت بدهید.

آقای سلیمی - الان، یک هزینه‌ای را از مالک می‌گیرند؛ الان این هزینه را از مالک می‌گیرند.

۱. بند (۴) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان:

«۴- در ماده (۱۵)، از آنجا که ضابطه تعیین هزینه یا مقدار آن معین نشده

است، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.»

جهت خلاف اصل (۷۵) است که این ماده گفته است درآمد دولت را به سازمان ثبت بدهید.

آقای رهپیک - خلاف اصل (۵۲) قانون اساسی هم است؛ چون این ماده گفته است که همه ساله پنجاه درصد (۵۰٪) این درآمدها در لایحه بودجه پیش‌بینی بشود.

آقای علیزاده - نه، این مطلب را که می‌تواند بگوید.

آقای رهپیک - چرا؟

آقای علیزاده - خلاف اصل (۵۲) نیست؛ خلاف اصل (۷۵) است.

آقای مدرسی یزدی - آقای علیزاده، شما چطور فرمودید که این ماده، خلاف اصل (۷۵) است؟

آقای هاشمی شاهرودی - چون همین حالا هم درآمدهای سازمان ثبت، دست دولت را بسته است.

آقای علیزاده - چون الآن دولت دارد این درآمد را مصرف می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - نه، شما می‌فرمایید که الآن سازمان ثبت این هزینه‌ها را می‌گیرد، ولی این ماده گفته است که باید این هزینه را به خزانه واریز کند.

آقای هاشمی شاهرودی - الآن اینها را سازمان ثبت نمی‌گیرد؛ همه‌اش را به خزانه می‌دهند.

آقای علیزاده - نه، سازمان ثبت این درآمدها را نمی‌گیرد. اگر دولت خواست، هر سال یک مبلغی از این درآمدها را به سازمان ثبت می‌دهد. این موضوع را در بودجه تعیین می‌کنند.

تازه، از خود این درآمدها، به سازمان ثبت پرداخت نمی‌کنند. بنده خودم مدعی این مطلب بودم و الآن اینجا نشسته‌ام. من

می‌گفتم ما این قدر از آنچه که از درآمدهای خدمات ثبتی است، برای سازمان ثبت درآمد پیش‌بینی می‌کنیم که همه‌ی آن را به خزانه واریز می‌کنیم. اضافه بر این، اگر سازمان بیش از این

پیش‌بینی درآمد کسب کرد، از آن سهم پنجاه درصدی‌اش (۵۰٪)، بیست درصد (۲۰٪) یا سی درصد (۳۰٪) آن را به

سازمان ثبت بدهند. چون اصلاً این مطلب در قانون هست که برای پنجاه درصد (۵۰٪) از این درآمد، هزینه تعیین شده است

و بقیه‌ی آن به خزانه واریز می‌شود. حالا این ماده دارد می‌گوید آن پنجاه درصد (۵۰٪) بقیه که به خزانه واریز می‌شود و دولت با آن به کارهای دیگرش رسیدگی می‌کند، آن را هم به سازمان

ثبت بدهید. آنچه که ما پیش‌بینی کرده بودیم و اولین بار، خود من مبدع این موضوع بودم، این بود که من گفتم که مثلاً الآن

آقای علیزاده - هر سال در لایحه بودجه‌ی کل کشور، مورد به مورد [برای درآمدها، محل هزینه‌کرد] تعیین می‌شود.

آقای رهپیک - آن هزینه‌ای که خرد خرد می‌گیرند و برای خود سازمان ثبت است را می‌گوید که به کاداستر بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - حدود چهل و هشت درصد (۴۸٪) از درآمدهای ثبتی، متعلق به هلال احمر است.

آقای رهپیک - چهل و دو درصد (۴۲٪) متعلق به هلال احمر است،^۱ هشت درصد (۸٪) هم مربوط به یک جای دیگر است که در مجموع، پنجاه درصد (۵۰٪) می‌شود. یک مقداری از

بقیه‌ی درآمدهای ناشی از حق‌الثبت را که متعلق به خود سازمان است به صورت متفرقه به سازمان ثبت می‌دهند.

آقای هاشمی شاهرودی - بقیه‌ی این درآمد را هم دولت خرج می‌کند.

آقای علیزاده - نحوه‌ی هزینه‌کرد آن درآمدها در بودجه‌ی هر سال تعیین می‌شود. دولت آن را در لایحه بودجه می‌آورد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، آن را در بودجه‌ی سالانه می‌آورند؛ درست است.

آقای رهپیک - این ماده، خلاف اصل (۵۲) است.

آقای علیزاده - علاوه بر اینکه ماده (۱۷) بار مالی آن موادی را که قبلاً اشکال بار مالی به آنها گرفتیم، تأمین نمی‌نماید، خود این ماده هم خلاف اصل (۷۵) است.

آقای سلیمی - این ماده، موجب کاهش درآمد سازمان ثبت است.

آقای هاشمی شاهرودی - برای این درآمدها، از قبل، محل هزینه‌کرد مشخص شده است.

آقای علیزاده - ذیل این ماده، خلاف اصل (۷۵) است. آقایانی که به این ایراد رأی می‌دهند، رأی بدهند.

آقای ابراهیمیان - نه، با اصل (۷۵) قانون اساسی مغایر نیست. اشکالش، چیز دیگری است.

آقای مؤمن - چرا؟

آقای علیزاده - این درآمدها به خزانه واریز می‌شود. به این

۱. ماده (۱۷) قانون اساسنامه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۷/۲/۸ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۷- منابع مالی جمعیت، علاوه بر آنچه که قانون در گذشته مشخص نموده است، عبارت است از:

۱- چهل و دو درصد از درآمد حاصل از حق‌الثبت اسناد رسمی

۲- ...»

قوهی قضائیه می‌تواند به مجلس گزارش بدهد؟
آقای رهپیک - نه، اگر رئیس قوهی قضائیه نخواهد، [سازمان
 ثبت نباید به مجلس گزارش ارائه کند].
آقای علیزاده - آقای دکتر [رهپیک]، من یک جایی دیده بودم
 که نوشته بود اگر وزیر دادگستری، این کار را انجام دهد،
 اشکال دارد.

آقای رهپیک - چه کار می‌کند؟

آقای ابراهیمیان - نه، ماده (۱۸) اشکالی ندارد. سازمان ثبت
 می‌تواند مستقیماً به مجلس شورای اسلامی گزارش بدهد.

آقای علیزاده - منظور من، غیر از آن [ماده (۱۸)] است؛ ماده
 (۱۹) اشکالی ندارد. من به آن ماده ایرادی ندارم.

آقای سلیمی - چرا سازمان ثبت باید بتواند بدون اجازه‌ی
 رئیس قوهی قضائیه به مجلس گزارش بدهد؟

آقای رهپیک - اگر رئیس قوهی قضائیه نخواهد، آیا سازمان
 ثبت باید به مجلس گزارش بدهد؟!

آقای هاشمی شاهرودی - سازمان ثبت، یک سازمان قضایی که
 نیست. سازمان می‌تواند هر موقعی که مجلس گزارش خواست،
 آن را رد کند.

آقای ابراهیمیان - گزارش یک قوه به قوهی دیگر، نوعی ارتباط
 بین دو قوه است. اتفاقاً این‌طور جاها، از جاهایی است که به
 وزیر دادگستری مربوط است؛ یعنی وزیر دادگستری باید این
 اطلاعات را بگیرد و به مجلس ارائه بدهد.

آقای علیزاده - در کجای این مصوبه آمده است؟

آقای ابراهیمیان - همین ماده (۱۸). در ماده (۱۸) گفته است که
 رئیس سازمان نمی‌تواند خودش به مجلس گزارش بدهد.

آقای رهپیک - نه، این ماده می‌گوید: «سازمان موظف است،
 سالانه گزارش عملکرد خود را در اجرای این قانون، به مجلس
 شورای اسلامی ارائه کند.»

آقای هاشمی شاهرودی - نه، به نظر وزیر [دادگستری الزامی
 شده است تا گزارش بدهد].

آقای علیزاده - ولی نظر من بر این است که این ماده دو تا

→

منصوب می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه می‌باشد، تکلیف سازمان ثبت
 اسناد و املاک به ارائه گزارش عملکرد سالانه به مجلس، بدون تصریح به قید
 «پس از اخذ اجازه از رئیس قوه قضائیه» مغایر با اصل (۵۷) و (۱۵۷) قانون
 اساسی می‌باشد. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای
 نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۵ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، ص ۲۴، قابل مشاهده در
 نشانی زیر: yon.ir/2QQQy

امسال که دولت به سازمان ثبت می‌گوید که شمای سازمان
 ثبت، چقدر برای من درآمد کسب می‌کنی و سازمان ثبت مثلاً
 می‌گوید که دویست میلیارد (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) تومان، من
 گفتم که اگر در آن سال، من سازمان ثبت زحمت کشیدم و
 بیشتر از آن مبلغ دویست میلیارد (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) تومان
 درآمد کسب کردم، شما بگویید که پنجاه درصد (۵۰٪) از این
 اضافه درآمد را به سازمان ثبت بدهند. دولت هم گفت
 خیلی‌خب، قبول است. اما الآن این ماده گفته است که همین
 نصف درآمد را هم به سازمان ثبت بدهید. این ماده، خلاف
 اصل (۷۵) قانون اساسی است دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این درآمد متعلق به دولت است.

آقای سلیمی - این درآمد متعلق به دولت است.

آقای رهپیک - چون این درآمد به خزانه ریخته می‌شود.

آقای علیزاده - پس ماده (۱۷)، علاوه بر اینکه بار مالی مواد قبلی
 را تأمین نمی‌کند، ذیل خودش هم خلاف اصل (۷۵) است.

آقای مدرس‌ی یزدی - نه، این ماده خلاف اصل (۷۵) قانون
 اساسی نیست.

آقای علیزاده - این ایراد، رأی آورد.^۱

منشی جلسه - «ماده ۱۸- سازمان موظف است سالانه گزارش
 عملکرد خود را در اجرای این قانون، به مجلس شورای اسلامی
 ارائه کند.»

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده، اشکالی ندارد.

منشی جلسه - «ماده ۱۹- آیین‌نامه اجرایی این قانون، حداکثر
 ظرف مدت سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن آن، توسط سازمان و
 با همکاری وزارت دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس
 قوه قضائیه می‌رسد.»

آقای ابراهیمیان - ماده (۱۸) اشکال دارد.

آقای سلیمی - ظاهراً [مجمع مشورتی حقوقی، به این ماده]
 اشکال وارد کرده است.^۲ آیا سازمان ثبت، بدون اجازه‌ی رئیس

۱. بند (۵) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان:
 «۵- نظر به اینکه مواد (۳)، (۵)، (۶)، ماده (۷) و تبصره یک آن، مواد
 (۱۰)، (۱۱) و (۱۶) موجب افزایش هزینه عمومی می‌گردند و طریق
 پیش‌بینی شده در ماده (۱۷) علاوه بر اینکه جبران هزینه‌های مذکور را
 نمی‌نماید، خود دارای بار مالی است، فلذا مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی
 می‌باشند.»

۲. «با توجه به پذیرش اصل استقلال قوا در نظام جمهوری اسلامی ایران
 (موضوع اصل (۵۷) قانون اساسی)، و عطف توجه به این نکته که به استناد
 اصل (۱۵۷) قانون اساسی، مقام معظم رهبری به منظور انجام مسئولیت‌های
 قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، رئیس قوه قضائیه را
 ←

اشکال دارد. یک اشکال این است که قوهی قضائیه در هیچ‌جای قانون اساسی چنین وظیفه‌ای ندارد. اگر چنین چیزی را می‌خواهند، باید سازمان ثبت را از مجموعهی زیر نظر قوهی قضائیه بردارند. مادامی که این سازمان تحت نظر قوهی قضائیه است، نباید [اقدامات سازمان ثبت بدون نظر رئیس قوهی قضائیه] باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - [اینکه سازمان ثبت تحت نظر قوهی قضائیه است،] در قانون اساسی نیست، بلکه به واسطه‌ی قانون عادی، این سازمان به این قوه محول شده است.^۱ این قانون، مقید به آن قانون است.

آقای علیزاده - نه.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا دیگر، این سازمان، با قانون عادی، زیر نظر قوهی قضائیه است، نه با قانون اساسی؛ فلذا می‌شود با این مصوبه، آن قانون را تغییرش داد.

آقای علیزاده - اگر سازمان ثبت، زیر مجموعهی قوهی قضائیه شد، مسئول اجرای آن هم رئیس قوهی قضائیه است. بنابراین، این ماده ایراد دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - جواب شما همین است که بنده عرض کردم.

آقای یزدی - سازمان ثبت، از سازمان‌هایی است که وابسته به قوهی قضائیه است.

آقای هاشمی شاهرودی - با قانون عادی تحت نظر قوهی قضائیه است، نه با قانون اساسی.

آقای یزدی - حالا با هر قانونی که باشد؛ بالاخره زیر نظر قوهی قضائیه است.

آقای رهپیک - حالا آن مسئله مهم نیست؛ الآن یک اداره‌ای در قوهی قضائیه است، آیا دادگاه [= قانون] می‌تواند آن اداره را به ارائه‌ی گزارش به مجلس مکلف کند؟

آقای هاشمی شاهرودی - در قانون عادی آمده است و این‌طوری گفته است که این سازمان، وابسته به قوهی قضائیه است. حالا هم قانون عادی گفته است که این سازمان وابسته، باید گزارش خودش را به مجلس هم ارائه بدهد. الآن این مطلب چه اشکالی دارد؟

۱. سازمان ثبت اسناد، بر اساس قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ مجلس شورای ملی، زیر نظر وزارت عدلیه قرار گرفت که پس از انقلاب اسلامی و تشکیل قوهی قضائیه، این سازمان در زیرمجموعه‌ی تشکیلات قوهی قضائیه قرار گرفته است.

آقای رهپیک - این‌طور نمی‌شود.

آقای یزدی - این مصوبه، مربوط به سازمان ثبت است، پس از لحاظ اجرایی [این کار، به قوهی قضائیه مربوط است].

آقای رهپیک - بالاخره این کار از تشریفات اداری قوهی قضائیه است.

آقای علیزاده - این قوهی قضائیه، قوه‌ای مستقل است. اگر می‌خواهد از آن گزارش مستقل بگیرد، باید سازمان ثبت را از قوهی قضائیه بگیرد. رهبری یک فردی را برای انجام کلیه‌ی امور اجرایی در قوهی قضائیه قرار داده است. هیچ‌جا هم ننوشته است که قوهی قضائیه، حتی برای کارهای اداری هم باید گزارش بدهد. در [اصول (۸۸) و (۸۹)] قانون اساسی، حقی که به مجلس داده این است که مجلس نسبت به دولت، حق سؤال دارد، حق استیضاح دارد؛ اما مجلس نسبت به قوهی قضائیه که یک چنین حقی را ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده که طرح سؤال را نگفته است.

آقای رهپیک - ما قبلاً نسبت به الزام سازمان بازرسی کل کشور [به ارائه‌ی گزارش به مجلس]، همین اشکال را وارد کرده‌ایم.^۲

آقای علیزاده - اگر چنین کاری لازم باشد، باید صلاحیت آن در قانون اساسی بیاید.

۲. بند (۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۸۴۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۵ شورای نگهبان در خصوص طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «۳- در بند (ج) ماده (۲) اصلاحی موضوع بند (۴) ماده (۲)، الزام ارسال گزارش به کمیسیون اصل نودم (۹۰) قانون اساسی، مغایر اصول (۵۷) و (۱۷۴) قانون اساسی شناخته شد.» متن بند (ج) ماده (۲) اصلاحی موضوع بند (۴) ماده (۲) طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی بدین شرح بود: «۴- در بند (ج): عبارت «وزارت امور اقتصادی و دارایی» حذف و عبارت «وزیر ذی‌ربط» جایگزین می‌شود و عبارت «اصول هشتاد و هشتم (۸۸) و نودم (۹۰)» به «اصل نودم (۹۰) تغییر می‌یابد.» بند (ج) ماده (۲) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹ (اصلاحی ۱۳۷۵/۵/۷) بدین شرح بود: «ج- اعلام موارد تخلف و نارسایی‌ها و سوء جریانات اداری و مالی در خصوص وزارتخانه‌ها و نهادهای انقلاب اسلامی و بنیادها به رئیس جمهور و در خصوص مؤسسات و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت به وزیر ذی‌ربط و در مورد شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به وزیر کشور و در خصوص مؤسسات غیر دولتی کمک‌بگیر از دولت به وزارت امور اقتصادی و دارایی و در خصوص سوء جریانات اداری و مالی مراجع قضایی و واحدهای تابعه دادگستری به رئیس قوه قضائیه و در موارد ارجاعی کمیسیون اصول (۸۸) و (۹۰) قانون اساسی نتیجه بازرسی به آن کمیسیون اعلام خواهد شد.»

گزارش بدهد، چه اشکالی دارد؟ قانون عادی سازمان ثبت را در اختیار قوه قضائیه قرار داده است و یک چیزی هم به آن اضافه کرده است که بایستی هر سال برود و به مجلس گزارش بدهد. این، چه اشکالی دارد؟ اگر این موضوع، در همان قانون آمده بود، شما به آن اشکال وارد می‌کردید؟

آقای علیزاده - بله، ما ایراد وارد می‌کردیم و می‌گفتیم که اگر شما سازمان را جزء قوه قضائیه می‌گذارید، نمی‌توانید [آن را به ملزما به ارائه‌ی گزارش به مجلس کنید].

آقای ابراهیمیان - همان‌طور که قانون عادی نمی‌تواند شهرداری یا یک اداره‌ی دیگر را به قوه قضائیه وصل کند، این مصوبه هم نمی‌تواند [سازمان ثبت را به قوه موقننه وصل کند].

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاً این‌طور نیست. مجلس می‌گوید ما این سازمان را این‌طوری و با این شرط زیر نظر قوه قضائیه می‌گذاریم. وقتی خودش را می‌توانیم زیر نظر این قوه بگذاریم، با شرطش هم می‌توانیم بگذاریم.

آقای علیزاده - ولی ما به مجلس می‌گوییم که نمی‌توانید چنین شرطی بگذارید. مجلس نمی‌تواند برای قوه قضائیه صلاحیت اضافی ایجاد کند.

آقای هاشمی شاهرودی - مجلس که با این کار، صلاحیت اضافی ایجاد نکرده است.

آقای علیزاده - اگر الآن مجلس بخواهد سازمان ثبت را به قوه قضائیه بدهد، شاید ما بگوییم که این کار هم اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، اصل این موضوع، اشکال دارد. **آقای علیزاده -** اما الآن که این سازمان زیر نظر قوه قضائیه هست. حالا اینجا در این ماده می‌گوید که من مجلس، وظایف اضافه برای قوه قضائیه وضع می‌کنم. چون این کار، یک تکلیف اضافی است، ما به مجلس می‌گوییم نمی‌توانی چنین کاری بکنی. ما حرفمان این است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این‌طور نیست. **آقای علیزاده -** ما می‌گوییم که شما نمی‌توانید برای قوه قضائیه وظایف اضافه و تکلیف اضافه وضع کنید. این ماده دارد تکلیف اضافی وضع می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - پس شما به اصلش دارید اشکال وارد می‌کنید؛ یعنی می‌گویید مجلس اصلاً نمی‌تواند یک سازمان دیگری را به قوه قضائیه واگذارد.

آقای علیزاده - مجلس، سازمان ثبت را قبلاً به قوه قضائیه

آقای هاشمی شاهرودی - در [اصل (۱۷۴)] قانون اساسی ذکر شده که سازمان بازرسی زیر نظر قوه قضائیه است.

آقای ره‌پیک - نه، این مطلب که خصوصیتی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا دیگر؛ این موضوع در قانون عادی آمده است. قانون عادی فردا می‌تواند سازمان ثبت را به قوه دیگری واگذار کند.

آقای علیزاده - مادامی که قانون، سازمان ثبت را از قوه قضائیه نگرفته است نمی‌تواند بگوید شما باید مستقیماً به مجلس گزارش ارائه بدهی.

آقای هاشمی شاهرودی - قانون می‌تواند چنین چیزی را بگوید. این مسئله به مجلس مربوط است و مجلس می‌تواند بگوید که سازمان ثبت باید یک گزارش هم به مجلس ارائه بدهد.

آقای ره‌پیک - شما می‌گویید که تشکیلات اداری قوه قضائیه، زیر نظر رئیس قوه قضائیه است، ولو در قانون اساسی هم نباشد.

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاً از نظر اداری، اصل سازمان ثبت، مستقل محسوب می‌شود.

آقای ره‌پیک - نه، بالاخره الآن سازمان ثبت، از تشکیلات اداری قوه قضائیه است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، مستقل است.

آقای علیزاده - من می‌گویم که قانون‌گذار می‌تواند سازمان ثبت را از قوه قضائیه منتزع کند. ما در این مورد، ایرادی نداریم؛ اما تا آن را منتزع نکرده است، نمی‌تواند به زیرمجموعه‌ی قوه قضائیه بگوید که تو مستقلاً این کارها را انجام بده.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا؟

آقای علیزاده - چون این سازمان را جزء قوه قضائیه تلقی کرده است. این قوه، با قوه مجریه فرق دارد. مجلس نمی‌تواند بیاید بگوید از کارهای اجرایی قوه قضائیه، یک گزارش به من بدهید.

آقای ابراهیمیان - بله، البته این نظر، مبنی بر ارائه‌ی یک تفسیر از شورای نگهبان است که باید شورای نگهبان انجام دهد و یا این طرف یا آن طرف را قبول کند؛ چون نمی‌شود بگوییم که این مسائل به اختیار قانون‌گذار است. ما یا باید بپذیریم که سازمان ثبت جزء آن قسمت‌های وظایف اصلی قوه قضائیه است، یا نپذیریم. به نظر من، سازمان ثبت، جزو وظایف اصلی قوه قضائیه نیست، ولی در حال حاضر زیر نظر قوه قضائیه است.

آقای علیزاده - نباید باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا اگر سازمان ثبت به مجلس

آقای علیزاده - رأی می‌گیریم. ما که نمی‌خواهیم حتماً رأی داشته باشد. ما می‌خواهیم بگوییم که این مسئله مطرح شده است، ولی رأی نیاورده است.

آقای هاشمی شاهرودی - خب رأی بگیرید.

آقای علیزاده - ما این ماده را خلاف استقلال قوه قضائیه می‌دانیم.

آقای مؤمن - چرا قوه قضائیه؟

آقای علیزاده - به مغایرت این ماده با این اختیار رأی بدهید.

منشی جلسه - چهار رأی دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - رأی نیاورد.

آقای ره‌پیک - [اصل (۱۵۷) قانون اساسی] می‌گوید کلیه امور اداری مسئولیتش بر عهده رئیس قوه قضائیه است. آیا این کار، امر اداری است یا نه؟

آقای یزدی - مگر شورای نگهبان مکرر نگفته است که اگر در یک اصلی از قانون اساسی، چیزی را شماره کردند، معنای آن انحصار است^۱؟ برای قوه قضائیه هم شماره کرده است و معنایش انحصار است.

آقای علیزاده - بله، ضمن اینکه هیچ‌جا هم گفته نشده است که مجلس نسبت به قوه قضائیه، صلاحیت نظارت دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - آن موضوع [= حصر ناشی از احصای وظایف در قانون اساسی]، چه ربطی به این موضوع دارد؟! اینکه سازمان ثبت زیر نظر قوه قضائیه باشد را مجلس وضع کرده است. سازمان ثبت که در قانون اساسی نیامده است.

آقای علیزاده - ما مگر [اصل (۱۶۰) قانون اساسی را] تفسیر نکردیم که وزیر دادگستری نباید به سؤال آنها جواب بدهد.^۲

۱. به عنوان مثال، شورای نگهبان در نظر شماره ۳۰۳۹ مورخ ۱۳۷۱/۲/۳ خود در خصوص طرح اداره سازمان ثبت اسناد و املاک کشور زیر نظر وزیر دادگستری مصوب ۱۳۷۱/۱/۳۰ مجلس شورای اسلامی بدین صورت اظهار نظر کرده است: «با توجه به اینکه اصل یکصد و شصتم قانون اساسی وظایف و حدود اختیار وزیر دادگستری را تعیین نموده است و این امر، ظهور در انحصار دارد، نمی‌توان به موجب قانون عادی، اختیار دیگری به او اعطا نمود. بنابراین طرح فوق، مغایر اصل (۱۶۰) قانون اساسی شناخته شد.»

۲. نظریه تفسیری شماره ۹۰۷۵ مورخ ۱۳۶۲/۴/۱۶ شورای نگهبان در خصوص اصل یکصد و شصتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «در رابطه با سؤال نماینده مجلس شورای اسلامی از وزیر که در اصل (۸۸) قانون اساسی مطرح است، وزیر دادگستری نیز در حدود وظایفی که در اصل (۱۶۰) قانون اساسی برای او مقرر شده است، مسئول می‌باشد و علی‌هذا در رابطه با مسئولیت‌های قوه قضائیه، وزیر دادگستری مسئول نخواهد بود...»

داده است. اگر آن قانون الآن به شورای نگهبان می‌آمد، شاید به آن اشکال می‌گرفتیم.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، اشکال وارد است.

آقای علیزاده - الآن نمی‌توانیم چنین ایرادی بگیریم؛ چون مجلس در آن زمان، سازمان ثبت را به قوه قضائیه داده است؛ اما الآن به واسطه آن قانون، نمی‌توانیم بگوییم مجلس می‌تواند این تکلیف اضافه را وضع کند.

آقای مدرسی یزدی - این، تکلیفی برای قوه قضائیه نیست؛ تکلیفی برای سازمان ثبت است.

آقای علیزاده - این سازمان یک واحد تابع قوه قضائیه است.

آقای مدرسی یزدی - نه، اشکالی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - اشکالی ندارد.

آقای ابراهیمیان - رئیس این سازمان، زیر نظر رئیس قوه قضائیه است.

آقای علیزاده - برای ثبت در تاریخ هم که شده، این ایراد را رأی‌گیری کنیم. ما می‌گوییم که قانون نمی‌تواند یک چنین تکلیفی به سازمان ثبت بکند که مستقیماً به مجلس گزارش بدهد.

آقای شب‌زنده‌دار - در قانون اساسی [چنین وظیفه‌ای برای قوه قضائیه مقرر نشده است].

آقای علیزاده - بله، ما می‌گوییم که هیچ‌جا برای قوه قضائیه یک چنین وظایفی وجود ندارد.

آقای مدرسی یزدی - مجلس شورای اسلامی، [طبق اصل (۷۱) قانون اساسی] می‌تواند در تمام امور قانون وضع کند، مگر اینکه چیزی از این عمومیت خارج شده باشد و خلاف قانون اساسی باشد. در کجای قانون اساسی آمده است که سازمان ثبت، نمی‌تواند به مجلس گزارش بدهد؟

آقای هاشمی شاهرودی - بله، [مجلس می‌تواند در تمام امور قانون وضع کند] به شرط اینکه مخالف قانون اساسی نباشد.

آقای علیزاده - [در قانون اساسی] یک چنین اختیاری برای قوه مقننه در مورد قوه قضائیه نیست.

آقای مدرسی یزدی - سازمان ثبت، زیر نظر قوه قضائیه است دیگر.

آقای علیزاده - مجلس، بر قوه مجریه نظارت دارد؛ بر قوه قضائیه که نظارتی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - این ایراد را رأی بگیرید.

آقای جنتی - آقای علیزاده، نظر شما رأی ندارد؛ حالا اگر می‌خواهید تجربه کنید.

منشی جلسه - این نکته را تذکر بدهیم؟

آقای علیزاده - این، از موارد اصلاحی است؛ بگویید ماده (۱۵۶)، مربوط به قانون مصوب سال ۱۳۵۱ است.

آقای هاشمی شاهرودی - عیبی ندارد؛ در حد تذکر است.

آقای علیزاده - بله، تذکر است.^۳

آقای هاشمی شاهرودی - چون وزیر دادگستری در قانون اساسی ذکر شده است؛ وزیر دادگستری در قانون اساسی آمده است. عجب حرفی می‌زنید!

آقای علیزاده - آیا مجلس می‌تواند بگوید که من این سازمان را به قوه قضائیه می‌دهم، بعد هر وقت که لازم شد رئیس قوه قضائیه باید در مجلس به من پاسخ بدهد؟!

آقای هاشمی شاهرودی - نه، آن را نمی‌تواند بگوید؛ چون [وظیفه‌ی] رئیس قوه قضائیه در قانون اساسی آمده است.

آقای علیزاده - اگر مجلس در مورد کل وظایف قوه قضائیه، نمی‌تواند چنین حرفی را بگوید، در مورد جزئیات هم نمی‌تواند بگوید.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این موضوع، مثل آن نیست. عجب حرفی است!

منشی جلسه - «ماده ۲۰- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، ماده (۱۵۶) قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ و تبصره‌های آن،^۱ نسخ می‌شود.»

آقای علیزاده - این ماده (۱۵۶)، مربوط به قانون ثبت اسناد و املاک، مصوب سال ۱۳۱۰ نیست؛ مربوط به قانون مصوب سال ۱۳۵۱ است.^۲

آقای مدرسی یزدی - یعنی واقعاً مجلس که می‌خواهد یک قانونی برای سازمان ثبت تصویب کند، نباید هیچ اطلاعی داشته باشد که در آنجا چه خبر است؟!

۱. ماده (۱۵۶) قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ و قانون اشتباهات ثبتی و اسناد معارض مصوب ۱۳۳۳، مصوب ۱۳۵۱/۱۰/۱۸ مجلس شورای ملی: «ماده ۱۵۶- به منظور تشخیص حدود و موقعیت املاک واقع در محدوده شهرها و حومه، نقشه املاک به صورت کاداستر تهیه خواهد شد. اداره امور املاک ثبت کل، علاوه بر وظایف فعلی خود عهده‌دار تهیه املاک به صورت نقشه کاداستر خواهد بود.

تبصره ۱- در مورد تقاضای تفکیک و افراز املاک مذکور در این ماده و تحدید حدود املاک مجاور و همچنین در دعاوی مطروحه در مراجع قضایی رفع اختلاف حدودی نقشه کاداستر ملاک عمل خواهد شد.

تبصره ۲- نسبت به املاکی که نقشه رسمی کاداستر تهیه شده است صاحبان املاک مزبور می‌توانند با پرداخت یکپهار ریال تقاضای الصاق نقشه مزبور را به سند مالکیت خود بنمایند.

تبصره ۳- حدود وظایف و تشکیلات اداره امور املاک از جهت تهیه نقشه املاک به صورت کاداستر و همچنین اجرای مقررات این قانون به موجب آیین‌نامه وزارت دادگستری خواهد بود.»

۲. اشاره به قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ و قانون اشتباهات ثبتی و اسناد معارض مصوب ۱۳۳۳ مصوب ۱۳۵۱/۱۰/۱۸ دارد.

۳. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۵/۲۳۰۳۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۸، طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور مصوب جلسه مورخ سوم تیرماه یکپهار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد: ۱- عموم ماده (۹)، مبنی بر مکلف نمودن دستگاه‌ها نسبت به اینکه تمام خصوصیات املاک متعلق به خود را اعلام نمایند در مواردی که موضوع دارای جنبه امنیتی باشد، اشکال شرعی دارد.

۲- ماده (۱۰)، باید به قسمت اخیر اصل (۱۴۷) قانون اساسی مقید گردد و الا مغایر اصل مذکور می‌باشد. همچنین اطلاق تجویز گرفتن عکس و نقشه در مواردی که خلاف مسائل امنیتی و نظامی باشد اشکال دارد.

۳- در تبصره ماده (۱۱)، مقصود از «عدم مراجعه» روشن گردد تا اظهار نظر ممکن شود. علاوه بر این الغاء حقوق مالکانه اشخاص به عللی که در ماده و تبصره آمده، خلاف موازین شرع شناخته شد.

۴- در ماده (۱۵)، از آنجا که ضابطه تعیین هزینه یا مقدار آن معین نشده است، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.

۵- نظر به اینکه مواد (۳)، (۵)، (۶)، ماده (۷) و تبصره یک آن، مواد (۱۰)، (۱۱) و (۱۶) موجب افزایش هزینه عمومی می‌گردند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۷) علاوه بر اینکه جبران هزینه‌های مذکور را نمی‌نماید خود دارای بار مالی است، فلذا مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

تذکرات:

۱- در ماده (۴)، واژه «کد» با توجه به اصل (۱۵) قانون اساسی باید اصلاح شود.

۲- در ماده (۷)، عبارت «دفاتر فیزیکی» به اصلاح عبارتی نیاز دارد.

۳- در ماده (۸)، واژه «جغرافیایی» به «جغرافیایی» اصلاح شود.

۴- در سطر دوم ماده (۹)، بعد از واژه «کاربری» ویرگول ذکر شود.

۵- در ماده (۲۰)، قانون مذکور مصوب سال ۱۳۵۱ است، نه سال ۱۳۱۰ که باید اصلاح گردد.»